

سخن سردبیر

تلنگرهای کرونایی

قریب يك سال از اعلام رسمی شیوع کرونا در کشورمان می گذرد، خوانش آنچه در این يك سال گذشت، چه بسا تغییر و تحولی بنیادین را در نگرش و بینش آدمی ایجاد نماید.

در آستانه سال جدید بود و بسیاری از مردم برای آیین سال جدید در نکاپو بودند. برنامه های اقتصادی، تشریفاتی و فرهنگی بسیاری تدارك دیده شده بود. به ناگاه آهنگ عرف الله بفسخ العزائم علی علیه السلام در کاینات نواخته شد.

این نوا به مثابه دستور ایست بود برای عجلولانه های بشری. بشری که خود را نه خلیفه خدا، که گاه خود خدا و همه کاری جهان می پنداشت و عالم طبیعت را مستخر خود می دانست، خود را در برابر ویروسی که حتی با چشم دیده نمی شد، عاجز و مستاصل دید.

دارایی و توانایی انسان در برابر این بیماری زانوزد و ناکارآمد جلوه کرد. مردان سیاست و هنر و تجارت و علم در تنهایی و بدون تشریفات هر آنچه اندوختند را رها کردند و به دیار باقی شتافتند.

علم تجربی که بیش از دو قرن است مدعیانش می تازند و گاهی بر فرق دین می کوبند، به ناکارآمدی اش اقرار نمود. البته در این مقام نیستیم که فایده علم را که در واقع موهبت الهی است انکار کنیم، بلکه سخن در باور مطلق به علم تجربی و نفی باورهای فرا مادی به اعتبار علم بشری است.

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند

نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست کلاه داری و آیین سروری داند

بشر در طول تاریخ حوادث تلخ و سخت بسیاری را تجربه نموده است، اما این ویروس فارغ از این که ساخته دست بشر است یا خیر، تفاوت هایی داشت. انسان مالوف به عادات و آداب، ناگزیر از ترك يك باره آن و تغییر در سبك زندگی خود گردید. تغییراتی در حیطه های فردی، آموزشی، اداری و به طور کلی سبك زندگی اجتماعی و فردی بشر که چه بسا روز ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۸ يك ایرانی هرگز در خیال خود هم به آن نمی اندیشید.

این ویروس بستری بود برای بشریت که در عالم خاکی جلوه ای از یکی از ویژگی های قیامت را که در کلام الهی در قالب آیه "یوم یفزع المرء من اخیه وصاحبته وبنیه" آمده است، به تجربه بنشیند.

کرونا ویروس یادمان انداخت "هر نفسی که فرو می رود ممل حیات است و چون بر می آید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب."

هر آن چه بود با همه تلخی هایش تلنگری بود بر غرور بشری.

هر يك از ما، نمرود درونمان را در مقابله با ویروسی کوچک تر از حشره، عاجز و درمانده دیدیم.

"یا ایها الانسان ماغرك بربك الکریم"



دوفصلنامه علمی فرهنگی آفاق اندیشه

شماره ۶- تابستان و پاییز ۹۹



صاحب امتیاز: مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

مدیر مسئول: زینب طالبی

سردبیر: زهره رنجبر

مدیر اجرایی و هماهنگی: مریم کلایی

صفحه آرایی: مریم کلایی

همکاری با ما

نشریه آفاق اندیشه از آثار و مقالات شما استقبال می کند. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب، آزاد است. مطالب نشریه صرفاً بیانگر دیدگاه نویسندگان مقالات و مطالب است. مقالات و مطالب خود را به این ایمیل ارسال کنید. modaresqom.farhangi@gmail.com
انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید. شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۳۸

فهرست

سخن سردبیر / تلنگرهای کرونایی / زهره رنجبر	۱
ادبیات / جرعه ای از متون کهن فارسی / خانم کردافشار	۴
مقاله / اصول حیطة عاطفی تحکیم خانواده در سوره احزاب / زهرا پرناک	۷
معرفی بزرگان / فرزانه ای از دیار تیلک / حجت الاسلام والمسلمین رنجبر	۱۸
گذری برشبهات تاریخی / شبهه زمان پیدایش شیعه / حجت الاسلام والمسلمین ایمانی مقدم	۲۰
گفتگو / مصاحبه با سرکار خانم سائری / مریم کلایی	۲۴
روز پرستار / آرامشی از جنس نور / طیبه نجفی	۲۸
مقاله / بررسی ساحت تربیتی اعتقادی در نهج البلاغه / بهاره جزایری	۲۹
معرفی کتاب / انسان کامل / فریبا حیدری / من دیگر ما / زهره میرزابابایی	۳۷
گفتگو / گفتگو با طلبه موفق، سرکار خانم جمشیدی / مریم کلایی	۴۰
طب / نگاهی به وسواس و راه های درمان آن / فاطمه چهره قانی	۴۴
داستان / نوروزهای موصل / حسن نوری	۴۷
بانو کده / خورشید قلیه ماهی / بهاره جزایری	۴۸
اخبار / معاونت آموزش، پژوهش و فرهنگی / مریم کلایی	۵۰

جرعه‌ایی از متون کهن فارسی



سرکاری آنا

بازنویسی
دکتر کردافشار

مقدمه:

ابواسحاق ابراهیم ادهم رحمه الله علیه^۱ بن منصور بن یزید بن جابر (یا عامر بن اسحاق) تمیمی عجللی بلخی، عارف و زاهد معروف سده ۸/۲م است. وی از حاکمان بلخ بود که به خاطر حوادثی از بساط شاهانه کناره گرفته و توبه نمود و دنبال تحصیل علم و حدیث رفت و از محضر بزرگانی همچون امام باقر (علیه السلام) و دیگر راویان استفاده نموده است. متنی از کتاب تذکره الاولیای عطار نیشابوری در شرح حال ابراهیم ابن ادهم انتخاب شده که استاد محترم، سرکار خانم دکتر کردافشار بازنویسی کرده‌اند؛ تقدیمتان می‌شود.

۱. ابراهیم بن ادهم بن سلیمان عارف و صوفی قرن دوم هجری اهل بلخ که پیشتر جزئی از خراسان امروز بود، متولد مکه، او و اجدادش از امیران و حاکمان و اشراف بلخ بودند. ابراهیم هم عصر با سه امام شیعه، امام سجاده (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بود.

تحول روحی ابراهیم ادهم

متن اصلی:

بنا بر یکی از این روایات، ابراهیم در قصر شاهی بر تخت خفته بود. نیمه شب سقف خانه جنبید و آواز پای کسی که بر بام بود، شنیده شد. ابراهیم پرسید، کیست؟ جواب آمد که شتر گم کرده‌ام و گم‌شده‌ی خود را می‌جویم.

ابراهیم گفت: ای نادان شتر بر بام می‌جویی؟ پاسخ آمد: پس تو بر تخت زرین و در جامه اطلس چگونه خدای را می‌جویی؟ این سخن موجب دگرگونی درونی او شد و وی زندگانی زاهدانه پیش گرفت.

بازنویسی:

نیم شبان بر سریر پادشاهی آرمیده بود. به ناگاه آواز جست و خیز و جنبیدن کسی از بام کاخ به گوش او رسید. به گونه ای که آرامشش را در بستر شاهانه اش در بُود. برخاست و بر جای نشست و بانگ برآورد: کیست که چنین بی‌هنگام بر بام سرای ما می‌تازد و خواب و آرام شبانه را از دیدگانمان در می‌رباید.

پاسخ برآمد که بیگانه نیستم، آشنا و همشهری‌ام. در پی شترم آمده‌ام و او را بر بام تو می‌جویم.

ابراهیم برافروخت و نهیب زد که ای بی‌خرد! کدامین شخص، شتر بر بام جُسته است که تو چنین می‌کنی؟

پاسخ برآورد: ای غافل! چگونه است که تو خدای را در جامه‌های قیمتی زربفت دیبا و اطلس و بر تاج و تخت مرصع و زرین می‌طلبی؟ حال آنکه شتر جستن بر بام این سرای، نشانه‌ی بی‌خردی من است!

مرد این بگفت و ناپدید شد.

گفتار او چنان آتشی بر جان ابراهیم ادهم افکند که تا دمیدن خورشید و برآمدن روز، سراسر اندیشه‌مند و بیقرار بود و تمام روز را بر تخت نشسته، غرق در اندیشه و حیرت و اندوه به سر برد.

متن اصلی:

در روایت دیگری آمده است که روزی ابراهیم ادهم در قصر خود نشسته بود و ارکان دولت نزد او ایستاده بودند. ناگاه مردی با هیبت، از در درآمد و به سوی تخت ابراهیم پیش رفت. ابراهیم از او پرسید که کیستی و چه می‌خواهی؟ گفت: آمده‌ام تا در این رباط فرود آیم. ابراهیم گفت: این رباط نیست، سرای من است. مرد پرسید که این سرای، پیش از تو از آن که بود؟ گفت: از آن پدرم. پرسید پیش از او از آن که بود؟ گفت از آن فلان کس. پرسید: پیش از او؟ گفت: از آن پدر فلان کس. پرسید: آنان همه کجا رفتند؟ گفت: همه مردند و رفتند. پرسید: آیا چنین جایی که در آن می‌آیند و می‌روند، جز رباط است؟!

مرد بیگانه پس از این سخن به شتاب از خانه بیرون رفت. ابراهیم در پی او دوید و از او پرسید تو کیستی؟ مرد گفت من خضرم و ناپدید شد. این واقعه موجب انقطاع او از دنیا شد.

بازنویسی:

آنان بدین سان سپری می‌شد و ارکان و مسئولان حکومتش در جایگاه خاص خویش آماده به خدمت بودند و نوکران و غلامانش به صف در پیشگاه او ایستاده بودند که جواز دیدار عمومی با مردم از سوی امیر صادر گردید. در این حال ناگهان مردی با شکوه و مهابت خاصی وارد بارگاه شد. چندان که یاران و ارکان و حشم و خدم ابراهیم را یارای آن نبود تا هویت آن مرد را جویان شوند.

زبان‌ها بر گلو فرو شده، از حیرت و وحشت به سکوت گراییده بود. غریبه پیشتر و پیشتر آمد تا مقابل تخت شاهی ابراهیم ایستاد. ابراهیم او را پرسید که چه می‌خواهی؟ مرد گفت: می‌خواهم در این کاروانسرا لختی بیاسایم. امیر او را گفت: اینجا سرای من است، مگر عقل از کف داده‌ای که با من چنین می‌گویی؟ پرسش و پاسخی این چنین بین آن دو رد و بدل شد:

- این خانه پیش تر از آن که بود؟

- از آن پدرم.



اصول حیطه عاطفی تحکیم خانواده در سوره احزاب

نویسنده
زهرا پرناک^۱

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم در قرآن، موضوع خانواده بوده است. خانواده سنگ بنای اجتماع است و تنها با خانواده های سالم، استوار و صالح می توان انتظار جامعه ای سالم، استوار و صالح را داشت. از میان نهادهای اجتماعی، خانواده در تربیت و تکامل آدمی بزرگترین وظیفه را بر عهده دارد.

از این رو اهمیت تحکیم خانواده، در اهمیت و قداست نهاد خانواده نهفته بوده است، که به عنوان رکن اساسی جامعه انسانی، مناسبترین جایگاه برای تامین نیازهای روحی، روانی و عاطفی انسان و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش است و هیچ عاملی نباید آن را آشفته سازد.

اما در عصر حاضر، بر اثر تحولات اجتماعی، صنعتی و ...، در بیشتر جوامع نظام خانواده با چالش هایی مواجه گردیده که کم کم به اختلافات شدید خانوادگی منجر شده و آن را به سوی فرو پاشی و تزلزل کشانده است.

لذا قرآن به عنوان عالی ترین و برترین راهنمای حیات بشر، بخشی از آیات را به این نهاد مقدس و تنظیم روابط اعضای خانواده و مسائل مربوط به آن اختصاص داده است که با مراجعه به این آیات، می توان به برترین راهکارها در تحکیم خانواده دست یافت.

بدین ترتیب موضوع تحکیم خانواده در محور «اصول حیطه عاطفی» قابل تحقیق و بررسی است که از سوره احزاب استخراج گردیده و در این مقاله به روش توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است، و عدم پابندی به این اصول مطرح شده، ابتدا هویت و شخصیت فرد را تخریب می نماید و سپس به نهاد مقدس خانواده، و در نهایت آسیب های جدی به جامعه را وارد می کند.

کلیدواژه: تحکیم خانواده، عاطفه، سوره احزاب، حیطه ی عاطفی

^۱ دانش پژوه سطح ۴، رشته تفسیر، مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها)

- پیش از آن چگونه؟

- متعلق به جد پدری ام بود.

- پیشتر از آن که بود؟

- فلان کس.

- پیش از آن چه؟

- پدر فلان کس.

- و همه ی آنان که در این قصر حکمرانی می کردند، اکنون کجایند؟

- همگی به دیار باقی شتافتند.

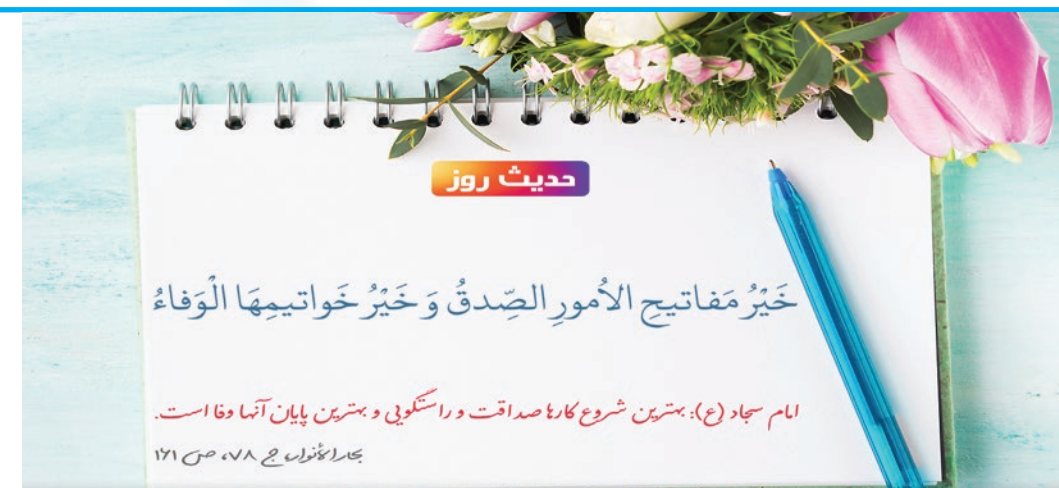
- پس این جایگاهی که تو دارالسلطنه خود می نامی، کاروانسرای است. آدمیان و کاروانیان بی شماری از پس هم بدین جا فرود آمدند و عمر سپری کردند و جاودانه نماندند و رفتند. جایی که یکی می آید و دیگری می گذرد و می رود، آیا نام کاروانسرا بر او نمی زید؟!

این سخنان را از زبان جاری ساخت و ناپدید شد.

سخنان پر مغز و نغز مرد ناشناس، آنچنان شرری بر جان ابراهیم شاه برافکند که سوز و گدازش هستی وی را بسوخت و او را از خواب جاهلانه و غافلانه سال های سپری شده عمرش متنبه و آگاه نمود و به سوی توبه کشانید و او صید دریای عرفان و تصوف گردید.

آیا می دانید آن مرد که بود؟ درست است، او کسی جز خضر پیامبر نبود. بدین سان است که خاصانی از سوی کردگار در همه دوران ها، مأمور بیداری بندگان می شوند و غرق در بحر عشق آن محبوب بی بدیل می شوند. بیایید از آن معبود مدبر و مقدر، عاجزانه درخواست کنیم که یکی از خاصان و اولاد خود را بر ما نازل فرماید تا حرارت و حلاوت عشق و عرفان آن ساقی باقی را بر جان و دل ما بنشاند.

تو گو مرید باش، شه باد نیست
با کبریا کار، دشوار نیست



مقدمه

یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در قرآن، بحث خانواده است که نقش بسزایی در رشد و تربیت افراد جامعه و توسعه و تقویت ارزش های والای انسانی دارد. به همین جهت به عنوان یک نهادی است که ضرورت وجود آن اثبات شده و بدون آن، حیات اجتماعی، شکل و معنایی ندارد.

خانواده در ساختمان جامعه، مثل اتم در ساختمان اجسام طبیعی است که اجزای این ساختمان باید کاملاً به یکدیگر پیوسته باشند و از حوزه جاذبه محور مرکزی خود خارج نشوند.

زن و مرد هم در خانواده، دو جزء مکمل یکدیگر و سازنده اتم خانواده هستند و این دو جزء نباید از حوزه محوری خانواده خارج شوند. که با خروج از آن، پیوند خانواده از هم گسسته می شود.

امروزه یکی از مباحث مهم در جامعه شناسی، توجه ویژه به دوام یا تزلزل خانواده می باشد. گرچه امروزه در جوامعی که رو به صنعتی شدن، فردگرایی و لذت گرایی در حرکت هستند تحولات عمیقی در آن ایجاد شده است، اما نخستین و مهمترین بنیانی که به شدت تحت تاثیر قرار گرفته خانواده است و در این راستا، دچار دگرگونی های جدی خواهد شد.

در برخی از جوامع کنونی و به اصطلاح مدرن، کارکردهای خانوادگی به چالش کشیده شده است. به طوری که نشانه های از هم گسیختگی این کانون مقدس در بسیاری از این جوامع دیده شده است. همین مسأله پژوهشگران و جامعه شناسان را وا داشته تا در این مورد کنکاش هایی داشته باشند و همواره در پی حل این معضل برآمده اند.

از این رو، خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و بدون شک با گسیختگی و خلل در روابط آن هیچ نهاد یا سازمانی نمی تواند جایگزین این نهاد مقدس باشد و فقط باید به دنبال راهکارهای عملی در جهت تحکیم و ثبات آن بود.

بدین جهت است که بحث درباره خانواده و تحکیم آن، سابقه دیرینه دارد. از این رو منابع دینی ما یعنی قرآن و سنت، سرشار

از توصیه های متعدد از جمله عاطفی برای تأمین کارآمدی خانواده است. راجع به بنیان خانواده در زمینه های مختلف از جمله تحکیم آن، کتب و مقالاتی نوشته شده است. از جمله کتاب تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، تألیف محمد محمدی ری شهری.

لذا اصول حیطة عاطفی تأثیر گذار در جهت تحکیم خانواده از سوره احزاب قابل استخراج و تبیین می باشد که در دو فصل به سازش و مدارا و حیا پرداخته شده است و خداوند متعال با قداست و حرمتی که برای این نهاد قائل شده است، راهکارها و مقرراتی را برای تنظیم روابط خانواده و استحکام آن در این موارد بیان فرموده است و زن و مرد در خانواده بایستی با شناخت و مجهز شدن به این نظام قانون گذاری خاص، خود را در جهت داشتن روابط درست، پایدار و تداوم پیوند زناشویی، آماده نماید و بدانند پیاده نمودن این قوانین در حوزه خانواده که از سوی خدای متعال تشریع شده، به طور قطع به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت می انجامد.

تحکیم خانواده

از ابتدای خلقت تا کنون، خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی بوده است که از ازدواج زن و مرد و به وجود آمدن فرزندان تشکیل یافته است. هدف از تشکیل آن تأمین سلامت و بهداشت روان، آرامش و نیازهای عاطفی و معنوی افراد می باشد. لذا با به وجود آمدن خانواده، زن و مرد سال های متمادی در کنار هم زندگی می کنند و فرزندانی را تربیت و پرورش می دهند. اما این مجموعه خانواده، باید دارای نظامی مستحکم باشد و هیچ عاملی نتواند آن را تهدید کرده و باعث فروپاشی آن شود. از این رو باید راه هایی برای تداوم بخشیدن به آن ارائه شود. چرا که در دین مبین اسلام، خانواده بنیادی ترین واحد جامعه معرفی شده است که از قداست ویژه ای برخوردار است و بیشترین توجه را به والایی خانواده داده است و خوشبختی و بدبختی جامعه انسانی را به صلاح و فساد این بنا، وابسته می داند.

از این رو، مقصود از تحکیم خانواده، حاکمیت اصل اعتدال،

اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست و خداوند در آموزه های قرآنی برای محقق شدن این هدف بزرگ، زن و مرد را به تکالیفی که در این باب بیان فرموده، دعوت می کند و آنها را از انجام هر عملی که موجب تضعیف کانون مقدس خانواده می شود، نهی می فرماید. لذا هر یک از زن و مرد در خانواده، دارای تکالیف و وظایفی هستند که با انجام آنها به نحو احسن، در راستای تحقق هدف ذکر شده و تعالی و رشد خانواده خود قدم برداشته اند. این دستورات و تکالیف نقش مهمی در پیشگیری از اختلافات و درگیری ها و در نهایت، حفظ بنیان مقدس خانواده دارد.

اصول حیطة عاطفی تحکیم خانواده در سوره احزاب

در خانواده سلیقه ها، افکار و نگرش زن و شوهر با یکدیگر تفاوت دارد و اگر هر یک از زوجین بخواهند بر اساس خودخواهی، نگرش، سلیقه و طرز فکر خود را بر دیگری تحمیل نمایند، به طور حتم راه به جایی نخواهند برد.

لذا خداوند در سوره احزاب به جهت تعمیق روابط زن و شوهر در خانواده، برترین اصول را بیان می فرماید که در پرتو این اصول می توانند بهترین مسیر زندگی را طی نموده و پایه های زندگی خانوادگی را استحکام ببخشند و بنیان مقدس خانواده را از تزلزل و سستی حفظ نمایند.

فصل اول : سازش و مدارا

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا * وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا»

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیایید هدیه ای به شما دهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم! اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را

طالب هستید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیم آماده ساخته است. «

«مدارا یعنی نرمی و انعطاف در برابر اختلاف ها و تضادها.»

زن و مرد در خانواده دارای خصوصیات اخلاقی متفاوت هستند و این تفاوت در طول زندگی مشترک بروز می کند و زمینه اختلاف را بوجود می آورد.

«تفاوت اول، اینکه دو جنس مختلف، با ویژگی های روحی و روانی متفاوت که هر یک اقتضای خاص خود را دارند با هم ازدواج می کنند.

دوم اینکه، جدای از جنسیت، هرکدام از همسران، یک انسان مستقل هستند و خواسته ها، انتظارات و سلیقه های متفاوتی دارند.

سوم اینکه، گاه اختلاف فرهنگی نیز میان آنان وجود دارد. بویژه در زمان ما که ممکن است هرکدام از همسران، فرهنگی کاملاً متفاوت از دیگری داشته باشند.

چهارم اینکه، زندگی، پدیده ها و حوادث ریز و درشت بسیاری دارد و همسران را پیوسته به چالش می کشد و آنها را به واکنش و می کشد. این تفاوت ها و موارد دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد، همگی زمینه اختلاف خرد و کلان بسیاری را در طول زندگی برای همسران

بوجود می آورند.»

این نوع از اختلافات در زندگی مشترک تنها در سایه «سازش و مدارا» در اخلاق و برخورد و دیگر موارد، قابل اجتناب است و می توان گفت این خصلت پسندیده یکی از نیازهای ضروری زندگی است.

امام صادق (ع) سه چیز را از ضرورت های تعامل موفق مرد با همسر خود می داند که: «لَا غَنَىٰ بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمُؤَافَقَةُ لِیَجْتَلِبَ بِهَا مَوَافَقَهَا وَمَحَبَّهَا وَهَوَاهَا»

مرد در رابطه با همسرش، از سه چیز بی نیاز نیست که عبارتند از سازگاری، تا موافقت و محبت و علاقه زن را جلب کند.»

در این حدیث ارزشمند نتیجه سازگاری از طرف مرد، سازش زن و جلب محبت و علاقه اوست و همچنین امام صادق (ع) می فرماید: «ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ: الزَّوْجَةُ الْمُؤَاتِيَّةُ وَالْأَوْلَادُ الْبَارُونَ... يَرْوُحُ؛ سه چیز از خوشبختی است: همسر سازگار، فرزندان نیکوکار و مردی که محل کارش در شهر خودش باشد که روز هنگام درآمدش را بدست آورد و شبانگاه نزد خانواده اش برگردد.» (محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۲۵۸) که در این حدیث زن سازگار به عنوان عامل خوشبختی معرفی شده است.

همچنین حضرت رسول (ص) می فرماید: «الزَّوْجَةُ الْمُؤَاتِيَّةُ عَوْتُ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ؛ زن سازگار، یاور مرد بر دینداری است.» باید گفت ناسازگاری در خانواده نشانه نوعی خودخواهی و خود برتر بینی نسبت به یکدیگر است، که جز ایجاد اختلاف و درگیری فایده ای ندارد و از طرفی عدم سازش هم نشان از کم ظرفیتی طرفین می باشد که در تشدید این اختلافات و درگیری ها نقش مهمی را ایفا می کند.

اگر در خانواده، بدی با بدی و خشونت پاسخ داده شود، به طور حتم درگیری ها به اوج می رسد.

از این رو باید رفتارهای آزاردهنده افراد در خانواده را نادیده گرفت و از نشان دادن حساسیت های بیش از اندازه خودداری نمود و حتی اگر افراد دائماً از هم دلخور باشند و حرف یکدیگر را به دل بگیرند، کشمکش در خانه به حدی می رسد که زوجین دیگر فرصتی برای حل اختلافات بوجود آمده، نخواهند یافت. به همین دلیل، گذشت که یکی از مصادیق مدارای خانوادگی است، باید در زندگی زناشویی نهادینه شود تا بتوان ریشه بحران حاصل از عدم سازش را در روابط خانوادگی به طور قطع خشکاند.

رسول خدا (ص) می فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ همانگونه که پروردگارم مرا به انجام واجبات فرمان داده است به مدارا با مردم دستور داده است.»

حضرت در جایی دیگر می فرماید: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نَصْفُ الْإِيمَانِ وَالرَّفْقُ بِهِمْ نَصْفُ الْعَيْشِ؛ نیمی از ایمان مدارای با مردم است و نیمی از زندگی، رفق و ملاطفت با آنان است.»

بدین جهت «در اخلاق خانواده، بروز این نمونه مکارم اخلاقی به آن است که هر یک از زن و شوهر، ضعف ها و بداخلاقی هایی که در طرف مقابل دید، تصمیم به مقابله به مثل و شاخ به شاخ شدن نگیرد، بلکه بنا را بر سازگاری بگذارد، آن هم به حساب خدا و برای رضای آن عمل کند تا به دو نتیجه خوب برسند: یکی بهبود وضعیت داخلی خانه و دیگری رسیدن به اجر و پاداش الهی.»

گفتار اول: تأثیر سازش و مدارا بر استحکام خانواده

مسئله سازش و مدارا در خانواده، به عنوان یک تکلیف دینی و اخلاقی در اسلام، از مسائل مهمی است که تداوم و استحکام خانواده در گرو تحقق آن است. لذا بوجود آمدن اختلاف در سایه نوع فرهنگ و تربیت گوناگون یک امر طبیعی است که زنان و مردان باید با بصیرت و درایت لازم بتوانند آنها را رفع نموده و بدانند که همین مدارا و سازش، قوام بخش زندگی زناشویی آنان است و در سایه آن تلخی ها را به شیرینی تبدیل نمایند.

بدین جهت حضرت رسول می فرماید: «لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خَلْقًا يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءًا أَحْسَنَ مِنْهُ؛ اگر مدارا یکی از آفریده های خداوند باشد، خداوند چیزی بهتر از آن نیافریده



@moghalebaigholub

است. دو نفر یار و همدم نمی شوند مگر اینکه بهترین اجر و پاداش از آن کسی است که با همنشین خود بیشتر مدارا کند.»

۱. تأثیر سازش و مدارای والدین در تربیت فرزندان

همانطور که در مباحث قبل هم گفته شد، روابط بین والدین در خانه، نقش اصیل و مهمی را در شکل گیری شخصیت فرزندان ایفا می کند. زیرا کودکان از همان ابتدا، اخلاق و رفتار پدر و مادر خود را با ظرافت خاصی در ذهن خود ثبت و ضبط می کنند و اگر پدر و مادر نسبت به این مسئله غفلت بورزند، نوع رفتار و برخورد و حتی اختلاف بین آنها، تربیت فرزندان را تحت تأثیر خود قرارداده و والدین را از وظیفه اصلی شان که تربیت صحیح است باز می دارد که نتیجه آن به خطر افتادن امنیت روحی و روانی بچه هاست.

اختلاف در روش تربیتی، یکی از ناسازگاری های رایج والدین است. چنین اختلافی اگر علنی شود، سستی بنیان خانواده را در پی خواهد داشت. همسران تصور می کنند که باید بر سر آنچه حق می دانند حتی نزد فرزندان پافشاری کرده و فرد مقابل را به تسلیم وادار کنند؛ غافل از اینکه این رفتار، اثر معکوس داشته و شخص مقابل را به لجاجت می کشاند.

این لجاجت، نوعی آموزش عدم مدارا به فرزندان است حتی اگر در چنین روشی، یکی از همسران با پافشاری، حرف دیگری را بپذیرد، برداشت فرزندان اینگونه معنا می شود که پدر و مادر گاهی حرف های ناحقی می زنند که می توان با پافشاری حرف آنها را برگرداند. در حالی که پیام همکاری والدین در چنین مواقعی آن است که باید در کارهای جمعی با توافق، امور را به پیش برد و پدر و مادر من همیشه با هم توافق دارند.» (علی،

توحیدی نژاد، مدارا و نقش آن در تحکیم و رشد خانواده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲)

پیامبر (ص) می فرماید: «الرَّفْقُ يُمْنٌ، وَالْخُرْقُ شُوْمٌ؛ نرمی مینمت (برکت) دارد و خشونت نحوست (نا مبارکی)»

از این رو، والدین باید به این نکته اهتمام ویژه ای داشته باشند که ناسازگاری و عدم مدارا بین آنها سبب فراری شدن بچه ها از محیط خانه می شود و برای پرکردن این خلأ در بیرون از خانه

به دنبال بدست آوردن شیرینی و همیت و محبت هستند که خطرات خاصی آنها را تهدید می کند.

اما مطلب دیگری که حائز اهمیت است، این است که والدین باید با فرزندان خود هم رفتار درست و مناسبی داشته باشند، زیرا عدم رفتار مناسب با فرزندان منجر به ناسازگاری بین آنها و بچه ها می شود و همین امر موجب احساس جدایی فرزندان از والدین خود شده و اضطراب، نگرانی، ضعف روحی و کمبود عاطفه و محبت همه وجود آنها را فرا می گیرد و این جاست که نقش اصیل پدر و مادر در تربیت فرزندان از بین می رود و آنها در بیرون از خانه به دنبال الگویی مناسب می گردند و در نتیجه آن فساد و گمراه شدن فرزندان و سست شدن بنیان خانواده اتفاق می افتد. اما اگر پدر و مادر با درایت و هوشمندی در عین داشتن اختلاف با فرزندان خود، با آنها سازش و مدارا نمایند، با وجود اختلاف باز هم فرزندان احساس می کنند که پدر و مادر با آنها دشمنی نداشته و خیر و صلاح آنها را می خواهند.

لذا فرزندان، پدر و مادر خود را به عنوان یک پناهگاه امن برای خود تلقی کرده که به راحتی می توانند با والدین ارتباط برقرار نمایند و آنها را دوستان خود بدانند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «أَكْبَرُ الْبِرِّ الرَّفْقُ؛ بزرگترین نیکی ها سازگاری است.»

۲. تأثیر مدارای زن نسبت به شوهر

زن باید در زندگی مشترک به دنبال جلب محبت همسر خود، آرامش، صفا و صمیمیت باشد و در گرفتاری ها و سختی های زندگی همسرش را یاری نماید و از هیچ گذشتی دریغ نرزد؛ به او احترام بگذارد و عیب او را بیوشاند و با درآمد او مدارا کند و در همه موقعیت های زندگی متعهد و وظیفه شناس باشد و بخاطر اعمال سلیقه های خود، همسرش را سرزنش و خرج های اضافی، او را وادار به انجام کارهای طاقت فرسا نکند.

«وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْتَنِي وَإِذَا خَرَجْتُ سَيَّعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ

علیه وآله) إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ لَهَا نَصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ؛

مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: من همسری دارم که چون به منزل روم پیشباز من آید و چون بیرون روم مرا بدرقه کند، و هر گاه مرا اندوهگین بیند پرسد چه چیز تو را غمگین ساخته. اگر برای روزی است که آن به عهده تو نیست و دیگری آن را به عهده گرفته (یعنی خداوند)، و اگر راجع به امور آخرتی است پس خداوند بر اندوهت بیافزاید، رسول خدا (ص) فرمود: آری خداوند را کارگزارانی است و این زن یکی از آنان است، و او نصف اجر شهید را خواهد برد.

اما اگر زن در موقعیت‌های مختلف و حساس زندگی با همسر خود مدارا نداشته باشد، مرد دچار سرخوردگی شده و امید و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و درگیری‌ها و بگومگوها در زندگی بالا گرفته و به طور حتم تضعیف بنیان مقدس خانواده را در پی خواهد داشت.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْحِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يُطِيقُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَتَلَقَّى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانْ؛

هر زنی که با شوهرش ناسازگاری کرده و بیش از توانایی بر وی تحمیل کند، هیچ کار نیکی از او پذیرفته نمی‌شود و خدا را در حالی ملاقات کند که بر وی خشمگین باشد.»

بنابراین طبق این حدیث، زن با عدم مدارا و سازش در زندگی مشترک با همسر خود، خشم خدای متعال را بر می‌انگیزد. علاوه بر اینکه ضررهای دنیوی را هم به دنبال دارد.

در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده که می‌فرماید: «شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَاتِي؛ بدترین همسر، زن ناسازگار است.»

۳. تأثیر مدارای مرد نسبت به همسر خود

همانگونه که زن نسبت به همسر خود باید سازش و مدارا داشته باشد، مرد هم باید نسبت به همسر خود همین خصلت پسندیده را اعمال کند. در مواردی که زن دچار استرس، نگرانی و بحران می‌شود، وضعیت او را درک و با او خوش رفتاری نماید، چرا که ممکن است امور مربوط به خانه برای او کاری

بس دشوار باشد. مرد می‌تواند با احترام و اکرام و عاطفه نسبت به او، انجام امور یاد شده را تسهیل دهد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا؛ کسی که همسری اختیار کرد، باید او را گرامی دارد.»

چشم پوشی از عیوب و اشتباهات او، برخورد نیک و مؤدبانه با وی نوعی از مدارای مرد در خانه است که همه این‌ها موجب حفظ و افزایش شخصیت وی نزد فرزندان و دیگران می‌شود و مرد با فراهم نمودن فضایی آرام و بدون خشونت و بدون دغدغه در خانه همسرش را کمک کرده تا او با تمام امید و دلخوشی، برای پیشرفت و بهبود زندگی تلاش کند تا آرامش و انس و الفت در خانواده حاکم شود. چرا که زن رکن مهم خانواده است و هرچه بیشتر رشد و پیشرفت کند، استحکام خانواده خود را رقم خواهد زد و خانواده موفق‌تر خواهد بود.

بنابراین اختلافات و تفکرات متفاوت، جزء لاینفک زندگی دوزوج و حتی دو انسان هستند، هیچ دوفری در جهان وجود ندارد که تمام دیدگاه‌ها و تفکراتشان شبیه یکدیگر باشد. پس نباید این توقع را از همسر خود داشته باشیم که دقیقاً مثل ما فکر کند و همانند دیدگاه ما عمل کند.

شما اگر فکر می‌کنید حرفتان درست است، می‌توانید با همسران درباره آن موضوع صحبت کنید و او را متقاعد کنید و ممکن هم هست او شما را متقاعد کند ولی نتیجه هر دو یکی است و آن هم رفع کدورت است.

وقتی خطایی از همسران می‌بینید به او فرصت جبران دهید، معمولاً در اغلب موارد اگر عکس العمل مناسبی نشان دهید، همسران به اشتباه خود پی برده و به انواع مختلف عذرخواهی می‌کنند، کینه توزی و لجاجت و ویژه زوج‌های حقیر و همت‌های پایین است. بر عکس آنان که نظر بلند و روح بزرگ دارند، پوزش‌ها را می‌پذیرند، از خطاهای دیگران چشم می‌پوشند و از حق شخصی خویش در می‌گذرند.

عفو و گذشت و چشم پوشی و نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران، دانه‌های جلب محبت است و دیگران را خوش‌بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارد.

در زندگی گاهی باید به جای عیب جویی همسر، به دنبال عیب پوشی معایب او باشیم، آموزه‌های اخلاقی اسلام مدارا در حیطه‌ی خانواده را توصیه می‌کند و همسران را به ایجاد فضایی آرام و به دور از تنش دعوت می‌کند. زن و شوهر با چشم پوشی از خطای همسر به نوعی شخصیت خود را تکریم می‌کنند و رشد می‌دهند.»

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَأْجُ الْمَكَارِمِ؛ گذشت، اُج بزرگواری‌هاست.»

از این رو، سازش و مدارا سبب از بین رفتن کینه و کدورت بین زوجین و دیگر اعضای خانواده می‌شود.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «تَعَاْفُوا سَقَطَ الصَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ؛ از یکدیگر گذشت کنید تا کینه‌های میان شما از بین برود.»

البته ناگفته نماند که مدارا و گذشت باید با فراموش کردن خطاها همراه باشد زیرا در غیر این صورت همانند آتشی است که زیر خاکستر پنهان شده و هر لحظه امکان شعله ور شدن آن وجود دارد. همچنین عفو و گذشت نباید به گونه‌ای باشد که باعث تجری ظالم شود.

ازسوی دیگر سازش و مدارا شخصیت انسان را بالا می‌برد و سبب رفعت قدر و منزلت او می‌شود. در حیطه خانواده هم رعایت این خصوصیت و اخلاق نیک موجب عزت انسان شده و بر احترام او نزد همسر و فرزندان می‌افزاید و برعکس،

عیب جویی و بهانه تراشی و اعمال سلیقه شخصی، کاهش عزت و ریختن آبروی یکدیگر و پایین آمدن ارزش و منزلت شخص را به دنبال دارد.

از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاْفُوا يُعِزِّكُمْ اللَّهُ؛ بر شما باد به گذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند.»

از این رو همسرانی که به دنبال یک زندگی دلنشین و سرشار از صفا و صمیمیت و سلامت خانواده هستند حتی با نادیده انگاشتن دین، باید آن را در سازش و مدارا با یکدیگر جستجو نمایند.

همانطور که امام علی (ع) فرمود: «سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ؛ سلامت زندگی در مدارا کردن است.»

بنابراین همسران موفق، همسرانی هستند که با کنار گذاشتن خودخواهی و بهانه جویی در موقعیت مختلف و حساس زندگی، سازش نمایند و همسرانی که فقط به دنبال اثبات سخن خود و برآورده کردن خواسته و سلیقه خود به هر قیمتی هستند، باید انتظار ظهور یک بحران را در خانواده داشته باشند که بدین ترتیب صلح و محبت و دوستی از میان آنها رخت برمی‌بندد و جای خود را به درگیری، کینه و کدورت می‌دهد.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فَدَارَهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ؛ در هر حال با همسرت مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما، تا زندگی با صفا شود.»

لذا طبق فرمایش مقام معظم رهبری، «سازشکاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هرچه گفتند همان شود. آنچه خودشان می‌پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین می‌کند همان بشود. نه؛ اینطور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که با هم سازگاری کنند این سازگاری لازم است. اگر دیدی مقصود شما تأمین نمی‌شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیاپید. سازگاری در زندگی اساس بقای زندگی است و همین است که محبت می‌آفریند. همین است که موجب برکات الهی می‌شود و دل‌ها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم می‌کند.»

پس این ویژگی شایسته و پسندیده انسانی در استحکام بنیان

**همسرانی
موفقند که با کنار
گذاشتن خودخواهی و بهانه
جویی در موقعیت مختلف و
حساس زندگی، سازش نمایند و
همسرانی که فقط به دنبال اثبات سخن
خود و برآورده کردن خواسته و سلیقه
خود به هر قیمتی هستند، باید
انتظار ظهور یک بحران را در
خانواده داشته باشند**



خانواده و رشد آن، نقش کلیدی دارد. همسران با کنار گذاشتن خودخواهی و جایگزین نمودن مدارا و سازش در زندگی می‌توانند به آرامش، صمیمیت و پیشرفت دست یابند و با مشکلات هم به راحتی مقابله نمایند و به دنبال آن برکات الهی و خوشبختی در دنیا و آخرت برای آنها به ارمغان می‌آید.

فصل دوم: حیا

«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی إلا ان یؤذن لکم إلى طعام غیر ناظرین إناة و لکن إذا دُعِیتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لا مُسْتَأْسِنَ لِحدِثٍ إِنَّ ذَلِکُمْ کان یُؤذِی النَّبِیَّ فِیسْتَخِی مِنْکُمْ وَ اللَّهُ لا یَسْتَخِی مِنَ الْحَقِّ وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجَابٍ ذَلِکُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ ما کانَ لَکُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تُنْکِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبْداً إِنَّ ذَلِکُمْ کانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِیماً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه

برای صرف غذا داده شود (مشروط بر اینکه قبل

از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نشینید، اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده

شوید، و (بعد از صرف غذا) به

بحث و صحبت نشینید، این

عمل پیامبر را ناراحت می‌کند

ولی او از شما شرم می‌کند، اما

خداوند از (بیان) حق شرم ندارد، و

هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (به

عنوان عاریت) از آنها (همسران پیامبر)

می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار

دل‌های شما و آنها را پاکتر می‌دارد، و شما حق ندارید رسول

خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری

خود در آورید که این کار نزد خدا عظیم است.»

حیا در لغت به معنای خود داری نفس از زشتی‌ها و ترک

زشتی‌ها است. (حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن،

جلد ۱، چاپ اول، بیروت - دمشق: نشر دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق. ص ۲۷۰)

و در اصلاح علمای علم اخلاق عبارتند از: «خودداری کردن از هرکار قبیح و زشتی است که مردم آن را بد بدانند و فاعل آن را مذمت نمایند و بد گویند.»

حیا به عنوان یک گوهر ارزشمند و موهبت الهی و حالت روان‌شناختی است که ریشه در فطرت همه انسان‌ها دارد و خداوند برای سلامت، امنیت و تحکیم خانواده همه را دعوت به این اصل مهم نموده است که رعایت آن موجب سعادت و خوشبختی خواهد شد.

«در این آیه خدای متعال به یکی از احکام معاشرت می‌پردازد و آن اینکه در تعاملات روزمره گاهی ناچار می‌شوید با نامحرم گفت‌وگو کنید و از او چیزی بخواهید یا به او چیزی بدهید این رفتار باید توأم با رعایت جوانب حیا، عفت و پاکدامنی باشد و موجب ایجاد میل به حرام و وسوسه در دل‌های طرفین نشود. «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً...». لذا عمل به این حکم

در سطح جامعه اسلامی موجب سلامت فرد

و خانواده و جامعه می‌شود خصوصاً

در عصر و زمان ما؛ اگر زنان اندام و

زیبایی‌های خود را مستور دارند و

مردان حیای چشم را محفوظ، قطعاً

شرایط زندگی توحیدی و کمال

مطلوب اسلامی بهتر و بیشتر

فراهم می‌شود. «ذَلِکُمْ أَطْهَرُ

لِقُلُوبِکُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ.»

«ابوالاعلی مودودی معتقد است که این

آیه به منظور منع اختلاط زن و مرد و حفظ

زن‌ها از محرکات شهوانی وارد شده است. جمله «أَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ

وَ قُلُوبِهِنَّ» دلالت می‌کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و

پوشش و ترک برخوردهای مستلزم نظر را رعایت نمایند، به تقوی

و پاکی نزدیکتر است.»

حضرت علی (علیه السلام) به کسانی که به عدم اختلاط

توجه نمی‌کنند و در اجتماع مردان بدون هیچ مجوزی در

می‌آمیزند، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «أَمَّا تَسْتَحْیُونَ وَ لَا

تَعَارُونَ نِسائُکُمْ یَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ یُزَاحِمْنَ الْعُلُوحَ؛ آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید، که زنان‌تان راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند.»

این موهبت الهی، موجب افزایش احساس مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی در مردان و زنان خواهد شد چرا که مردان با حیا، متعهد و با غیرت هستند و دائم مراقب اوضاع خانواده خود می‌باشند و از هر رفتار و کرداری که با شئون دینی و اخلاقی خانواده مغایر باشد جلوگیری می‌کنند.

«از دیدگاه امام علی (علیه السلام) اختلاط مرد و زن در خیابان، کوچه و بازار و مکان‌های منافی با حیا به دلیل کوتاهی مردان در انجام این وظیفه مهم است. وقتی به حضرت رسول (ص) گزارش رسید که در عراق زنان در راه‌ها با مردان برخورد می‌کنند، چهره به چهره می‌شوند و حتی به یکدیگر تنه می‌زنند مردان را خطاب قرار داد و آنان را به دلیل بی‌غیرتی‌شان سرزنش کرد و فرمود: آیا شرم نمی‌کنید؟»

باید بدانیم که فرمایش حضرت رسول (ص)

به مردان عراق نیست، به این علت که در

حال حاضر در جامعه کنونی، وجود چنین

اوضاعی هم نشانه بی‌غیرتی مردان

است.

«لذا جلوگیری از تهیه و توزیع

لباس‌هایی که مروج بی‌حیایی و

بی‌عفتی است، وظیفه مردان با حیا است.

مردان با حیا نه به زنان نامحرم نگاه می‌کنند و

نه پشت سر آنان راه می‌روند. وقتی امام علی

(علیه السلام) دید که زنی از روی مرکب خود می‌افتد به سرعت

چهره‌اش را برگرداند.»

از این روست که مردان با حیا در قبال خانواده خود متعهد

هستند و از هر عاملی که تحکیم خانواده‌شان را به خطر می‌اندازد

با قاطعیت جلوگیری می‌کنند.

اما زنان هم با داشتن این فضیلت اخلاقی، به طور حتم نسبت

به خانواده خود مسئولیت‌پذیر و متعهد خواهند بود و وظیفه

خود را به بهترین شکل انجام می‌دهند و در همسر داری و تربیت فرزند به هیچ وجه کوتاهی نمی‌کنند و برای تحکیم بنیان ارزشمند خانواده خود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. چنین زنانی در برخورد با نامحرم شئون اسلامی را حفظ می‌کنند که درواقع از حیای آنها نشأت می‌گیرد و همین شرم و حیا در وجود آنها نشانه شخصیت و بزرگی آنهاست. همانطور که بی‌حیایی، نشانه کجی و بی‌شخصیتی زنان است.

به همین علت، زنان و مردان با حیا به وظایف دینی خود به خوبی واقف بوده و به نحو احسن عمل می‌کنند که از جمله آنها، تربیت فرزند است که موجبات تحکیم خانواده را فراهم می‌آورد.

«هر رفتاری که در خانواده از والدین سر می‌زند روی فرزندان اثر می‌گذارد. از این رو، پدران و مادران با حیا که همواره در محیط خانواده از رفتار و گفتار منافی با عفت در حضور و غیاب فرزندان دوری می‌کنند، می‌توانند

فرزندانی با حیا داشته باشند. وقتی

محیط تربیتی کودک پاک باشد، کودک

درست تربیت می‌شود و دوران قبل

از بلوغ را با پاکی و سلامت جسم

و جان می‌گذرانند و بدون

کوچکترین خطری رشد می‌کند. ولی اگر محیط تربیتش

آلوده باشد پدر و مادرش فاسد و

بی‌عفت باشند، کودک در معرض

خطرات گوناگونی قرار می‌گیرد.»

به همین دلیل، پدر و مادر در خانواده باید در زمینه ارتباط

با نامحرم هم دقت ویژه‌ای داشته باشند. در سایه این دقت،

فسادهای ناشی از این ارتباط از بین می‌رود و این فسادها در

سخن گفتن، نحوه صدا زدن، راه رفتن، پوشش و... خود را نشان

می‌دهند. چرا که بی‌دقتی و عدم توجه به این مسئله مهم موجب

وسوسه زنان و مردان می‌شود و فساد را به دنبال دارد.

لذا مراعات اصول و آداب اخلاقی در روابط با دیگران یکی از



جنبه های مهم حیاورزی را تشکیل می دهد.

درواقع باید گفت ریشه بسیاری از کدورت ها و مشکلات در خانواده، به علت ضعف حیاست و با کم رنگ شدن و یا از بین رفتن این امر مهم، خانواده را به بی حیایی و بی عفتی مبتلا می سازد و از طرف دیگر سبب برچیده شدن عمل به دستورات دینی در زندگی خواهد شد.

لذا حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: « أَحْسَنُ مَلَأْسٍ الدِّينُ الْحَيَاءُ ؛ بهترین لباس های دین، حیا است. »

بدین جهت با سست شدن حیا در خانواده، هیجانات و تقاضاهای حرام اتفاق می افتد و به دنبالش، امنیت روانی افراد خانواده را تهدید می کند. بنابراین با توجه به آیه شریفه، حجاب مانع اختلاط زنان و مردان می شود و رعایت آن از طرف مردان و زنان، استحکام بخشی خانواده را به دنبال دارد.

«حجاب و پوشش سد بزرگی بر سر راه اختلاط زنان و مردان در محیط خارج از خانواده است و هرچه اختلاط زن و مرد بیگانه کمتر باشد، خانواده کمتر آسیب می بیند و برعکس به میزانی که اختلاط بی رویه و بی مرز در میان زنان و مردان گسترش پیدا می کند؛ خیانت به کانون خانواده فزونی می یابد و ارکان آن متزلزل می گردد. در گفت و گوی بین خسرو و شیرین می بینم که از بدحجابی و بی حجابی و اختلاط زنان و مردان به عنوان عامل متزلزل شدن ارکان خانواده یاد شده است.»

بدین جهت خداوند در این آیه، مردان را به رعایت حیا و پوشش چشم دستور داده، زیرا نگاه آلوده توسط مردان باعث تحریک جنسی آنان و در نتیجه، فساد در خانواده و حتی در جامعه را در پی دارد.

چنانکه امام رضا (علیه السلام) می فرماید: « حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَرْوَاحِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَحْمِلُ [يَجْمُلُ]؛ نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرا می خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته»



در جای دیگری آمده که: « إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فَتْنَةً؛ از يك نگاه [نگاه آلود] نیز بهره یزید؛ زیرا همان يك نگاه تخم شهوت را در دل بکارد و همان برای فتنه انگیزی نگاه کننده بس باشد. »

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: « النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ؛ ایمانا یَجِدُ طَعْمَهُ؛ نگاه، تیری زهر آلود از تیرهای شیطان است. هرکس نگاه را برای خداوند عزوجل، نه از ترس یا شرم دیگران ترك کند خداوند در پی این ترك، ایمانی به او می دهد که مزه اش را می یابد. »

پس ضرورت رعایت حیا برای زنان و مردان در فرموده خدای متعال روشن می شود چرا که حیا مانند دژی استوار است که مردان و زنان بیگانه به خودی خود در روابطشان با یکدیگر برای خود در نظر می گیرند و به عنوان برترین نیروی کنترل کننده درونی است و با شکوفایی حیا در خانواده، کانون خانواده را به سعادت مندی و مهرورزی همراه با عواطف شایسته انسانی و آرامش خاطر نزدیک می کند، زیرا الگوی رفتاری خانواده بر مبنای احترام و حفظ حرمت یکدیگر خواهد بود و همین حیا روابط سالم و پایدار را در زندگی پی ریزی خواهد کرد و استحکام خانواده همراه با نسلی سالم و پویا را افزایش می دهد و حتی سلامت جامعه را هم تأمین خواهد کرد.

نتیجه

قرآن کتاب مقدس مسلمانان، مجموعه ای هماهنگ و بهم پیوسته است که با توجه به تمامی شرایط به همه نیازهای بشر پاسخ داده و برنامه ای جامع و کامل ارائه کرده است، اما به این شرط که انسان ها هم در جهت رفع نیازهای خودشان به دنبال این برنامه جامع باشند و از شناخت آن غافل نباشند، که اصول

استحکام خانواده هم یکی از همین برنامه های ارائه شده است که برای دست یافتن به یک خانواده آرمانی یعنی خانواده ای در کمال سلامت و پایداری است، باید به همه دستوراتی که در این باب تشریع گردیده، عمل نماید. چرا که وقتی انسان تحت تربیت آموزه های قرآنی قرار بگیرد، به طور حتم خود را موظف به رعایت حقوق خود و دیگران می نماید.

لذا، یکی از بنیادی ترین جایگاه های حضور انسان در عرصه زندگی، خانواده می باشد که به عنوان مدرسه اصلی تربیت انسان ها به شمار می آید که قرآن به عنوان برترین و جامع ترین برنامه حیات بشر، به این بُعد توجه ویژه ای نموده است و اصولی را به جهت سلامت، دوام و استحکام خانواده بیان فرموده است.

اصول حیطه عاطفی تحکیم خانواده در سوره احزاب، شامل اصل سازش و مدارا و حیا می باشد که همسران با کنار گذاشتن خودخواهی و جایگزین نمودن مدارا و سازش در زندگی و رعایت حیا که به مثابه دژی استوار به جهت تعدیل روابط و به عنوان برترین نیروی کنترل کننده درونی است، می توانند کانون خانواده را به آرامش، صمیمیت، پیشرفت، سعادت مندی و مهرورزی

همراه با عواطف شایسته انسانی و آرامش خاطر نزدیک نمایند و با مشکلات هم به راحتی مقابله نمایند و به دنبال آن موجبات استحکام خانواده همراه با نسلی سالم و پویا، برکات الهی و خوشبختی در دنیا و آخرت را برای خانواده خود فراهم نمایند. البته کارایی این اصول در خانواده و بدست آمدن نتایج رضایت بخش آن، در گرو نهادینه و کاربردی کردن آن در فضای خانواده است.

لازم به ذکر است در این مقاله، اصول حیطه عاطفی که در سوره احزاب بیان شد، استخراج شده و اصول حیطه عاطفی تحکیم خانواده تنها به این اصول خلاصه نمی شود، بلکه باید تمام آموزه های قرآنی را که در این حیطه در زندگی خانواده مطرح شده، در نظر داشت. هر چند این اصول بیان شده نمونه ای از آموزه های قرآنی به جهت استحکام خانواده است. پس بدون تردید، سلامت هر جامعه ای، در گرو سلامت خانواده های آن جامعه است و سلامت و دوام خانواده ها هم در گرو عمل به آموزه های قرآنی می باشد.



منبع

● قرآن کریم

۱. ابن بابویه القمی، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ترجمه ی علی اکبر غفاری، ۶ جلد، چاپ اول، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷.
۲. _____، علل الشرائع، ج ۲، چاپ اول، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.
۳. امین، نصرت بیگم، اخلاق و راه سعادت، اصفهان: انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست، ۱۳۷۷.
۴. اسکندری، حسین، آیه های زندگی، ۱۰ جلد، چ اول، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۸۵.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ۲ جلد، چاپ اول، تبریز: نشر بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، ۳۱ جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ق.
۷. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۸. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، تهران: دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۹. _____ رضایت زناشویی، چاپ اول، تهران: نشر معارف، ۱۳۹۰
۱۰. _____، غنچه های شرم (نگاهی نو به مفهوم حیا)، بی جا، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علي عليه السلام)، چاپ دوم، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰.
۱۲. توحیدی نژاد، علی، مدارا و نقش آن در تحکیم و رشد خانواده، سال سوم، شماره ۶، حدیث حوزه، ۱۳۹۲.
۱۳. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، ۲ جلد، قم: نشر دلیل ما، ۱۳۸۰.
۱۴. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه ی صادق حسن زاده، چاپ اول، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، جلد ۳۰، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹.
۱۶. حاج علی اکبری، محمد جواد، مطلع عشق (گزیده ای از رهنمود های حضرت آیت الله خامنه ای به زوجین جوان)، چاپ هفدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۷. خلعتبری، حسام الدین، عاطفه، کابلی، مجموعه کتاب های سبک زندگی اسلامی، چاپ اول، تهران، تلاوت، ۱۳۹۴.
۱۸. الدیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور

الخطاب، تحقیق: محمد السعید بن بسیونی زغلول، ۵ جلدی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ ق.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، چاپ اول، بیروت-دمشق: نشر دار القلم-الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ هفتم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

۲۱. الکلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ۳ جلد، تهران، نشر کتاب فروشی علمیه اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶.

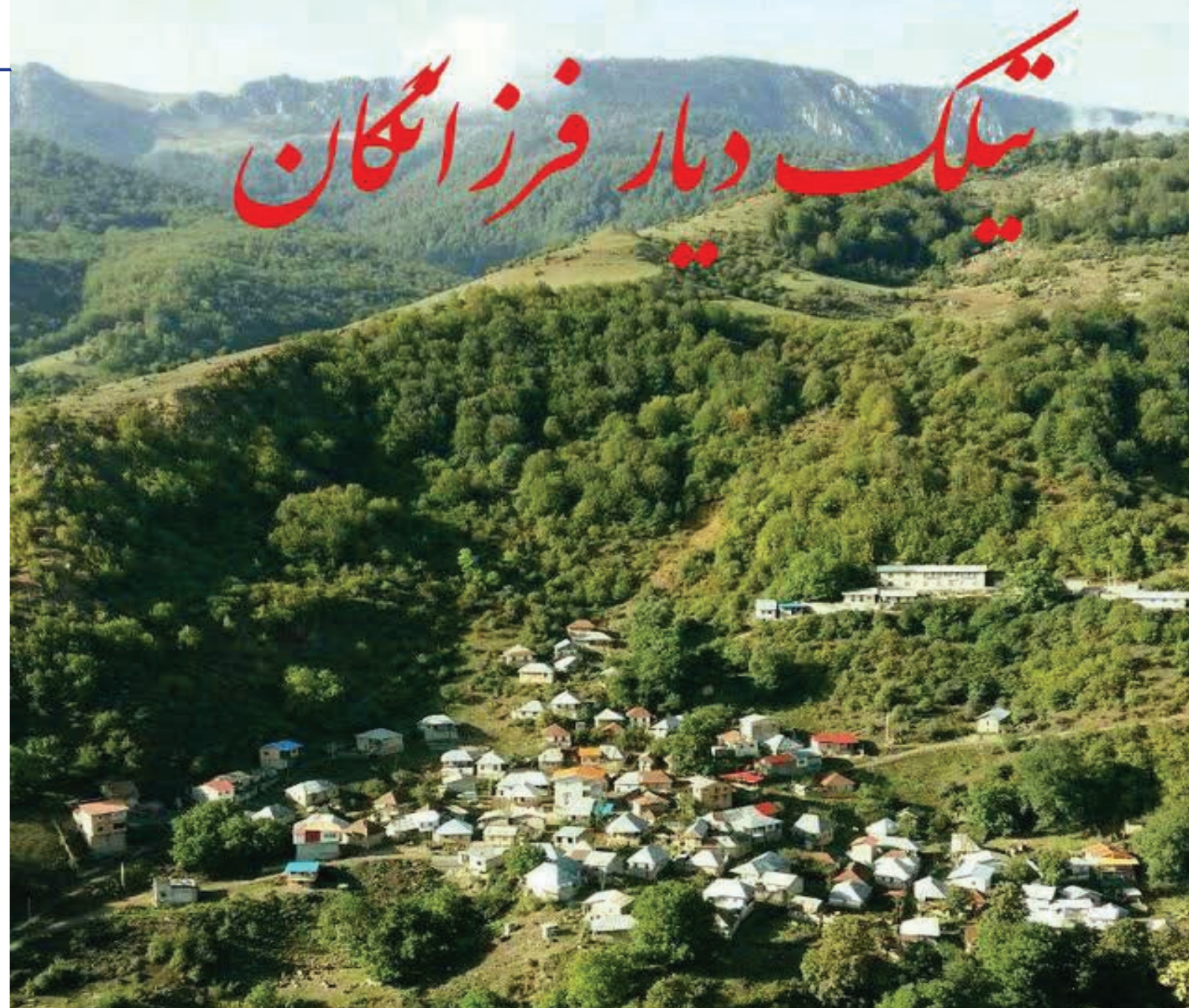
۲۳. محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان، ۱۳۸۴.

۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳.

۲۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ۱۴ جلد، بی جا، قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶.

۲۶. وحدتی، راضیه، حیا و روح زندگی، چ اول، تهران: نشر موثق، ۱۳۸۰.

تیلک دیار فرزانگان



مقدمه:

قبل از اینکه وارد در شرح حال عالمی که مدنظرم هست بشوم، باید از محله‌ای که منتسب به آن است نام ببرم. مختصری از ویژگی‌های آن محله را بیان می‌کنم. آن محله قریه‌ای است به نام تیلک از توابع چهاردانگه شهرستان کیاسر مازندران. نگارنده خود از اهالی این خاک پاک می‌باشم. لازم به ذکر است این محله مزبور، جایگاه علما و اندیشمندان زیادی از قبیل ملاصالح مازندرانی صاحب تفسیر کافی مرحوم کلینی و ملاعبدالله شریعتمداری و شیخ محمد خلیلی، مدرس حوزه شهر ری و بسیاری از علما و دانشمندان و روحانیون صاحب نام دیگر بوده و هست. هم اکنون نیز علما و دانشمندان فراوانی چه حوزوی و چه دانشگاهی منتسب به این محل دانش پرور، در جای جای میهن اسلامی مشغول خدمت هستند. ناگفته نماند تیلک حدود صد سال پیش امتیاز نام برده را با خود همراه کرده بود.



عکس از سایت ویکی‌پدیا

از قدیم هرکسی خانه‌ای می‌ساخت، یک اطاقکی به نام تحتیک به طلاب مهاجر که می‌آمدند تا در این محله نزد اساتید، آن هم استادی بنام، تحصیل کنند، اختصاص می‌دادند که افراد پا به سن حتما یادشان هست.

قهرمان داستان ما بنا شد آیت الله ملاعبدالله شریعتمداری باشد. همان طوری که عنوان شد نام مبارک او عبدالله قبل از عنوان شریعتمدار که به دلیلی از فتحعلی شاه مشهور شد، ناصر المله بود. نام پدرش جعفر بود. او از شاگردان برجسته آیت الله العظمی مرحوم سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض بود. این استاد به ملاعبدالله تیلکی اجازه اجتهاد داد. یکی از شاگردان ملاعبدالله، مرحوم حجت الاسلام اشرفی است که او در اغلب تحریراتش می‌گفت: مرقومات استاد کامکارم، علامه تیلکی مطاع و موثق است. از ویژگی‌های نام برده، بی‌توجهی به حب‌دنیایی است. از آثار او خانه محقری در تیلک در مجاورت خانه نوه و نبیره و فرزندان برادرش می‌باشد که محل زیارت و طلب حاجت قشر مردم قرار گرفته است. هم اکنون که من دارم این مقاله را می‌نویسم، چندروز پیش به من خبر رسید که یک نفر صاحب نام، مشکل جسمی داشت. یک شب در بیت محقر آقا ملاعبدالله خوابید، شفا یافت؛ یک میلیون و پانصد هزار تومان به مسئول اطعام دهی موقوفه آن محل داد.

و از دیگر آثار او کتاب حجت الحق که به چاپ نرسیده است. آقای اشرفی از شاگردانش می‌گوید: من آن را ملاحظه نمودم، الحق نگارش نفیس و با نظر استادانه‌ای با انشائی ساده و روان نوشته شده است.

بعلاوه یک جلد کتاب تحت عنوان توضیح المقاصد نوشته شده و در دست است و کتابی هم در فقه که اینجانب ملاحظه نمودم، اکنون در کتابخانه مدرسه حوزوی تیلک قرار دارد.

نام برده موقوفاتی از خود بنا نهاده که هرساله خرج دهی* می‌شود و از آثار مکتوبش، نامه فتحعلی شاه قاجار به محمدخان، حاکم و سرکرده آن زمان دودانگه (که الان جزء چهاردانگه محسوب می‌شود) سفارش آقای ملاعبدالله شریعتمداری و اهالی تیلک را از معافیت سربازی و نظام وظیفه و معافیت از جمع داد و ستد دیوانی از منکب مالیات و سرشماری است.

وفات معظم له، سنه ۱۲۴۸ ه.ق و داستان احضار او به دربار فتحعلی شاه جهت یک مسئله معضل شرعی، خود داستانی طولانی است.

پی‌نوشت:

با استفاده اجمالی از تاریخ ادبیات مازندران ج ۱ ص ۱۸۸

تیلک، روستایی از توابع بخش چهاردانگه شهرستان ساری در استان مازندران ایران است.

* خرج دهی: در اصطلاح محلی مراسمی است که در آن، از محصول بدست آمده از زمین‌های موقوفه، به توصیه واقف در مناسبت‌های خاصی به عموم مردم اطعام می‌دهند.

گذری بر زندگی آیت الله ملاعبدالله شریعتمداری

به قلم: حجت الاسلام والمسلمین قدمعلی رنجبر؛ مدرس حوزه علمیه و از علمای شهر ساری



برگ اول:

گذری بر شبهات تاریخی

شبهه زمان پیدایش شیعه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا ایمانی مقدم



مقدمه:

امروزه پرسش‌های جهت‌دار و شبهات دینی با انگیزه‌های متفاوت فردی و سازمانی در سطح مجامع علمی و عرفی طرح می‌گردد. در وضعیت کنونی به سبب گسترش امکانات رسانه‌ای و آشنایی بیشتر مردم با ابزارهای جدید ارتباطی، زمینه‌ی فراگیری شایعات و شبهات دینی، بیش از گذشته، مهیا است. عدم مواجهه درست با شبهات، به تبعات بسیاری مانند بی‌اعتمادی مردم به علمای دین، ماندگاری شبهه و به تبع آن دین‌گریزی اقشار مختلف به ویژه جوانان، می‌انجامد.

رسالت حوزه‌های علمیه، مواجهه علمی و هوشمندانه با شبهات است، در این راستا بر آن شدیم تا در محضر درس یکی از اساتید فرهیخته حوزه و دانشگاه، جناب آقای دکتر ایمانی مقدم، بنشینیم و با تحلیل صحیح برخی شبهات رایج، در عرصه‌های کلامی و عقیدتی، راهی به روشنایی بسازیم.

مروری بر مفاهیم سوال و شبهه

در تبیین تفاوت سوال یا پرسش با "شبهه"، باید گفت پرسشگری زمانی اتفاق می‌افتد که انسان می‌خواهد جهلی را به معلوم تبدیل کند و نادانی را به دانایی تبدیل نماید. در پرسشگری غایت این است که نور علم، جایگزین تاریکی جهل و ظلمت شود. اما شبهه به استناد کلام امیر مومنان (ع) در نهج البلاغه که فرمودند: **إِنَّمَا سُمِّيَتْ**

الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ.... (خطبه ۳۸ نهج البلاغه) با هدف ایجاد تردید در کلام حق صورت می‌پذیرد.

شبهه؛ لباس حق را می‌پوشد و در ظاهری حق به جانب، به جان و ذهن و عقیده مردم می‌افتد و عقیده را فاسد می‌کند. در واقع شبهه ایجاد کردن، فعلِ خصم است، اما پرسشگری کارِ دوست. در بیانی روشن تر، فردی که می‌خواهد از مطلبی آگاه شود، سوال می‌کند اما فردی که می‌خواهد انحرافی ایجاد کند، شبهه مطرح می‌کند.

انسان‌هایی که نمی‌دانند، دو دسته هستند: يك عده، جهل مرکب دارند؛ یعنی نمی‌دانند، و نمی‌دانند که نمی‌دانند. اینان خویش را عالم فرض می‌کنند و حال آنکه جاهلند.

قسم دوم انسان‌هایی که نمی‌دانند و به نادانی خویش آگاهند، پس در مقام پرسیدن بر می‌آیند و سوال می‌کنند.

در کلمات مشهور بین عالمان دین، این اصطلاح رایج است که "لادری نصف العلم" به راستی اگر کسی بداند که مسئله‌ای را نمی‌داند و باید به دنبال پاسخ آن باشد، او نیمی از راه را طی کرده است. اگر کسی در محضر استاد زانوی ادب بزند و بگوید من نمی‌دانم، نیمی از علم را دارد، چون در جهل مرکب نیست. البته گفتن "نمی‌دانم" کافی نیست. بلکه پرسش صحیح و درست و بر اساس موازین، نشان از داشتن نصف آگاهی است.

این تعبیر به زیبایی در کلام نورانی پیامبر صلی الله اکرم صلی الله علیه وآله است منعکس شده است: **«حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ»** (کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۹)

گونه شناسی شبهات درباره‌ی اسلام

شبهاتی که علیه اسلام طرح می‌شود، به دو دسته شبهات عام و خاص تقسیم بندی می‌شود. شبهات عام، ناظر به دین اسلام به طور کلی است و شبهات خاص ناظر به مکتب یا فرقه‌ی خاصی در اسلام است. بنابراین شبهاتی که علیه مکتب حیات بخش تشیع و مدرسه اهل بیت علیهم السلام مطرح می‌شود، شبهه‌ی خاص است. به بیانی دیگر دسته‌ای از شبهات، ناظر به آموزه‌ها و مبانی مشترک دین مبین اسلام است؛ نظیر شبهات درباره‌ی توحید، صفات، وحدانیت و افعال خدا، نبوت عامه و خاصه، مباحثی نظیر اعجاز قرآن، معاد و ... مطرح می‌شود، وارد شده است. برای نمونه برخی بر این باورند که زندگی فقط در همین دنیاست، و معادی در کار نیست، روزگار است که ما را می‌آورد و می‌برد و خدایی در کار نیست، یا هرگز در قیامت مبعوث نمی‌شویم، این شبهه علیه معاد است. این‌ها شبهه‌ی عام هستند.

شبهه کنندگان علیه تعالیم اسلام چند دسته اند که در حال حاضر از موضوع این نوشتار خارج هستند. در ذیل به اختصار به برخی از مخالفان و منتقدان، فهرست وار اشاره می‌گردد؛

- یهودی، مسیحی و مجوسی‌ها

- برخی مشرکانی که هم خدا را قبول دارند و هم بت‌ها را می‌پرستند

- آتئیست‌ها (بی‌خدایان)، به تعبیر قرآن و روایات؛ دهری‌ها، زنادقه و ملحدان، که بر این باورند که زندگی، منحصر در ماده و همین دنیای مادی است و معادی درکار نیست.

اما غالب آنهایی که درباره‌ی تشیع، شبهه طرح می‌کنند، کسانی هستند که مدعی اند تعالیم عام اسلام و قرآن را باور دارند و به سوی کعبه نماز می‌گزارند، اما باورهای شیعیان را پذیرا نیستند و همه یا برخی از آنها را مغایر با تعالیم اسلام ناب می‌دانند. آنان خود را پیرو مکتب خلافت می‌دانند نه پیرو مکتب امامت.

گونه شناسی شبهات درباره تشیع

شبهاتی که علیه تشیع مطرح می‌شود چند دسته است:

- **شبهه به عقاید شیعه:** گاهی شبهات درباره برخی تعالیم و باورهای شیعی است مانند عصمت امام، علم غیب ائمه اطهار (ع)، طلب شفاعت از امام معصوم، توسل به معصومان و اولیای خدا، جواز زیارت قبور ائمه اطهار (ع) و یا جواز عمومی زیارت اهل قبور.

شبهات اعتقادی مصادیق بسیاری دارد؛ برای نمونه درباره "خمس"؛ این سوال را مطرح می‌کنند که چه کسی حکم کرده که باید خمس

اموال را به امام زمان یا به نایبش بدهیم؟ چه کسی گفته است که خمس به سادات نیازمند تعلق می‌گیرد؟

یا شبهه علیه "تقیه" که آن را نفاق دانسته و مرادف کذب و دروغ تلقی می‌کنند، یا شبهه علیه "متعّه" که در اسلام ازدواج فقط به صورت عقد دایم مجاز است و ازدواج موقت با نسخ خلیفه‌ی دوم، مرادف با زناست.

این گونه شبهات، ناظر به عقاید تشیع است، هرچند مصادیقی از آن مانند بحث خمس، متعه و تقیه در ابواب فقهی مطرح می‌شود، ولی شبهه به اصل مشروعیت این موارد وارد می‌شود، بنابراین در زمره شبهات اعتقادی جای می‌گیرد.

- شبهات تاریخی درباره پیدایش و خاستگاه شیعه:

گونه‌ای دیگر از شبهات، درباره منشأ و خاستگاه شیعه تردید ایجاد می‌کنند. در این نوشتار برانیم تا ابتدا به شبهات ناظر به منشأ و پیدایش تشیع بپردازیم.

- صفویه مؤسس شیعه

شبهه کنندگان ادعا می‌کنند که حکومت صفویه در ایران، هم عصر با حکومت عثمانی بود. دولت عثمانی از پیروان مکتب خلافت بودند و بسیار در مدح خلفا رجزخوانی می‌کردند. شاهان صفوی برای مقابله با عثمانی‌ها، مذهبی را به نام مذهب شیعه ایجاد کردند که طرفدار اهل بیت (ع) باشند و در مقابل خلفا بایستند و به آنها سب و لعن بفرستد. لذا شاهان صفوی، مذهب شیعه را به وجود آوردند. این شبهه، نمونه‌ای از شبهات تاریخی است. کسی که با القبای مسائل تاریخی آگاه باشد، می‌داند این شبهه و ادعا، دروغ است و هیچ اساسی ندارد. ولی شبهه کنندگان از جهل مردم، استفاده می‌کنند و این ادعا را رواج می‌دهند. یکی از مروجین این اندیشه، صدام ملعون بود، وقتی که می‌خواست ایرانیان را نام برد، می‌گفت: صفویون!

- آل بویه مؤسس شیعه

برخی گفته‌اند تاریخ شکل گیری شیعه، کمی پیش از صفویه بوده است. در زمان حکومت عباسیان، خلیفه عباسی مقامی تشریفاتی داشت و آل‌بویه که وزرای دربار عباسی و امیرالامرا بودند، همه کاره بودند. پس از عباسیان هم آل



بویه حکومت داشتند. آنها گرایشات شیعی داشتند و آل بویه بودند که مذهب شیعه را ایجاد کردند.

- حمدانی ها عامل پیدایش شیعه

برخی نیز حمدانی ها را که نسب آن ها به قبیله تغلب بر می گردد، عامل پیدایش شیعه دانسته اند.

- امام صادق علیه السلام مؤسس شیعه

نظر دیگر که منصفانه تر بوده، پیدایش شیعه را در قرن دوم هجری می داند و معتقد است در قرن دوم در عهد امام باقر (ع) و امام صادق (ع) مذهب شیعه به وجود آمد. برخی مسلمانان گفتند ما حنبلی و شافعی و مالکی و حنفی و... هستیم، برخی هم گفتند ما شیعه جعفری هستیم، بدین ترتیب گروه شیعه بوجود آمد.

- مختار عامل تاسیس شیعه

برخی هم ادعا کرده اند که تشیع بعد از شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام توسط شخصی به نام مختار بن ابوعبید ثقفی که مذهب شیعه کیسانیه را به وجود آورد، شکل گرفت. به این ترتیب که آنان دیدند امامشان به ناحق به شهادت رسیده و اهل بیتش به اسارت رفتند و در حق این ها ظلم شده است، بنابراین قیام کردند و پرچم هایی برافراشتند که روی پرچم ها نوشته شده بود "یا لثارت الحسین". ای کسانی که می خواهید انتقام خون این مظلوم و سبت رسول اکرم (ص) را بگیرید، بیایید زیر پرچم ما. به همین منظور گروهی جمع شدند و مذهب شیعه را به وجود آوردند. این هم نظری است و طرفدارانی دارد.

- تاسیس شیعه در زمان امام حسین علیه السلام

نظر دیگر می گوید شیعه در زمان امام حسین (ع) به وجود آمد. یک عده شیعه امام حسین (ع) و حضرت علی (ع) بودند و عده ای نیز شیعه یزید و معاویه و ابوسفیان. وقتی امام حسین (ع) دید که به خیمه های حرم حمله شد، روی زانوانش نشست و با همان مختصر رمقی که داشت سپاه یزید را مخاطب قرار داد و فرمود:

یا شیعه آل ابی سفیان! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أحراراً فِی دُنْیَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَرْعُمُونَ؛ (وای بر شما! ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حساب رسی روز قیامت نمی ترسید لا اقل در دنیای خود آزاد باشید، و اگر خود را عرب می دانید به خلق و خوی عربی خویش پای بند باشید) (مقتل الحسین خوارزمی، ج ۲، ص ۳۳)

حضرت فرمودند که من با شما می جنگم و شما در حال جنگ با من هستید. زنان و کودکان گناهی ندارند. از آن جا که پیروان امام حسین (ع) تعدادشان کم بود، شیعه حسین و علی (ع) نام گرفتند و در مقابل آنان، شیعه آل سفیان و ابن زیاد و معاویه شکل گرفت. این نظریه، سابقه شیعه را از سال ۶۶ که زمان مختار ثقفی بود، به سال ۶۱ هجری و زمان شهادت امام حسین (ع) برد.

- پیدایش شیعه در زمان حضرت علی (ع)

برخی پژوهشگران مسلمان و برخی مستشرقان - مستشرقانی که تخصصشان تحقیق راجع به فرقه ها و مذاهب اسلامی هست - قائلند که تشیع در زمان خلافت امیرالمومنین علیه السلام به وجود آمد. در سال ۳۵ هجری، زمانی که عثمان کشته شد و مردم با امیر مومنان (ع) بیعت کردند، چون از دست خلیفه سوم، یعنی عثمان خیلی به ستوه آمده بودند، با حضرت علی (ع) بیعت کردند و زیر پرچم او قرار گرفتند و از این جا تشیع به وجود آمد.

بنابراین پیدایش تشیع به زمان خلافت ظاهری امیرالمومنان بر می گردد که از سال ۳۶ هجری تا ماه رمضان سال ۴۰ هجری قمری که حضرت در محراب مسجد کوفه به شهادت رسیده اند، است. یعنی در این چهار سال و ۹ ماه خلافت امیر مومنان (ع) مذهب جدیدی به نام شیعه العلی در برابر شیعه عثمان پیدا شد. پیروان عثمان که معاویه پرچمدار آنان بود، پیراهن خونین عثمان را بر نیزه کردند به خونخواهی عثمان برخاستند. آنها شیعه عثمان بودند و در کتاب های کلامی هم به نام فرقه عثمانیه یا پیروان عثمان نامیده شدند، در مقابل این ها، شیعه علی قرار گرفته بود.

- پیدایش شیعه هنگام وفات نبی اکرم (ص)

نگاهی دیگر، تشیع را به تاریخی جلوتر از این واقعه بر می گرداند و بر آن است که در همان آغاز رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله، مردم دو دسته شدند، حدود هفده یا هجده نفر از بزرگان صحابه در خانه امیر مومنان جمع شده، تحصن کردند و گفتند که با هیچ کس بیعت نمی کنیم مگر شخص علی بن ابی طالب (ع) که پیامبر صلی الله علیه وآله او را وصی قرار داده است. ولی اکثریت قریب به اتفاق جامعه اسلامی آن زمان، مصوبات سقیفه را قبول کردند. یعنی عده ای از آنان ابتدا در منزل سعد بن عبادہ انصاری، بزرگ طایفه خزرج جمع شدند و گفتند که تو باید خلیفه رسول خدا باشی. سعد در بستر بیماری بود، آن قدر جمعیت آمد که جا برای آنها کم بود. به همین دلیل جمعیت

به یک منطقه آلاچیتی که مربوط به گروهی از انصار تیره خزرج بود و به آن سقیفه می گفتند، رفتند. زیر این سقیفه، تیره بنی ساعده از طایفه خزرج از انصار جمع شدند و جناب سعد بن عبادہ را از بستر بیماری بلند کردند و او را به سقیفه آوردند و آن جا رای گیری کردند.

ابوبکر، زمان رحلت پیامبر صلی الله در مدینه نبود و وقتی که از روستا برگشت، مطلع شد که پیامبر صلی الله رحلت کرده اند. او با عمر مشورت کرد و ابوعبیده جراح دوان آمد و به آنان ملحق شد و گفت که چرا نشسته اید! در سقیفه بنی ساعده، در حال تعیین خلیفه هستید. آنان با هم آمدند و رهبری جلسه را با ترفندهایی که عمر از آن آگاه بود، بدست گرفتند و جماعت حاضر را متقاعد کردند که ابوبکر خلیفه باشد و به این ترتیب، خواسته خود را عملی کردند. آنها گفتند که اگر خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله، نصیب انصار باشد، دوباره همان جنگ های بین اوس و خزرج که ده ها هزار نفر از طرفین کشته شدند، به نحوی که هیچ جوان جنگجویی در میان شما باقی نمانده بود و قرآن هم به آن اشاره می کند، به پا خواهد شد. قبل از هجرت پیامبر صلی الله (ص)، اوس و خزرج با هم جنگ های زیادی داشتند و گفته شد که اگر خلافت و امامت از آن شما انصار باشد، شما دوباره با هم جنگ می کنید؛ برای همین خلافت از آن مهاجران است. اما اگر مهاجران نبودند اسلام به ثمر نمی رسید. ما بودیم که خانه و زندگی و شهر و دیار خود را رها کردیم و به یاری خدا به مدینه آمدیم؛ اما شما در خانه خودتان ساکن بودید، در شهر و دیارتان بودید که پیامبر صلی الله را یاری کردید، پس خلیفه باید از آن ما باشد. بعد از اختلافاتی که ایجاد شد، با ترفند های گوناگون بالاخره مردم با ابوبکر بیعت کردند و رای دادند. اما ۱۸ نفر از بزرگان همچنان در منزل حضرت علی (ع) تحصن کردند و گفتند جز با حضرت علی (ع) با کسی بیعت نمی کنیم.

غیر از شخص امیرالمومنین (ع) و دو فرزند گرامی ایشان حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، حضرت صدیقه اطهر (س)، جناب سلمان و ابوذر و عمار یاسر و مقداد بن اسود کندی، طلحه و زبیر و... بودند. لذا این جا بود که تشیع شکل گرفت. این هم تبیین مختصری از دیدگاه دیگری درباره پیدایش تشیع است.

تشیع مولود اسلام

طرفداران هر يك از هشت دیدگاه پیش گفته در قالب شبهات تاریخی تشیع، به قراین و شواهدی در تاریخ تمسک کرده اند و این گونه اصل پیدایش شیعه را زیر سوال می برند و می گویند تا وقتی پیامبر (ص) زنده



بود و مسلمانان، مسلمان بودند، نه شیعه وجود داشت و نه سنی. این تفکیک ها و تفریق ها بعد از رحلت آن حضرت اتفاق افتاد.

هر کدام از این ادعاها، پاسخ خود را دارد، در این بخش از نوشتار، به این اجمال بسنده می کنیم که همه این دیدگاه ها به دلایل متقن که در مجال بعد به آن می پردازیم، مردود هستند و دیدگاه مستند و مورد تایید؛ نظر نهم است؛ یعنی اینکه پیدایش تشیع با پیدایش اسلام همزمان است و شیعه، یک مذهب نیست که از اسلام انشعاب کرده باشد مثل سنی و حنبلی و شافعی حنفی و مالکی و معتزلی و شاعری و...، که مرجع همه آنها، فرقه هایی بودند که بعد از رحلت پیامبر صلی الله صلی الله به خاطر افراط ها و تفریط ها و گمراهی هایی که دشمن القا می کرد، به وجود آمدند.

به دلیل تراوشات فکری که از یهود و نصارا در بین این ها مطرح می شد، این انشعابات به وجود آمد و بلای جان مسلمانان و امت اسلام گردید. اما تشیع، مذهبی نیست که بعد از رحلت پیامبر صلی الله به وجود آمده باشد. اولین کسی که نام شیعه را برای ما گذاشت، خود نبی مکرم اسلام صلی الله بود. شخص پیامبر صلی الله اولین بار نام ما را شیعه نامید که این ها هر کدام حتی در روایات اهل سنت هم آمده است که رسول اکرم صلی الله بارها فرمود: "انتم و شیعتکم" آیات قرآن و روایات شیعه و سنی روی همه این هشت نظر خط بطلان می کشد و تنها نظریه ای که با مبانی دینی اسلام و روایات شیعه و سنی سازگاری دارد، همین است که تشیع، مولود طبیعی اسلام است و خود پیامبر صلی الله آن را به وجود آورده است. تشیع مساوی است با اسلام از دریچه نگاه پیامبر صلی الله و اهل بیت (ع)، تشیع یعنی اسلام، اسلام ناب محمدی از نگاه قرآن و اهل بیت (ع).

ادامه مطلب در شماره بعدی نشریه، خدمت خوانندگان گرامی ارائه می شود.

در گفتگو با مدیر سابق مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) مطرح شد:

تربیت طلبه‌ی تراز انقلاب اسلامی، باید از برنامه‌های اصلی مسئولان حوزوی باشد

تهیه و تنظیم:
مریم کلایی

گفتگو با سرکار خانم سلیمه سافری

اشاره:

خانم سلیمه سافری، فارغ‌التحصیل رشته دکتری تاریخ شیعه و سطح چهار فقه و اصول هستند. ایشان که در سال‌های گذشته، به مدت پنج سال مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) بودند، قریب هفت سال است که مدیر مدرسه علمیه حضرت آمنه (س) هستند و بیش از بیست سال نیز در آموزش و پرورش، مدیر دبیرستان و پیش دانشگاهی بودند.

نگاهی به سابقه کاری این بانوی فعال در زمینه تدریس و تالیف مقالات متعدد و پایان‌نامه و مسئولیت‌های خطیری که در حوزه علمیه و مدارس و بسیج داشته، نشان می‌دهد که یک فرد موفق چگونه می‌تواند از موقعیت‌ها و عمر خود به بهترین وجه ممکن بهره‌برد.

با این استاد گرامی گفت‌وگویی انجام دادیم که تقدیم شما گرامیان می‌شود.



۱. استاد گرامی، از چه زمانی با مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) همکاری دارید و این همکاری چگونه آغاز شد؟

در بهمن سال ۸۶، با شروع دوره تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)، مدیریت دوره به عهده بنده نهاده شد. یک ترم دوره تمهیدیه و بعد از آن با شروع مهر سال ۸۷، اولین دوره تربیت مدرس از بین طلاب مناطق مرزی و محروم کشور با هدف تربیت استاد برای آن مناطق به صورت رسمی شروع شد. دوره بسیار سختی بود. همین که بعضی از مسئولین مرکز مدیریت موافق ادامه کار نبودند، به دلیل اینکه فکر می‌کردند این طلاب از نظر علمی قوی نیستند، اما با اصرار مؤسس، جناب آقای ساجدی و بنده به عنوان عضو کوچک مجموعه، الحمدلله به نتیجه رسید.

انتخاب نام حوزه برای بنده خیلی خاطره انگیز بود. تقریباً سه اسم پیشنهاد داده شد و جناب آقای میرباقری (رئیس هیئت امنا) با توسلی، نام مبارک حضرت صدیقه کبری (س) را انتخاب نمودند.

با الطاف الهی، طلاب تربیت شده در مرحله اول بسیار موفق در مناطق خود درخشیدند. بعضی مدیر مدرسه، بعضی دارای مسئولیت در مدیریت‌های استانی و بعضی از اساتید نخبه مناطق خود هستند و چه باقیات الصالحاتی از این بالاتر.

۲. با توجه به وضعیت کنونی و همه‌گیری بیماری کرونا، روند تدریس و تحصیل متفاوت شده است. در این دوران، تدریس هم داشتید؟ تجربه آموزش از راه دور چگونه بود؟

بله در حال تدریس هستم. به دلیل آماده نبودن زیرساخت‌ها و امکانات پشتیبانی از جهت باند اینترنتی قوی و شروع کار سامانه مدرس، یقیناً همه طلاب و اساتید، درگیر مشکلاتی هستند و حوزه‌های علمیه باید مانند مراکز عالی آموزشی دیگر، پیش‌بینی وضعیت‌های بحران تحصیلی را می‌کردند.

۳. به نظر حضرتعالی، معایب و فواید این گونه تحصیل در چیست؟

به اعتقاد من، اتفاقات بحرانی هیچوقت خبر نمی‌دهند، لذا باید مدیران بحرانی قوی در جامعه تربیت شده باشند تا بتوانند با درایت و با تقویت تمام زیرساخت‌های آموزشی و حتی شغلی، جامعه و کشور را از فلج شدن حفظ کنند. لذا چون این مقدمات در شرایط کنونی مهیا نشده، افراد و بویژه دانش‌پژوهان حوزوی و غیرحوزوی دچار سردرگمی و حتی در مواردی دچار فشارهای روحی و عصبی شده‌اند.

اما اگر آن مقدمات مهیا می‌شد، می‌توانست فوایدی را در این شرایط بحرانی داشته باشد. بالاخره طلبه در کنار خانواده همزمان می‌توانست بهره‌مندی لازم را از درس اساتید ببرد.

۴. با توجه به اینکه تحصیل در حوزه تا حدودی متفاوت با تحصیل در دانشگاه و سایر مراکز آموزشی هست و در کنار آموزش، تأکید بر الگوبرداری از استاد و تهذیب اخلاقی، به نظرتان اگر تحصیل به شیوه کنونی و در فضای مجازی و غیرحضور باشد، و این روند ادامه یابد، چه تبعاتی می‌تواند برای حوزه‌ها و طلاب داشته باشد؟

خوب یقیناً از محضر استاد به صورت حضوری بهره‌مند شدن، آثار و برکات خاص خود را دارد. نگاه به استاد وارسته و عامل به علم، نتایج معنوی ویژه‌ای را به دنبال دارد و الگوی عملی مفیدی است و انشاءالله کسی از این فیض محروم نشود. چون حضور طلبه در خانه امام عصر (عج) و قرار گرفتن در فضایی که علم دین آموزش داده می‌شود، با فضای خانه و پشت سیستم نشستن و به صورت مجازی درس خواندن، قابل مقایسه نیست.

۵. به نظر شما آیا می‌توان علوم حوزوی را به صورت کاربردی در زندگی روزمره پیاده کرد؟ اگر بله چگونه و اگر نه در این زمینه پیشنهادی دارید؟

علوم حوزوی باید نتیجه عملی در زندگی داشته باشد وگرنه

یکی از اهداف اصلی حوزه‌های علمیه، کارآمدی در حل مشکلات و معضلات فرهنگی و اجتماعی جامعه است. طلاب باید بتوانند با استفاده از تکنیک‌های روانشناسی بر اساس مبانی دینی، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی فرهنگی را شناسائی و به راه حل‌های منطقی برای ایجاد آرامش در جامعه برسند.

تفاوت آنها با علوم تجربی و مادی در چه چیزی می‌تواند باشد؟ هر طلبه‌ای از ابتدای طلبگی باید علم خود را با عمل همراه کند وگرنه بهره‌ای از علم حقیقی نبرده است. مهم‌ترین اثر در آیه شریفه قرآن کریم مطرح شده: (اتّما یخشی الله من عباده العلماء. علمای حقیقی کسانی هستند که هر چه به حقیقت نزدیکتر می‌شوند، خاشع‌تر و خاضع‌تر می‌شوند.^۱ این یعنی رسیدن به اخلاق و معرفت. اگر این قدم برداشته شود و همه چیز رنگ الهی و معنوی بگیرد، علم فی نفسه جایگاهی پیدا نمی‌کند بلکه فقط پل و وسیله‌ای برای گذر و عبور از جهل و رسیدن به حقیقت می‌شود. ابزاری می‌شود که معرفت را ایجاد می‌کند. علم ابزاری است که وسیله وصول به هدف است نه صرفاً مدرک و نمره.

پیشنهاد بنده این است که در ابتدا طلبه، انگیزه خود را برای ورود به حوزه تقویت کند و صرفاً علم را علم محفوظات و اندوخته‌های خود نداند، بلکه برسد به اینکه: (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء)^۲ علم نور است و باید ظرفیت خود را با ترکیه و تقویت نفسانی و دوری از گناهان و انجام طاعات الهی، تقویت کند و بعد از آن، با تلاش و اندیشه و تدبیر، به علم دست یابد و به درجه تولید علم برسد، نه فقط نمره گرفتن و مدرک کسب کردن و علم و عمل را در کنار هم، تجربه کند.

۶. حضرتعالی چه راهکاری برای توانمند شدن بانوان حوزوی در تمام عرصه‌های زندگی پیشنهاد می‌کنید؟

برنامه داشتن و بر طبق برنامه عمل کردن می‌تواند بانوان را منضبط کند. به این که هرکاری را سر جای خود انجام دهند و زندگی را فدای درس یا درس را فدای زندگی نکنند.

جایگاه هرکدام از مسئولیت‌ها باید مشخص باشد و با اولویت بندی به انجام واجبات و ترک محرمات پردازد.

ازدواج و همسررداری و تربیت فرزند در اولویت‌های زندگی است و طلبه با تربیت خود و کسب علم، باید ابتدا بتواند عملاً همسر خوب و مادر مفیدی باشد و عرض کردم باید برنامه ریزی تربیتی که در قبال درس و استفاده از محضر استاد به گردش می‌افتد را به نحو احسن انجام دهد، طوری که به آن واجبات اصلی آسیب نرسد و البته این توفیق را با استمداد از حق تعالی و توسل به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) درخواست نماید.

۷. چه توصیه‌ای برای دانش‌آموختگان مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) که به عنوان مدرس در حوزه‌های خواهران مشغول تدریس هستند دارید؟

استاد باید خود عامل به علم بوده و بتواند الگوی علمی و عملی نیکویی باشد و پیوسته باید علم خود را بروز کند و در تولید علم، قدم‌های ویژه‌ای بردارد و به داشته‌های خود اکتفا نکند. همیشه خود را تشنه درک معارف بداند. علاوه بر آن باید علوم جدید را نیز دنبال کند و علم دین را برای تمدن‌سازی اسلامی در مقابله با تمدن غربی، مسلط شود.

۸. چه انتظاری از مسئولین برنامه ریزی در مرکز مدیریت حوزه‌های خواهران در زمینه آموزشی و حوزه اخلاقی- تربیتی دارید؟

تربیت طلبه تراز انقلاب و تمدن ساز اسلامی باید از برنامه‌های اصلی مسئولین حوزوی باشد، لذا برنامه ریزی علمی باید در راستای تربیت اساتید پژوهشگر تربیت مدار باشد، یعنی علم باید زمینه ساز پژوهش در تولید علم باشد و هر دو زمینه‌ای برای تربیت مبلغین عالم و عامل باشند. از طرفی طلبه نباید نسبت به مواضع سیاسی مملکت خود و دغدغه‌های درونی و بیرونی کشور، بی تفاوت باشد، بلکه باید در همه عرصه‌های آموزشی، تربیتی و سیاسی کارآمد و مؤثر باشد.

۹. به نظر شما آیا حوزه‌های علمیه می‌توانند در کاهش آسیب‌های اجتماعی اثرگذار باشند؟

یقیناً یکی از اهداف اصلی حوزه‌های علمیه، کارآمدی در حل مشکلات و معضلات فرهنگی و اجتماعی جامعه است. خروجی طلبه باید همین تأثیرگذاری باشد و طلاب باید بتوانند با استفاده از تکنیک‌های روانشناسی بر اساس مبانی دینی، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی را شناسائی و به راه حل‌های منطقی برای ایجاد آرامش در جامعه برسند.

۱۰. به نظر حضرتعالی کاربرد متدها و روش‌های نوین آموزشی در فرآیند تدریس چه ضرورت و اهمیتی دارد؟

توجه و پرداختن به این امر، بسیار اهمیت دارد، اما به شرطی که بتوان با آموزش‌های لازم، زمینه بهره‌مندی از این ابزارها در کسب معارف اصیل حوزوی را فراهم نمود و خود هدف نشوند.

۱۱. ویژگی‌های استاد نمونه از نظر شما چیست؟

استاد نمونه استادی است که به علم خود عمل کند و یا حداقل در این راه تلاش نماید. از طرفی هیچوقت خود را عالم همه چیز نداند و همیشه تشنه درک معارف جدید باشد و از موضع بالا به شاگرد خود نگاه نکند، بلکه مانند مادری دلسوز او را همراهی و راهنمایی نماید.

۱۲. آیا کتبی که در حال حاضر در حوزه تدریس می‌شوند و شیوه‌های کنونی تدریس در حوزه، پاسخگوی نیازهای جامعه هست یا باید تغییری صورت گیرد؟

متأسفانه برخی از کتب نه تنها ضروری نیستند بلکه در مواقعی تکراری هستند، یا دو عنوان با یک محتوا، به صورت موازی و حتی در ترم‌های متفاوت تکرار می‌شوند. حوزه باید بتواند نیازهای جامعه را درک کند و بر اساس آن، منابع را ارائه دهد. از طرفی باید علاقه طلبه را در نظر بگیرد و او را در همان زمینه، متخصص کند.

۱۳. حضور طلاب را در مراکز علمی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

طلاب باید در مراکز علمی فعال باشند و در این جهت تربیت شوند. در کرسی‌های آزاد اندیشی با مراکز علمی دیگر تعامل کنند. نشست‌های علمی، فرهنگی و سیاسی مشترک با مراکز علمی و دانشگاهی گذاشته شود و طلبه محدود به فضای حوزه نشود، بلکه باید با بینش باز و عمیق، نقدها را بشنود و خود را مبرا از نقدهای علمی، پژوهشی و فرهنگی نداند.

۱۴. به نظر حضرتعالی چگونه می‌توان اخلاقیات را در جامعه کنونی گسترش داد؟ در پاسخ

به سؤال‌های قبل هم عرض کردم، ما به عنوان طلبه و بعضاً متولیان حوزه باید خود به آنچه می‌گوییم عمل کنیم و از موضع بالا به مجموعه‌های خود نگاه نکنیم، بلکه باید خود را خدمتگزار دین و معارف دینی بدانیم. به فرمایش بزرگان دین، وقتی ما طلاب رابطه خود را با خدا اصلاح کردیم، خداوند رابطه ما را با مخلوقات خود اصلاح می‌کند. در حالی که عملاً این در حوزه دیده نمی‌شود و هرکس فکر می‌کند خود، برتر است.

۱۵. نقش بانوان مبلغ در ترویج سبک زندگی اسلامی چگونه است؟

سبک زندگی اسلامی، انشعابات زیادی دارد. سبک زندگی در رابطه با همسر، در رابطه با فرزند، در رابطه با خانواده و فامیل، در رابطه با هم‌نوعان خود در اجتماع و محله و حتی در رابطه ملی و فراملی. در استفاده از نعمت‌های الهی و منابع اقتصادی و در تعاملات سیاسی و موارد بسیار دیگر

اما در همه اینها همان گونه که عرض کردم معرفت و شناخت، نقش اولیه را دارد و بعد از آن، آشنایی به وظیفه و نهایتاً عمل به وظیفه و تکلیف خویش. نتیجه اش هم اگر نیت خالص باشد با خداست.

۱۶. در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

انشاءالله که خداوند به همه ما، توفیق علم و عمل را عنایت فرماید. (وَ آخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ))

باسپاس از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید.

۱. فاطر، آیه ۲۸

۲. مصباح الشریعة، ص ۱۶

آرامشی از جنس نور

نویسنده:
طیبه نجفی



چند ساعت به اذان صبح مانده بود. بیمارستان شهید بهشتی در آرامش به سر می برد. به طبقه پنجم، بخش داخلی زنان رفتم. همینطور که داشتم قدم میزدم، صدای ناله ای توجهم را به خودش جلب کرد. صدا از راهرو سمت چپ بود. به داخل اولین اتاق رفتم، دیدم بیماران کرونایی برای لحظاتی به آرامش رسیده اند و به خواب رفته اند.

آهسته آهسته از اتاق خارج شدم. صدای ناله بلندتر شد. درست آمده بودم؛ ناله از اتاق دوم بود. زن جوانی به تنهایی در آن اتاق نفس می کشید، انگار تازه بستری شده بود. قبلا او را ندیده بودم. رفتم و کنار تختش نشستم. دستش را گرفتم و نوازشش کردم.

-خانوم جان چرا ناله می کنی؟
-پام! پام داره می ترکه؛
بعد اشاره کرد به پایش و گفت: فردا قرار است پام را قطع کنند. اصلا انتظارش را نداشتم. آخر تا به حال با چنین صحنه دردناکی مواجه نشده بودم.

رفتم ایستگاه پرستاری. دیدم آمنه نشسته. نمی دانم به چه فکر می کرد، شاید به تعداد فوتی های کرونا. شاید به وظیفه سنگینی که بر دوش داشت. نمی دانم....

گفتم: خانم این مریض پاش درد میکنه، مسکنی چیزی بهش می زنید؟!
آمنه خودش را به بالین مریض رساند و با دادن مسکن به او آرامش داد.

ساعتی بعد به بخش برگشتم. دیدم مریض آرام گرفته و خوابیده است اما این بار اتاق کناری خبرهایی بود؛
وارد اتاق شدم، آمنه در حال گرفتن رگ بیمار بود. اما بیمار اصلا

حالت عادی نداشت. مدام دستش را تکان می داد و با چشم هایش آمنه را نفرین می کرد. پرستار اما دست از انجام وظیفه اش بر نمی داشت. هربار که مریض دستش را تکان می داد با خونسردی می گفت:

مامان جان بذار کارمو انجام بدم. بدنت ضعیف شده. باید سرم بگیری بلکه بهتر بشی.

مات و مبهوت به آمنه نگاه می کردم. خستگی در چهره اش موج می زد. اما می دانست وظیفه اش را باید انجام دهد. آرامش چهره اش برایم ستودنی بود.

گفتم: خانم بذار کمکتون کنم. من دست مریض رو می گیرم، شما کارتون رو انجام بدین.

کمی با مریض حرف زدم و حرف های آمنه را با زبانی دیگر تکرار کردم.

مریض اما قانع نمیشد. دستش را گرفتم و آمنه پس از کلی تلاش موفق شد سرم را وصل کند.

مریض حالا برای کندن سرم تلاش می کرد.

پرستار نگاهی به من کرد و گفت:

خانوم میشه خواهش کنم تا سرمش تموم میشه کنار تختش بمونی و ازش مراقبت کنی. این مریض هیچی نمی خوره. این سرم براش واجبه، نگرانشم.

سرم را به نشانه تایید تکان دادم و گفتم: بله خیالتون تخت، شما برید استراحت کنید تمام شب را بیدار بودید من مراقب مریض هستم آمنه تشکر کرد و به ایستگاه پرستاری برگشت.

هنوز چند دقیقه نگذشته بود که این بار با دارو وارد اتاق بعدی شد؛ و من با خودم تکرار می کردم که به راستی پرستار وارث زینب کبری سلام الله علیها است.

مقاله

بررسی ساحت تربیت اعتقادی در نهج البلاغه



نویسنده:
بهاره جزایری

چکیده

نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع دینی، بسیار مورد توجه دین پژوهان قرار دارد و با بیان مباحث تربیتی، منبعی بسیار غنی برای تعلیم و تربیت انسان ها به شمار می رود. در بخش قابل توجهی از آن نیز به مباحث اعتقادی پرداخته شده است که پاسخ بسیاری از سؤالات اعتقادی را می توان در آن جستجو کرد. با توجه به اهمیت بالای تربیت اعتقادی، تاکنون تحقیق دقیقی در این باره انجام نشده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل این مسأله پرداخته است. و باهدف تبیین ساحت تربیت اعتقادی در نهج البلاغه سامان گرفته است. یافته های پژوهش نشان داد:

الف) طبق نظر رهبر معظم، نهج البلاغه از عمده ترین مباحث و معارف اسلامی است.

ب) بنا بر دیدگاه حضرت علی علیه السلام باید در امر تربیت فرزند تسریع کرد.

ج) توحید از جایگاه والا در میان اصول اعتقادی برخوردار است که خود شامل توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی است.

د) هدف از فرستادن پیامبران این است که بعد از آفرینش، انسان راه رشد و پرورش خویش را دریابد.

ه) روش های تربیت در نهج البلاغه شامل سه بخش می شود: ۱. محبت ۲. الگو ۳. موعظه.

ی) در نهج البلاغه به طور مکرر درباره امامت و وصایت حضرت و اهل بیت علیهم السلام سخن به میان آمده است.

کلیدواژه: تربیت، نهج البلاغه، اعتقادات، توحید

بخش قابل توجهی از خطبه‌های نهج البلاغه به موضوعات اعتقادی و مباحثی چون توحید، نبوت، امامت و معاد اختصاص یافته است. امام امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازهای متعددی از خطبه‌های بلند خویش، مسائل غامض و پیچیده توحیدی را با بیانی شیوا و فنی توضیح می‌دهد، فلسفه بعثت و ویژگی‌های دعوت انبیاء را با تعبیری ملموس برای مردم عصر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و پس از آن بیان می‌کند. بر استمرار خط نبوت در امامت و ولایت خویش و فرزندان تأکید می‌نماید.

بنابراین استخراج مسایل اعتقادی از منابع دینی معتبر مانند قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، روایات معصومین علیهم السلام و... امری ضروری است و هدف پژوهش حاضر بررسی ساحت تربیت اعتقادی از منظر نهج البلاغه می‌باشد و در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. دیدگاه رهبری درباره نهج البلاغه چیست؟
۲. ضرورت تسریع در تربیت فرزندان از دیدگاه امام علی علیه السلام چگونه است؟
۳. جایگاه توحید در نهج البلاغه چیست؟
۴. هدف از فرستادن پیامبران چیست؟
۵. هدف از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چیست؟
۶. روش‌های تربیت اعتقادی از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟
۷. جایگاه امامت در نهج البلاغه چیست؟

در رابطه با موضوع مورد بحث، تحقیقات مختلفی به انجام رسیده است؛ از جمله آنها: شریعتمداری، ۱۳۸۴ در تحقیقی با عنوان توحید از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، چنین بیان داشته که شناخته بودن خدای تعالی برای بشر، در عین عدم احاطه بشر بر او را به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توحید قرآن و نهج البلاغه بر می‌شمارد و این‌گونه توحید را در نهج البلاغه بررسی می‌کند.

غضنفری و موسوی، ۱۳۹۷ در تحقیقی با عنوان اشارات قرآنی نهج البلاغه در تربیت اعتقادی به این نتایج رسیده است که نهج البلاغه، دایره المعارفی است که پس از قرآن و سنت نبوی، یکی از منابع شناخت اسلام و ارزش‌های دینی است. نهج البلاغه در مقام خداشناسی، معادشناسی، سیاست، سبک زندگی، رابطه امام با امت و امت با امام و تعلیم و تربیت همدوش قرآن، و دستورالعمل جامع برای رسیدن به سعادت این جهانی و رستگاری آن جهانی است. با این تفاوت که قرآن، وحی الهی بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است و نهج البلاغه، انشای باب علم پیامبر بر پیشوای پرهیزگاران امام علی علیه السلام است.

سارلی و محمدی و مولایی، ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان اصول، اهداف و روش‌های تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به این اشاره کرده است که تربیت فرزند از بنیادی‌ترین مسائل تربیتی شمرده می‌شود. فرهنگ زیرین تربیت‌های بعدی است. به همین جهت در دین و نیز با مروری در متون و به خصوص گفتار امام علی علیه السلام در نهج البلاغه ضمن بیان جایگاه تربیت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به ویژگی‌های نظام تربیتی در نهج البلاغه تحت چهار جنبه هدایتی، اجتماعی، عقلانی و معنوی پرداخته شده است.

قندی، ۱۳۹۲ در تحقیقی با عنوان امامت خاصه در نهج البلاغه چنین آورده است که موضوع امامت و رهبری جامعه به عنوان یک موضوع اساسی و سرنوشت ساز، بارها در خطبه‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است. محتوای امامتی این خطبه‌ها و متمرکز به موضوع نخست یعنی "امامت خاصه" است. "امامت خاصه" در یک نگاه کلی ناظر به حق اختصاصی "اهل بیت پیامبر" صلی الله علیه وآله وسلم برای "امامت امت" می‌باشد و در نگاهی خاص تر متمرکز بر شایستگی علی بن ابی طالب علیه السلام برای ایستادن در جایگاه نخستین امامت پس از پیامبر است.

تحقیقات انجام شده به بررسی مسایل اعتقادی مختلف در نهج البلاغه و تربیت و اصول و روش‌های آن از دیدگاه امام علی علیه السلام پرداخته و در پژوهش حاضر به بررسی ساحت

اعتقادی تربیت در نهج البلاغه می‌پردازیم و برخی ابعاد تربیت که در نهج البلاغه آمده را بررسی می‌کنیم.

با توجه به اهمیت این مسأله و نیاز روزافزون به پژوهش‌های جدید پیرامون مسائل اعتقادی و لزوم استخراج آن از منابع دینی از جمله نهج البلاغه و نیز ناکافی بودن پژوهش‌های انجام شده لازم دیدم به نگارش این مقاله این با این موضوع اقدام کنم.

روش

در مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ساحت اعتقادی تربیت در نهج البلاغه پرداخته شده و به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های معتبر و استفاده از کتب و مقالات و کتابخانه و دیجیتال استفاده شده است.

۱. مفهوم شناسی

در این بخش به تعریف معنای لغوی و اصطلاحی واژه اعتقادات که از پرکاربردترین و کلیدی‌ترین واژه‌های این تحقیق است پرداخته شده است.

اعتقادات در لغت: اعتقاد، به معنی عقیده، ایمان، باور، پنداشت و رأی، قبول است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۸۸۹)

اعتقادات در اصطلاح از ریشه عقد به معنی بستن، گره بستن و استوار کردن پیمان و عهد است. (حسینی، زبیدی حنفی، ج ۱۸، ص ۲۱۵ و ۲۱۶)

اعتقاد دینی در اصطلاح، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت. (www.isca.ac.ir)

۲. نهج البلاغه از دیدگاه رهبری

نهج البلاغه مجموعه‌ای از عمده‌ترین مباحث و معارف اسلامی است و همه آنچه که برای یک انسان مسلمان و یک جامعه اسلامی لازم است، سخنی و حرفی و اشاره‌ای و یا بحثی و هدایتی از آن در نهج البلاغه آمده است. توحید و عقاید اسلامی و اصول دین تا اخلاق و تهذیب و تزکیه نفسانی سیاست ملک داری و کیفیت اداره صحنه‌های عظیم فعالیت اجتماعی تا تنظیم روابط اخلاقی و خانوادگی و جنگ و سیاست و حکمت و علم. (عقیلی، ۱۳۸۲، ص ۲۱)

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه اردیبهشت ۱۳۶۰: "کتاب نهج البلاغه که نازله روح علی بن ابیطالب علیه السلام است برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است که دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود؛ هر چه جامعه بوجود آید و دولت". (عقیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۰)

۲. ضرورت تسریع در تربیت فرزند از دیدگاه امام علی علیه السلام

برای موجوداتی که در طریق تغییر، تحول، رشد و تکامل هستند معمولاً موسم مناسبی وجود دارد که در آن به بهترین و مناسب ترین رشد خود می‌رسند و آثار مورد انتظار از آنها تجلی می‌یابد، گلها در موسم بهار می‌رویند، چشمه‌ها در فصل زمستان جاری می‌شود. ابرها در زمستان بارور می‌گردند و قطرات بارانش میهمان زمین می‌گردند و...، تربیت فرزند نیز موسم مناسب خود را دارد که در آن بهتر و آسانتر به بار می‌نشیند. موسم مناسب تربیت، در اوایل زندگی یعنی دوره کودکی، نوجوانی و عفتوان جوانی است، آن‌گاه که فرزند هنوز قلبی آسمانی و بی‌آلایش دارد. آن‌گاه که هنوز پلیدی‌ها و زنگارها میهمان ناخواسته دل او نگشته و کشتزار دل او آماده پذیرش هر بذری است. از سوی دیگر والدین به عنوان مهم-ترین مربیان فرزندان، خود نیز همیشه فرصت و حوصله تربیت که امری ظریف و درعین حال پیچیده است را ندارند. امام علی علیه السلام مربی بزرگ بشریت در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی علیه السلام به این نکته مهم و ظریف توجه نموده و دیدگاه تربیتی گران‌سنگی ارائه نموده است؛ آن حضرت فرموده‌اند: "فرزند دلبندم! چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده و به سستی در افتاده‌ام، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده‌ام و خصلت‌هایی را در آن برشمردم پیش از آن‌که مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه به تو ناگفته ماند یا اندیشه‌ام همچون تنم نقصان بهم رساند یا پیش از نصیحت من پاره‌ای خواهش‌های نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی‌های دنیا تو را بفریبد و هم چون شتری گریزان و نافرمان باشی. و به درستی که دل جوان

همچون زمین ناگسسته است، هر چه در آن افکنند، بپذیرد. پس به ادب آموختن پرداختن پیش از آن که دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد." (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۲۹۷)

۳. توحید در نهج البلاغه

۳-۱- اهمیت و آثار توحید

بی گمان، اصل توحید از جایگاهی والا در میان اصول اعتقادی دینی برخوردار است به گونه ای که دیگر اصول اعتقادی، به این اصل استوار گشته اند. بنابراین همین حقیقت است که امام علی علیه السلام بر توحید و نیز آثار و پیامدهای اعتقاد به توحید بسی ارج می نهد و از آن بسیار سخن می گوید. در روایتی، آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرماید: "التوحید نصف الدین" (صدوق، التوحید، ص ۲۸) و خود نیز می فرماید: "خداوند در میان اعضای بدن آدمی، مقام زبان را افزون کرده است و قرآن را به توحید گویا نموده است." (مجلسی، بحارالانوار، ص ۱۳) و پاداشی بسیار ارجمند برای یکتاپرستی و ایمان به یگانگی خداوند برشمرده است، چنان که می فرماید: "هیچ بنده مسلمانی زبان به لا اله الا الله نمی گشاید مگر آن که این گفتارش هر سقفی را فرو می شکافد و فرا می رود و... به گناهی از او نمی رسد مگر آن که از میانش بر می دارد و از حرکت باز می ایستد تا سرانجام به همچون خودی رسد و آرام گیرد." (صدوق، همان، ص ۲۱)

در روایتی دیگر حضرت علی علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ثمره اعتقاد به توحید را دخول به بهشت می داند و می فرماید: "من مات لا شرک بالله شیئا احسن او اساء دخل الجنة." (صدوق، همان، ص ۳۰) در جایی دیگر می فرماید: "از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که درباره آیه "هل جزاء الاحسان الا الاحسان" (الرحمن، آیه ۶۰) فرمود: "خداوند عز وجل می فرماید: آن کس را که به توحید گرامی داشتم، جز بهشت پاداشش ندهم." (صدوق، همان، ص ۲۸)

مراد از توحید چیست؟ این پرسش از آن رو اهمیت می یابد که شناخت درست توحید، شرط لازم برای اسلام و ایمان آدمی محسوب می شود. در حقیقت ارزش و آثار توحید نیز بر درک درست از توحید استوار است که برگرفته از اصول مسلم عقلی و

قطعیات کتاب و سنت است. در این قسمت در پرتو گفتار گوهرین علی علیه السلام، معانی مطرح شده درباره توحید را ذکر می کنیم و توحید به معنای یگانگی باری تعالی است. این یگانگی جنبه های مختلفی دارد که مهم ترین آنها توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی است (www.farsi.balaghah.net)

۳-۱-۱- توحید ذاتی

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام توحید ذاتی به معنای نفی شریک، شبیه و جزئی از ذات مقدس ربوبی است. از این رو معانی دیگر توحید اعم از توحید عددی و توحید نوعی درباره خداوند درست نیست. امام علی علیه السلام در روایتی ارزشمند، اقسام معانی واحد را برشمرده و معانی مقبول در این باره را مشخص کرده است.

شریح بن هانی گوید: "در جنگ جمل، مردی اعرابی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: آیا خداوند واحد است؟ اصحاب بر او تاختند و گفتند: اکنون چه جای این پرسش است که علی در حال جنگ است؟! حضرت امیر علیه السلام فرمود: بگذارید بپرسد که جنگ ما نیز بر سر همین است. آن گاه فرمود: یا اعرابی ان القول فی ان الله واحد علی اربعة اقسام: فوجهان منها لا يجوزان علی الله عز وجل و وجهان یثبتان فیه، فاما اللذان لايجوزان علیه، فقول القائل: واحد یقصد به باب الاعداد، فهذا ما لا يجوز، لان ما لاثنی له لا یدخل فی باب الاعداد، اما تری انه کفر من قال: ثالث ثلثه و قول القائل: هو واحد من الناس، یرید به النوع من الجنس، فهذا ما لا يجوز علیه لانه تشبیه، و جل ربنا عن ذلک و تعالی، و اما الوجهان اللذان یثبتان فیه فقول القائل انه عز وجل احدی المعنی، یعنی به انه لا ینقسم فی وجود و لا عقل و لا وهم کذلک ربنا عز وجل." (صدوق، التوحید، ص ۸۳) بنابراین روایت، واحد را چهار معناست: واحد عددی، واحد نوعی، واحد به معنای موجود بی نظیر و واحد به معنای موجود تجزیه ناپذیر. دو معنای اول، درباره خداوند ناروا و دو معنای دیگر روا است. توضیح آنها از حوصله این بحث خارج است.

۳-۱-۲- توحید صفاتی

مراد از توصیف آن است که چنان که باری تعالی در مقام

ذات، یگانه و بی همتا است، در صفات کمالیه خود نیز یگانه و یکتاست و همانند و نظیری برای صفاتش نیست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: "کل عزیز غیره دلیل و کل قوه غیره ضعیف، و کل مالک غیره مملوک و کل عالم غیره متعلم و کل قادر غیر یقدر و یعجز؛ و هر مالکی جز او مملوک است و هر عالمی جز او نوآموز است و هر توانایی جز او گاه توانا و گاه ناتوان است." (نهج البلاغه، خطبه ۸۱) از این روایت استفاده می شود که اوصاف خدای تعالی شخصا ویژه اویند و کسی در آنها با او شریک نیست.

۳-۱-۳- توحید افعالی

مراد از توحید افعالی آن است که در دار محقق هیچ فعلی و انفعالی انجام نمی گیرد مگر این که سلطنت حضرت حق و به مشیت و اراده و اذن اوست. پر واضح است که این امر هیچ گونه منافاتی با اختیاری بودن افعال انسان ندارد. جملائی از امیرالمؤمنین علیه السلام که دلالت بر توحید افعالی می کنند عبارتند از: (فطر الخلاق بقدرته و نشر الريح برحمته). (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۲۲) و نیز مانند: (الحمد لله خالق العباد و ساطع المهاد و مسیل الوهاد). (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲، ص ۵۲)

و مانند: (و لا شریک اعانه علی ابتداع عجائب الامور). (نهج البلاغه، خطبه ۹۰، ص ۲۴۰)

۳-۱-۴- توحید عبادی

امام علی علیه السلام در تفسیر فرازهای اذان می فرماید: "اما قوله اشهد ان لا اله الا الله" کانه یقول: اعلم انه معبود الا الله عز وجل و ان کل معبود باطل سوى الله عز وجل. (صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۹) و در سخنی دیگر یکی از اهداف مهم بعثت پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را سوق دادن مردم به عبادت خدای تعالی دانسته و می فرماید: (فان الله بعث محمدا ص) بالحق لیخرج عباده من عبادة الی عبادة ه) همانا خدای تعالی محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق مبعوث کرد تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خود در آورد. (کلبی، کافی، ص ۳۸۶)

۴. هدف از فرستادن پیامبران

خداوند پس از آفرینش انسان، افزون بر عقل و خرد که پیامبر

درونی است، پیامبرانی فرستاد تا انسان راه رشد و پرورش خویش را دریابد و آفرینش او پوچ و بیهوده نباشد و از طرف دیگر راه عذر و بهانه برگمراهان و معاندان بسته شود، چرا که اگر پیامبری نمی آمد، بر بسیاری راه عذر و بهانه باز بود که:

۱. لا یشمل یحذولا یحسب بعد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶)

۲. کل مسمی بالوحده غیره و قلیل. (نهج البلاغه، خطبه ۶۵)

از این بیان حضرت چنین بر می آید که نخست خداوند حکیم، برای همه امت ها و آبادی ها فرستادگانی گسیل داشته است تا حق را بشنوند و راه بهانه نداشته باشند؛ دوم، خداوند در عالم فطرت با انسان پیمان بسته است که جز او نپرستد و چیز دیگری را به خدایی نگیرد ولی انسان با پا نهادن در عالم مادی دچار محدودیت های مادی و گرفتاری های زندگی شده و از وفای به آن پیمان سر باز زده است. سوم، پروردگار که این پیمان را با بشر بسته است و سایل عمل به آن از قبیل استعداد های بشری، توان شناخت، اندیشه، آزادی و اختیار و اراده و... را به او عطا کرد، ولی این نعمت های خدادای به دلایلی دچار فراموشی می شوند و انبیاء یاد آورنده آنان هستند. (بیستونی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۲۵)

۵. هدف از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

پیامبران راه و روش رشد و کمال را به انسان ها می آموزند و دست آنان را به سان کودکانی گرفته و به طرف مقصد روانه می کنند تا آن گاه که به دوران رشد فکری و عقلی برسند. در این هنگام خداوند حکیم، آخرین معلم و مربی را فرستاده، قوانین آفرینش و وسایل شناخت درست جهان را به انسان ها عنایت می فرماید. حضرت علی علیه السلام درباره بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: "تا آن که خدای سبحان محمد صلی الله علیه و آله وسلم را پیامبری داد تا وعده ای که داده بود به انجام رساند و دور نبوت و پیامبری را به پایان رساند، در حالی که پیمان- معرفی و پذیرش- او از همه پیامبران گرفته شده و نشانه های او در کتاب آنان ذکر شده و... إلى أن بعث الله سبحانه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، لإنجاز عده و إتمام نبوته مأخوذا علی النیین میثاقه، مشهوره سماته..." (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۱۵۵)



۶. روش های تربیت اعتقادی از دیدگاه نهج البلاغه

شیوه های تربیتی از منظر اسلام اهمیت ویژه ای دارد. تربیت آن گاه به بار می نشیند که اصول تربیتی آن در قالب شیوه های صحیحی به اجرا در آید. تربیت اعتقادی که از مهم ترین ساحت های تربیت به شمار می رود نیازمند روش های صحیحی است تا به درستی انتقال پیدا کند. در این قسمت به برخی از روش های تربیتی علی علیه السلام برگرفته از سخنان ایشان می پردازیم.

۶-۱- روش الگویی

یکی از روش های تربیتی، الگوبرداری است که برحسب نیاز فطری انسان و همانندسازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی آغاز می شود. هر چه این الگو مناسب تر و کامل تر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می رساند. (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۵)

از دیدگاه علی (ع) تأسی به اسوه های حسنه، نقش مهمی در رشد و تعالی انسان ها ایفا می کند. (غباری ناب، ۱۳۷۹، ص ۱۵) چنانچه حضرت در این مورد می فرماید: "و اقتدوا بهدی نبیکم فإنه افضل الهدی و استنوا بسنته فانها اهدی السنن؛ به سیرت پیامبر مان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت کننده ترین سنت ها است. (ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۵۸)

انسان به فطرت خود عاشق کمال بوده و از نقص و ناقص بودن بیزار است و همین امر او را به الگو طلبی و الگوپذیری می کشاند. علی علیه السلام در مورد تأسی و اقتدای خویش به حضرت رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: "ولقد كنت أتبعه اتباع الفصيل أثر أمه يرفع لى فى كل يوم من أخلاقه علما و يأمرنى بالاعتداء به." و من در پی او بودم، چنان که کودک در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه ای بر پا می داشت و مرا به پیروی آن می گماشت. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۵) از آنجا که ارائه الگوهای متعالی و قابل پیروی از مهم ترین امور تربیتی است، علی علیه السلام مکرر به این موضوع اشاره کرده و می فرماید: به خاندان پیامبرتان بنگرید، بدان سو که می روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکشان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر

برخاستند، برخیزید. بر ایشان پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه گردید. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۰) از این رو نقش الگوها در سازماندهی رفتار مردم بسیار مؤثر است؛ چرا که می توان صلاح و فساد جوامع را از آن دانست. بی تردید انحراف الگوها موجب انحراف جامعه می گردد.

در این زمینه علی علیه السلام می فرماید: "أیها الناس إنی واللہ ما أسبئکم علی طاعه إلا و أسبئکم إلیها و لا أنهاکم من معصیه إلا و أتناهی قبلکم عنها." ای مردم! به خدا قسم من شما را به طاعتی برنمی انگیزم، جز اینکه خود پیش از شما به گزاردن آن بر می خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز اینکه پیش از شما آن را فرو می گذارم. (مشکینی، ۱۳۶۴، ص ۷۵)

۶-۲- روش موعظه

موعظه در اصل به معنای منعی که با بیم دادن همراه است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹) یکی از شیوه های تربیت و هدایت، موعظه حسنه و تذکر به جا است که نیاز فطری انسان است، چرا که موعظه در انسان حالت بازدارندگی از بدی ها و گرایش به خوبی ها را ایجاد می کند و اگر امر موعظه انجام نشود به غفلت و ضلالت دچار می شود. چنانچه علی علیه السلام می فرماید: "المواعظ صقال النفوس و جلاء القلوب؛ موعظه، جلا دهنده قلب ها و روشنی بخش جان هاست." (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۹)

شیوه علی علیه السلام همه جا، در دوران زمامداریش و خانه نشینی اش، این بود که جاهلان را از راه وعظ و نصیحت و تذکر، هدایت و تربیت می کرد و طاغیان سرکش را از راه مبارزه و تهدید و تنبیه بیدار می ساخت. ایشان در مورد موعظه کردن چنین می فرمود: "إن للقلوب شهوه و إقبالا و إدبارا فأتوها من قبل شهوتها و إقبالها فإن القلب إذا أکره عمى. دل ها را روی کردن و پشت کردنی است، پس دل ها را آن گاه به کار و دارید که بخواهند، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می گردد." (تمیمی آبدی، ۱۴۱۰ق)

علی علیه السلام در این روایت متذکر می شود که بهترین زمان برای موعظه کردن، آمادگی افراد است. و در جای دیگر می فرماید: "الاعتبار یثمر العزمه؛ عبرت گرفتن، حفظ خود از گناه را نتیجه می دهد."

باتوجه به آنچه بیان شد نقش موعظه و عبرت در تربیت بسیار مؤثر بوده و تربیت اعتقادی هم از این امر مستثنی نیست، چرا که ثمره این هدایت گری دوری از خطا و گناه است.

۶-۳- روش محبت

از نیکوترین و اساسی ترین روش های تربیت، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد. پیروی محبت در تربیت، نیرویی برانگیزاننده و تحول آفرین است و اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود، تأثیر شگفت در نزاهت آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد. (www.rasekhin.net)

محبت اساس و رکن دین اسلام است. چرا که دین بر پایه آن به دل ها رسوخ کرده و راسخ می ماند.

هرکه را جامه زعشقی چاک شد

اوز حرص و عجب، کلی پاک شد. (www.masoume.com)

امام علی علیه السلام در امور تربیتی فرزندان از این شیوه استفاده می کردند، چنان که انسان در شیوه تربیتی به نهایت بُعد عاطفی آن حضرت در برابر فرزندان بر می خوریم؛ از جمله آن گاه که به امام حسن مجتبی علیه السلام در بیان وصایای خود چنین خطاب می کند: "فرزندم! تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی؛ آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است پس کار تو را کار خود شمردم و نامه ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی های زندگی رهنمون باشد.

من زنده باشم یا نباشم" (www.journals.sid.ir)

باتوجه به ابراز محبت و عاطفه علی علیه السلام نسبت به امام حسن علیه السلام در می یابیم که کارسازترین روش در تربیت و اصلاح انسان و متصف کردن متربی به صفات نیکوی انسانی، محبت کردن است. در نتیجه طبق فرمایشات و سیره علی علیه السلام، در می یابیم برای تربیت فرزند لازم است ابتدا شفقت و دلسوزی و مهربانی خود را به اثبات رسانیم و در مرحله بعد این شیوه را در سطح گسترده برای افراد جامعه در پیش گیریم، زیرا ایشان در تربیت افراد جامعه، به اصل تألیف قلوب و محبت و مدارا بسیار توجه می کرد و بر اشاعه اهتمام می ورزید و می فرمود: "قلوب الرجال وحشیه فمن تألفها أقبلت علیه؛ دل های

مردم وحشی (پراکنده) است. به کسی روی می آورند که با آنها خوش رویی (محبت و مدارا) کند" (www.Emamsajjad.com) باتوجه به مطالب مذکور معلوم می شود آنچه انسان ها را به هم پیوند می دهد و زمینه تربیت مطلوب را فراهم می سازد، محبت است. از این رو باید بیش از هر روش تربیتی روش محبت مورد توجه مربیان تربیتی قرار گیرد.

۷. امامت در نهج البلاغه

در نهج البلاغه که مسئله وصایت و امامت حضرت و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و ما از میان سخنان فراوان آن حضرت به اندکی بسنده می کنیم. امام علیه السلام در خطبه دوم نهج البلاغه، منزلت اهل بیت علیهم السلام را چنین معرفی می کند:

"هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْنُهُ عِلْمِهِ وَ مَوْئِلُ حُكْمِهِ وَ كَهْوفُ كُتُبِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ، بِهِمْ أَقَامَ انْجِنَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ اِزْتِعَادَ فَرَأِصِهِ. وَ مِنْهَا [فِي الْمُنَافِقِينَ] يَغْنِي قَوْمًا آخَرِي زَرْعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْغُرُورَ وَ حَصَدُوا الثُّبُورَ. لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ يَغْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا، هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ، إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاةُ. الْآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ.

(کجایند کسانی که به دروغ و از روی حسد گمان می کنند که آنان راسخان در علمند نه ما، خداوند ما را بالا برده و آنها را پایین. به ماعنایت کرده و آنها را محروم ساخته است. ما را وارد کرده و آنها را خارج. تنها به وسیله ما هدایت حاصل می شود، و کوری و نادانی برطرف می گردد، امامان از قریش اند، اما نه همه قریش بلکه خصوص یک تیره از بنی هاشم. جامه امامت جز بر تن آنان شایسته نیست و کسی غیر از آنان چنین شایستگی را ندارد).

۸. سخنان حضرت درباره حقانیت خود:

سخنان حضرت درباره حقانیت خود بیش از آن است که در این جا به آن اشاره شود. کافی است به یاد آوریم که آن حضرت در اوائل خلافت ظاهری خود، در خطبه ای چنین فرمود:

"قوالله مازلت مدفوعا عن حقی مستأثرا علی منذ قبض الله نبیه (صلی الله علیه وآله) حتی يوم الناس هذا".

(به خدا سوگند از روزی که خدا جان پیامبر خویش را تحویل گرفت تا امروز همواره حق مسلم من از من سلب شده است.) (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸-۳۴۰)

با توجه به آنچه گفته شد، در نهج البلاغه مسائل اعتقادی به طور گسترده بیان شده است و نیز دیگر مسائل اعتقادی همچون معاد، آفرینش، عدل و... با بیانی شیوا در نهج البلاغه مطرح شده که بیان همه آنها از حوصله این بحث خارج است.

نتیجه گیری

در نهایت با توجه به مباحث مطرح شده در باب ساحت تربیت اعتقادی در نهج البلاغه نتایج ذیل به دست می آید:

- نهج البلاغه از دیدگاه رهبری، مجموعه‌ای از معارف اسلامی و عمده‌ترین مباحث است که برای رشد و تربیت یک جامعه اسلامی لازم است.

- تسریع در تربیت فرزندان از دیدگاه امام علی علیه السلام امری ضروری است که در زمان کودکی این امر آسان‌تر و راحت‌تر انجام می‌پذیرد، زیرا فرزند هنوز قلبی آسمانی و بی‌آلایش دارد. آن‌گاه که هنوز پلیدی‌ها و زنگارها میهمان ناخواسته دل او نگشته است.

- اصل توحید از جایگاه والا در میان اصول اعتقادی دینی برخوردار است. اهمیت والای توحید از این روست که شرط لازم برای اسلام و ایمان آدمی محسوب می‌شود. بنابر گفتار گوهر بار امام علی علیه السلام توحید دارای انواعی می‌باشد، از جمله توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید عبادی.

- خداوند پس از آفرینش انسان، افزون بر عقل و خرد که پیامبر درونی است، پیامبرانی فرستاد تا انسان راه رشد و پرورش خویش را دریابد. زیرا اگر پیامبری نمی‌آمد راه عذر و بهانه بر بسیاری باز بود.

- در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، خداوند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را پیامبری داد تا وعده‌ای که داده بود به انجام رساند و دور نبوت و پیامبری را به پایان رساند.

- تربیت اعتقادی دارای اهمیت فراوانی است که باید با روش‌های مناسب به فرزندان منتقل شود. در

نهج البلاغه حضرت امیر علیه‌السلام روش‌های مؤثری را بیان فرموده است از جمله:

۱. روش الگویی.
۲. روش موعظه
۳. روش. محبت.

- در نهج البلاغه به مسئله وصایت و امامت حضرت و اهل بیت علیهم السلام به طور گسترده پرداخته شده است.

فهرست مطالب

*نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، مکتب آیه المرعشی النجفی.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل رسول، چاپ دوم، قم، نشر جامعه مدرسین.
۳. بیستونی، محمد، ۱۳۹۱، نهج البلاغه جوان، قم، بیان جوان.
۴. بلخی، جلال الدین محمد (مولوی)، ۱۳۷۴، مثنوی معنوی، چاپ دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، قم دارالکتب الاسلامی.
۶. صدوق، التوحید، ۲۴ج
۷. عقیلی، محمدهدی، ۱۳۸۲، نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ سوم، تهران، چاپ و نشرین الملل.
۸. غباری نیاب، باقر، ۱۳۷۹، رفتار بخشایشگرانه در نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۴
۹. قاسمی، کبری، ۱۳۹۳، روش‌های تربیت از دیدگاه نهج البلاغه و صحیفه سجاده، سیزدهمین جشنواره بانوی کرامت.
۱۰. کلینی، کافی، ج ۸.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه‌ی انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸ اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی (ع)-
۱۳. مشکینی، علی مصباح المنیر، ۱۳۶۴، دعای ابوحمزه ثمالی، قم، الهادی.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳، ح ۳۱.
۱۶. مجله گلبرگ فروردین، ۱۳۸۴، شماره ۶.

۱۷. www.rasekhon.net

۱۸. www.farsi.blaghah.net

۱۹. www.Masoume.com

۲۰. www.journals.sid.ir

۲۱- www.Emamsajjad.com

معرفی کتاب انسان کامل

اثر استاد شهید مرتضی مطهری

نویسنده
فریبا حیدری

کتاب «انسان کامل» شامل ۱۳ سخنرانی استاد مرتضی مطهری در سال ۱۳۵۳ است که در ایام ماه مبارک رمضان ایراد شده است. موضوع اصلی کتاب، معرفی انسان نمونه و الگوی تربیتی موردنظر اسلام است که استاد مطهری از آن به عنوان انسان کامل یاد می‌کند...

برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ توسط انتشارات صدرا به چاپ رسید و چاپ سی و هشتم کتاب در سال ۱۳۸۵ در قطع رقعی در ۳۳۰ صفحه توسط همین انتشارات منتشر شده است.

خوب بودن یک کتاب می‌تواند از جهات متفاوتی باشد. برخی از کتاب‌ها به لحاظ محتوا سودمندند و بعضی دیگر دارای گفتار ادبی و فاخر و گونه‌ای دیگر به دلیل سیر منطقی که در چیدمان مطالب رعایت شده است قابل فهم‌تر از سایرین به نظر می‌رسد. بی‌شک یکی از بهترین کتاب‌هایی که خواننده ام کتاب انسان کامل شهید مطهری بوده است.

این کتاب مانند سایر آثار شهید، علاوه بر محتوایی ناب، دارای زبانی گویا و روان است که مفاهیم و معانی بلندی را به ساده‌ترین شکل‌ها بیان می‌کند.

اواسط سال‌های اول دبیرستان بودم که کتاب انسان کامل را به پیشنهاد عزیزی گشودم. انگار که گم‌گشته خود و سوالات متعدد ذهنم را در لابه‌لای برگ‌های این کتاب می‌یافتم. هر قدر که پیش می‌رفتم هم بر شوقم افزوده می‌شد و هم بر حسرتم.

ذوقم از یافتن بود و حسرتم از دیر یافتن و اینکه چرا الان؟

ارزش و خوبی این کتاب قطعا از دایره دید این حقیر وسعت بیشتری دارد. اما آنچه موجب به یاد ماندن و توصیه این جانب به مطالعه این کتاب گرانقدر شده است، بیش از همه ایجاد یک نگاه و زاویه دید جدید و بسیار مهم و موثر در یک فرد است.

نگاه و زاویه‌ای که بسیاری از مردم به خاطر نداشتنش دچار



زحمات زیادی می‌شوند و نه تنها خود، بلکه دیگران را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهند.

این نگاه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش اول: همه جانبه‌نگری. بخش دوم: واقع‌نگری.

در بسیاری از مشکلات چون همه جوانب امر را بررسی نمی‌کنیم یا دید وسیع نداریم راه‌حلی‌هایی درست هم ارائه نمی‌دهیم و گاه به همین واسطه از حق و حقیقت دور می‌مانیم.

از طرفی فقط جامع‌نگری کفایت نمی‌کند و لازم است همه ابعاد یک مساله را بتوانیم به اندازه ببینیم و دریافتن واقعیت و آنچه که هست و اندازه‌ها و مقادارها و صفات آن بودنی‌ها دچار افراط و تفریط نشویم.

این دو بخش دو عنصر بسیار مهم در تفکر یک انسان است که سبب رشد فکری هر چه بیشتر فرد می‌شود و کشف حقیقت را به طرز قابل توجهی میسر می‌سازد.

سخن گفتن در باب این دو محور با ارزش نیاز به شناخت، تعمق و بحث طولانی دارد که در این مجال نمی‌گنجد.

گفتم که الف گفت دگر گفتم هیچ

در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

بهترین اندیشه‌ها را برایتان آرزو مندم.

درود و رحمت بیکران الهی بر آن شهید والا مقام که اندیشه‌اش حتی در نبودش انسان می‌پرورد.

معرفی کتاب من دیگرما

(مهارت های تربیت فرزند در دنیای امروز)

نویسنده
زهرا میرزابابایی



نویسنده: محسن عباسی ولدی
موضوع: والدین و کودک - جنبه های مذهبی - تربیت خانوادگی
تعداد صفحات: ۱۲۴
نوع جلد: جلد ۱
ناشر: آیین فطرت
محل نشر: قم
سال نشر: ۱۳۹۶
تعداد چاپ: ۲۳

خلاصه ای از اثر و ایده مؤلف:

کتاب من دیگر ما بنا دارد به دغدغه های گوناگون در مسئله تربیت فرزند پاسخ دهد با این مبنا که (فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست؛ اما در اندازه کوچکتر) با الهام از نامه سی یکم نهج البلاغه که حضرت علی (ع) به فرزند دلبندهش، امام حسن مجتبی (ع) نوشته است: «تورا جزئی از خود بلکه همه وجود خود دیدم تا به آن جایی که اگر چیزی به تو ضرر برساند، مثل آن است که به من زیان رسانده و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید، به سراغ من آمده. بنابراین اهتمامی را که در اصلاح امور خود می نمایم، درباره تو دارم.»

در این کتاب مؤلف بعد از توجّه والدین به ضرورت یادگیری شیوة تربیت و صرف وقت برای آن هشت مشکل عمده در مسیر تربیت را بررسی کرده است. و در ادامه اشاره به هدف آفرینش از نگاه قرآن و سرمایه تربیت، یعنی فطرت کرده است و در قسمت آخر به نکته بسیار مهمّی به نام (ساز و کار تربیت) پرداخته بدین گونه که آموزه های تربیتی دین، اجزای به هم پیوسته است و برای داشتن تربیت کامل باید با همه این اجزاء آشنا شده و همه این آموزه ها را به کار بست.

این نوشتار با اتکا بر معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام در سه بخش تدوین شده است:

بخش اول: مشکلات پیش روی تربیت در دنیای امروز

بخش دوم: مبانی تربیت دینی

بخش سوم: گزاره های تربیتی

نظر گزارشگر:

۱. شروع خوبی از تربیت و مشکلات تربیتی شده است. اما بسیار وارد مباحث غربی ها که شده، روان شناسی غربی را زیر سؤال برده و از مباحث اصلی تا حدی فارغ شده است و حتی در جاهایی به طور کلی اساس مبانی مادی و غربی گرا را رد کرده اند در حالی که برخی از کتابها و مباحث روانشناسی غربی جای بحث و بررسی و تأمل دارد و در بعضی مباحث می توان از نظرات آنها کمک گرفت هر چند باید عالمانه برخورد کنیم و دقت داشته باشیم که در روانشناسی مادی گرا بعد معنوی و دینی انسان و جهان نادیده گرفته شده است.

۲. مخاطب کتاب، عموم پدران و مادران هستند و این نکته قابل توجهی به نظر می آید. لذا مطالب به گونه ای آمده که همه ی پدران و مادران در هر سطحی از دانش که باشند، می توانند از آن استفاده کنند.

۳. بحث گزاره های تصویری که دارای پیامهای تربیتی مهم و تأثیرگذاری در فرزندان است و بی توجهی به این گزاره ها به شدت کار تربیت را دشوار می کند، مبحث بسیار قابل توجهی است که در این کتاب هم به خوبی به آن پرداخته شده است اما اگر تعداد صفحات بیشتری به آن اختصاص داده می شد و کمی گسترده تر هم با اشاره به داستان واره ها یا مثال های روشن تر بحث می شد، مطمئناً به جذابیت و قابل فهم بودن کتاب می افزود هر چند توجه به همین مقدار هم راه تربیت فرزند را بیش از حدّ تصورمان، هموار می کند.

۴. امتیاز مجموعه کتاب های آقای عباسی هم این است که چون به پرسشهایی در زمینه تربیت پاسخ داده است. تنها مربوط به تربیت فرزند و رابطه والدین با فرزندان نیست، بلکه پاسخ پرسش ها را هر فردی از اقشار جامعه می تواند در زمینه اجتماعی و فرهنگی و زندگی جمعی هم به کار گیرد. به عنوان نمونه نوع رفتار یک دانش پژوه با استاد یا با همکلاسی یا هم واحدی خودش یا همکار با مسوولین و دیگر همکارانش. بدون شک یادگیری نکات تربیتی و عمل به آن، از چالش ها و رفتارهای استرس زا که روزانه بسیاری را درگیر می کند، می کاهد.

در گفتگو با خانم جمشیدی مطرح شد:

نیاز جامعه‌ی امروز، حضور طلابی هدفمند، امیدوار، با نشاط، دردمند، باتقوا، زمانشناس و کارآمد است

تظیم:
مریم کلایی

اشاره:

میهمان این شماره نشریه، خانم رقیه جمشیدی از طلاب سطح چهار مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) هستند. ایشان که در خانواده‌ای مذهبی متولد شده، تحصیلات اولیه را در شهرستان گرمی، از توابع استان اردبیل با موفقیت به پایان رسانده و در دانشگاه، در رشته اقتصاد تحصیل کردند. به دلیل علاقه به علوم حوزوی، وارد حوزه شده و ضمن تحصیل در پایه چهارم سطح دو، در سال ۸۹ در المپیاد علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران در رشته فقه و اصول مقام سوم کشوری و در پایه پنجم، مقام اول کشوری را کسب کردند. برای تحصیل در سطح سه، به قم آمده و در رشته مدرسی ادبیات عرب در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) مشغول تحصیل شدند. در سال ۹۶ در دومین جشنواره علمی اساتید، در گرایش فقه، حائز مقام اول کشوری شدند. در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در سطح چهار در رشته فقه خانواده، تدریس در سطح سه را عهده دارند.

با این طلبه موفق گفتگویی انجام دادیم که در ادامه تقدیمتان می شود.

۱. در آغاز گفتگو، از چگونگی آشنایی با مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) برای خوانندگان بفرمایید که چه شد که این مرکز را برای ادامه تحصیل برگزیدید؟

از طریق مدرسه علمیه حضرت ولیعصر (عج)، که در آنجا مشغول به تدریس بودم، با این مرکز آشنا شده و با علاقه ای که به ادامه تحصیلات حوزه و مکتب امام زمان (عج) داشتم، وارد مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) شدم.

۲. با توجه به وضعیت کنونی و همه گیری بیماری کرونا، روند تدریس و تحصیل متفاوت شده است. در این دوران، تدریس و یا تحصیل داشته اید؟ تجربه آموزش از راه دور چگونه است؟

در این دوران کرونایی (به قول رهبری، ویروس منحوس کرونا) هم تدریس و هم تحصیل داشته ام.

آموزش از راه دور هرچند جای آموزش حضوری و کسب فیض از محضر اساتید معزز را نمی گیرد، ولی به دلیل اینکه به لطف الهی همچنان به تحصیل پرداخته و از کسب علم بی بهره نماندیم، تجربه خوبی بود.

با توجه به اینکه خواهران وظیفه خطیری در قبال خانواده و همسر دارند و امکان دارد آموزش حضوری موجب شود که نتوانند به نحو احسن از پس این مسئولیت بر آیند، لذا برای رفع این مشکلات، آموزش از راه دور که در این دوران کرونایی آن را تجربه کردیم در پاره ای از مواقع می تواند سودمند باشد.

۳. به نظر حضرتعالی، معایب و فواید اینگونه تحصیل در چیست؟

معایبش این است که در آموزش از راه دور از محضر حضوری اساتید و تأثیر انفس روحانی و معنوی آنها بی بهره و بی نصیب می مانیم و امکان ارتباط دو طرفه در این کلاس ها کمتر است و بیشتر به صورت منبری است تا کلاسی.

فوایدش این است که ضمن حضور در کنار خانواده، از تحصیل علم باز نمانیم. در این نوع آموزش نیاز به تلاش بیشتر از جانب طلاب احساس می شود و این موجب پیشرفت علمی آنها می گردد و نیز یک تجربه است که در موقعیت های مشابه بتوانیم همچنان به تحصیل پرداخته و از پس چنین مشکلاتی برآیم.

۴. به نظر شما، چگونه می توان حوزه ای ایده آل داشت که در عصر حاضر بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؟

در صورتی می توان حوزه ای ایده آل داشت که طلاب از آلوده شدن نفس خود به هوا و هوس صیانت کنند و هوای نفسشان ذلیل تقوای آنها باشد. همچنین از اصول و فروع دین حفاظت کنند و تسلیم محض اوامر خداوند باشد و بار جامعه اسلامی را بی منت بر دوش کشند. طلاب باید هر چه در توان دارند، در نشر دین به کار بندند. این در صورتی است که طلبه وقف دین خدا شود و با تمام وجود به میدان بیاید.

۵. چه راهکاری برای توانمند شدن بانوان حوزوی در



زمینه همسرداری و تربیت فرزند پیشنهاد می کنید؟

هیچ تخصصی برای یک زن بالاتر از نقش همسری و مادری او در بستر خانواده نیست. قطعاً یکی از برنامه های حوزه علمیه خواهران بایستی فراهم کردن بستر مناسب برای تحقق این امر از راه برگزاری دوره ها و از طریق نرم افزارها و محصولات فرهنگی برای بانوان طلبه باشد.

۶. به نظر حضرتعالی، آیا می توان علوم حوزوی را به صورتی کاربردی در زندگی روزمره عادی پیاده کرد؟ اگر بله چگونه و اگر نه در این زمینه پیشنهادی دارید؟

بله، کاربردی کردن آموزه های دینی امری ضروری است. اگر آنچه را که از مسایل دینی و اخلاقی می آموزیم، در زندگی خود به کار بندیم، می توانیم متخلق به اخلاق دینی باشیم و نمونه انسانی کامل گردیم و با تأثیر بر دیگران، آنها را هم در این مسیر هدایت کنیم.

۷. به عنوان یکی از دانش آموختگان موفق و فعال این مرکز، چه توصیه ای برای دانش آموختگان مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) که به عنوان مدرس در حوزه های خواهران مشغول تدریس هستند، دارید؟

امروزه ما به طلابی هدفمند، امیدوار، با نشاط، دردمند، باتقوا، آشنا با قرآن و حدیث، زمان شناس، کارآمد و توانمند در عرصه قلم و بیان نیازمندیم. برای تربیت چنین طلابی باید توجه جدی به معنویت و تهذیب داشته باشیم و انگیزه و شور

و نشاط طلبگی را در طلاب تقویت کنیم و حتی در بخش آموزش نیز باید دغدغه‌های اخلاقی و تربیتی داشته باشیم.

اساتید حوزه باید الگوی اخلاق باشند و انگیزه تربیتی داشته باشند تا طلاب را به تحرک وادارند.

۸. چه انتظاری از مسئولین برنامه ریزی در مرکز مدیریت حوزه های خواهران دارید؟

برنامه‌ریزان نقشی خطیر برای تربیت طلاب مدافع فرهنگ تشیع به عهده دارند، لذا باید با برنامه ریزی دقیق سرفصل‌هایی را انتخاب کنند که بیشتر برای خواهران ضروری است و جنسیت را در این برنامه ریزی‌ها لحاظ کنند.

۹. به نظر شما چه آسیب‌هایی در حال حاضر دامنگیر طلاب و استادان است؟

طلبه که باید نمونه انسان کامل والگوی اخلاق حسنه باشد، در مواردی خود را چنان به ظواهر تحصیل و نمره مشغول می‌کند که از حقیقت آن باز می‌ماند و در مرحله عمل راه به جایی نمی‌برد؛ بلکه عملش بر خلاف آموخته‌هایش می‌شود.

یکی از آسیب‌هایی که وجود دارد، کاهش انگیزه‌های تحصیلی در بین طلاب است؛ در حالی که می‌دانیم اگر انگیزه نباشد، طلبه تمایلی به تحصیل نخواهد داشت.

آسیب دیگر رواج نمره گرایی در بین طلاب بخصوص طلاب خواهر است، بیشتر از اینکه دنبال فهم مطلب و تعمق در آن باشند، به فکر نمره‌ی بالا هستند.



یکی از آسیب‌ها هم این است که کمتر به دنبال پژوهش و یافته‌های جدید هستند.

۱۱. به نظر شما آیا حوزه های علمیه می‌توانند در کاهش آسیب های اجتماعی اثر گذار باشند؟

در صورتی که جریان دینی فعال باشد، می‌تواند به فرهنگ منحن دنیا حمله کند. در این صورت اگر معضل اجتماعی و یا سیاسی و یا فرهنگی پیش بیاید، حوزه در جایگاه رفیع خود با کمترین هزینه حل می‌کند.

اگر حضور روحانیت در بخش‌های مختلف مانند دانشگاه‌ها، صدا و سیما، نیروهای مسلح و مراکز فرهنگی ساز و کار بهتر و مناسب‌تری پیدا کند، بدون شک در زندگی عمومی مردم نیز تاثیر بسیاری خواهد داشت و می‌تواند باورهای دینی را به مردم القاء کند.

۱۲. حضور بانوان طلبه را در فعالیت های جهادی در زمان وقوع بحران های اجتماعی و طبیعی را چگونه می‌بینید؟

حضور بانوان طلبه در چنین فعالیت‌هایی بسیار بجا و مناسب است و این حضور لازم است تا طلبه خود را تافته جدا بافته از مردم نشان ندهد بلکه همیشه و در هر موقعیتی در کنار مردم باشد و به عنوان جزئی از مردم اعمال وظیفه کند. چنین احساس مسئولیتی باعث می‌شود که با حضور در بین مردم بتواند رسالت تبلیغ عملی خود را به نحو احسن انجام دهد.

۱۳. از خاطرات شیرین خود هم در ایامی که در تربیت مدرس مشغول تحصیل بودید، برای خوانندگان بفرمایید.

تحصیل در جوار حرم حضرت معصومه سلام الله علیها تمام لحظاته‌اش برای انسان خاطره‌ی شیرین است و باید قدر چنین لحظات و توفیقی را که شامل حالمان شده است، بدانیم. شیرین‌ترین خاطره برای من، رفتن به دعای کمیل و شرکت در جامعه کبیره بود که در هیچ کجا نمی‌توانیم نظیرش را پیدا کنیم.

۱۴. خانم جمشیدی عزیز، مطلع شدیم که متأسفانه، یکی از طلاب بسیار خوب و عقیقه‌ی این مرکز، سرکار خانم عسکریان، طی حادثه‌ای به رحمت خدا رفتند که از هم دوره‌ای‌های شما در مقطع سطح سه بودند، برای خوانندگان نشریه، مطالبی از شخصیت و سلوک و شیوه زندگی و از خاطراتی که با هم داشتید بفرمایید.

مرحوم خانم عسکریان بسیار مهربان و دلسوز و با محبت بودند و به فکر همه دوستان بودند. معمولاً در مواقعی که در تربیت مدرس در کاری نیاز به کمک بود، بدون اینکه دیگران متوجه شوند، خالصانه و بی‌ریا همکاری می‌کردند. آن مرحومه همیشه سعی می‌کردند از فرصتهایشان نهایت استفاده را ببرند.

از جمله خاطراتی که از ایشان دارم این بود که یک بار باقلای شور درست کرده بودند تا با دوستان در خوابگاه بخورند. پنجشنبه شب بود و قصد داشتیم برای دعای کمیل به حرم حضرت معصومه (س) برویم. چون همسر من هم در قم بود، می‌خواستیم با ایشان به حرم بروم. مرحوم خانم عسکریان به ظرف از باقلای پخته شده را پر کرد که برای همسرم ببرم. ظاهراً داخل ظرف کمی از آب باقلا را هم ریخته بودند تا خشک نباشد. من

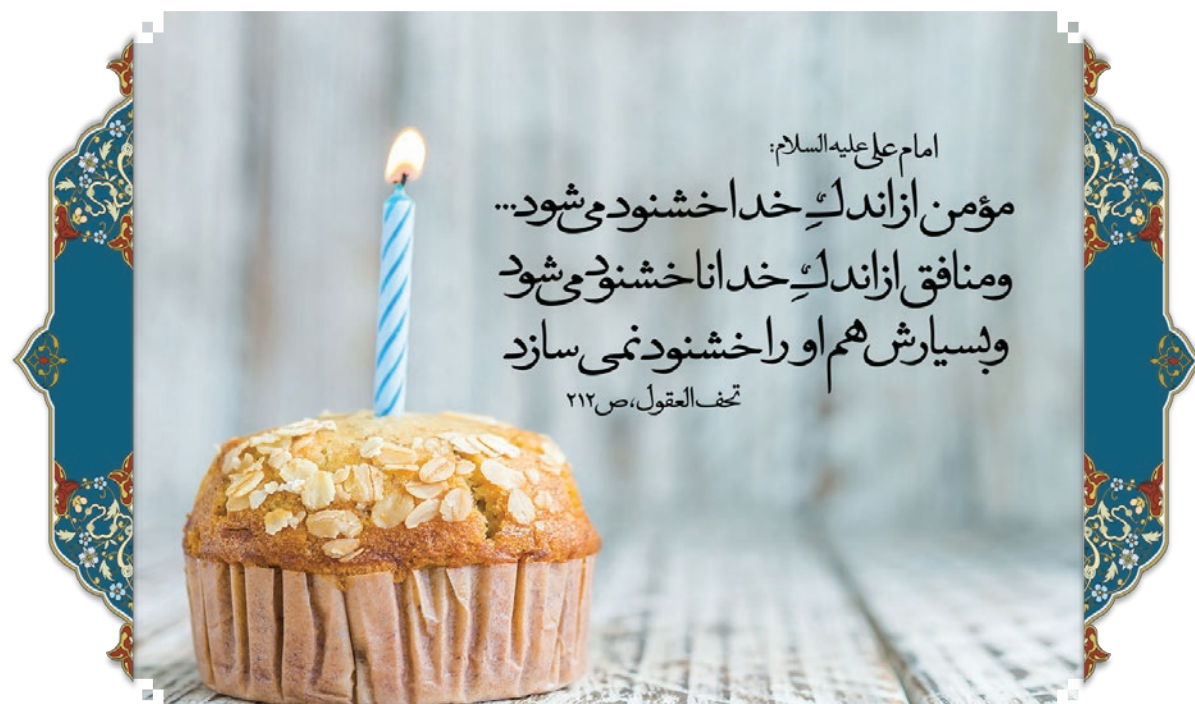


مرحومه خانم عسکریان، از طلاب گرایش ادبیات عرب سال ۱۳۹۰

هم به تصور اینکه بدون آب است، ظرف را به سرعت داخل کیفم گذاشتم و راهی شدم... خلاصه هر چیزی که داخل کیفم بود، از شناسنامه و دفترچه و... با آب باقلا خیس شده و به اصطلاح باقلایی شده بود. برای شادی روحش صلوات

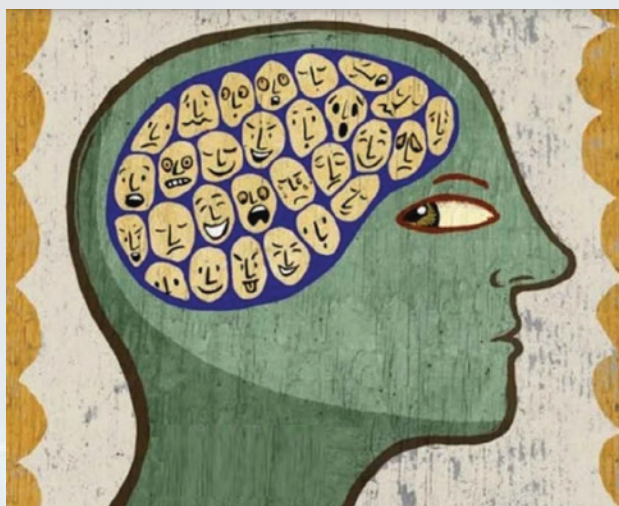
باسپاس از فرصتی که در اختیار نشریه گذاشتید.

بنده نیز از فرصتی که در اختیارم گذاشتید سپاسگزارم و از خداوند برای شما توفیقات روز افزون مسئلت می‌کنم. بر خودم لازم می‌دانم که از اساتید بزرگوار و پدر و مادر و همسر عزیزم حجت الاسلام علی محمدی نیا که در تمام دوران تحصیل یاور و پشتیبان بنده بودند و در این مسیر مرارت‌های زیاد متحمل شده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم.



نگاهی به وسواس و راه های درمان آن

گردآوری: فاطمه چهره‌قانی



خود را کنار گذاشته و متعبد به دستورات شرعی شود و تا یقین به نجاست چیزی پیدا نکرده آن را آب نکشد. لازم به ذکر است در اینجا یقین صددرصدی ملاک است یعنی احتمال ۹۹/۵ درصد نجاست هم مکفی نیست. حتی برخی مراجع به صراحت گفته اند فرد وسواسی به یقین صددرصد خود هم نباید اعتنا نماید.

یکی از عواملی که شخص وسواسی را به عمل بر طبق وسوسه فرا می‌خواند، ترس او از باطل بودن عمل است و این که او ممکن است مستحق عذاب شود، در حالی که این چنین نیست و مخالفت با وسوسه و بی‌اعتنایی به آن، ابدا هیچ گناهی ندارد؛ هرچند عمل فرد در واقع صحیح نبوده و باطل باشد، بلکه او در پیشگاه پروردگارش معذور است. مثلاً زمانی که فرد، شک در پاکی بدنش داشت و بنا بر پاکی گذارد و وضو گرفت و نماز خواند، ولی در علم خداوند متعال، بدنش نجس بود و وضو و نمازش باطل بود، در پیشگاه الهی مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا او با اعتنا نکردن به وسواس بر طبق وظیفه شرعی خویش رفتار نموده است و فتوای فقیه، حجت برای مکلف است. یعنی اگر مکلف طبق فتوای فقیه عمل کند و این عمل در علم الهی مخالف با واقع باشد، فرد بر آن عذاب و سرزنش نخواهد شد.

– نجاست عقلی نیست، یعنی که این که تا وقتی نجاستی را به چشم ندیده، نمی‌تواند با قاعده های عقلی خود حکم نجاست بر آن بار کند. به عنوان مثال بچه‌ای که با کفش از دستشویی با دمپایی خیس به داخل خانه آمده است، نمی‌توان گفت کفش او نجس است، هر چند داخل دستشویی رفته است.

در فقه کسانی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند، در اصطلاح وسواسی گفته می‌شوند.

در مورد ریشه و سبب این بیماری مطالب بسیاری ذکر شده که اهم آنها عبارتند از وراثت، شخصیت زیر ساز یا الحاقی، وضع هوشی، عوامل اجتماعی، عوامل خانوادگی، عوامل اتفاقی، رقابت‌ها، منع‌ها و... می‌باشد. همچنین برخی عوامل مانند بالابودن سودا که طبع سرد هم نامیده می‌شود، و نیز کم خونی، افسردگی و عوامل وراثتی هم می‌توانند از دلایل ابتلا به وسواس باشند.

یکی از علل وسواس این است که وقتی افراد در معرض وسواس، با ابعاد مختلف یک حکم آشنا می‌شوند، به دلیل دقت زیادی که دارند، نگران شده و به مسائل با وسعت بیشتری از آنچه خواسته شده می‌پردازند و همین باعث وسواس آن‌ها می‌شود. متأسفانه این مورد در طلبه‌هایی که با فقه آشنا می‌شوند، زیاد دیده می‌شود.

از علل دیگر آن پاسخ احتیاطی برخی از کارشناسان پاسخگو به این افراد و استفاده از عباراتی مثل «احتیاطاً آب بکش» یا «چنانچه یقین داری نجس شده آب بکش» و این در حالی است که آنها به سرعت یقین به نجاست می‌کنند، ولی یقین به طهارت نمی‌کنند و همچنین پاسخگویی نادرست افرادی که در زمینه احکام تخصص ندارند، موجب ایجاد یا تشدید وسواس این افراد می‌گردد.

راه های درمان وسواس:

برای درمان وسواس راه‌های مختلفی ذکر شده است، ولی آگاهی به برخی از مسائل فقهی می‌تواند از این بیماری جلوگیری کند از جمله:

– از نظر شرعی همه اشیاء محکوم به طهارت هستند مگر مواردی که شارع حکم به نجاست آنها کرده است. در حالی که فرد وسواسی درست بر عکس عمل می‌نماید، یعنی همه چیز را نجس می‌داند مگر چیزی را که یقین به طهارت آن کند.

برای رهایی از وسواس باید مکلف، ذوق و سلیقه شخصی

مقدمه: احکام شریعت با رعایت سهولت و برای هدایت دینداران آمده است، ولی متأسفانه برخی با فهم نادرست از احکام، آن را چنان سخت و دشوار پنداشته‌اند که مبتلا به وسواس شده و در نتیجه عمل به دین را چیزی جز رنج و مشقت نمی‌بینند و نسبت به دین اسلام و احکام آن بدبین شده و تا جایی پیش می‌روند که آرزو می‌کنند کاش مسلمان نبودیم تا مجبور شویم به احکام عمل نماییم! آرامش و نشاط از زندگی این افراد رخت بسته و دچار خسران دنیوی و اخروی می‌شوند.

انواع وسواس:

معمولاً وسواس به دو صورت فکری و عملی دیده می‌شود؛

وسواس فکری:

میل‌های ناگهانی، فکرها و تصورات بی‌معنی و گاه تنفرانگیزی هستند که ناخودآگاه به ذهن شخص وارد می‌شوند و او می‌کوشد آنها را از ذهن خود خارج کند. برای مثال ممکن است افکار کفرآمیزی به ذهن فرد مؤمنی خطور کند که به هیچ وجه علاقه‌ای به آنها نداشته باشد و از آمدن چنان فکر و خطور کفرآمیزی به شدت ناراحت شود، یا مادری که فرزند خود را بسیار دوست دارد، دچار این نگرانی می‌شود که نکند ناگهان فرزند خود را از پنجره پرتاب کند و نمونه‌های فراوان از این نوع وسواس فکری.^۱

۲) وسواس عملی (فکری – عملی یا بی‌اختیاری) (به طور خلاصه OCD)

نوعی اضطراب است که در انواع مختلف و با شدت‌های متفاوت روی می‌دهد. این اختلال به صورت افکار تکرار شونده، مزاحم و ناخواسته‌ای تعریف می‌شود که وسواس فکری خوانده می‌شود و اغلب این فکرها درباره موضوع‌های ترسناکی هستند که بیرون راندن آنها از ذهن بسیار دشوار است. این افکار با اعمال بدنی و ذهنی همراه می‌شوند که هدف آنها کاهش ناراحتی و احساس‌های اضطراب آور هستند. از آن جهت این اعمال، بی‌اختیاری یا وسواس عملی خوانده می‌شوند که افراد مبتلا، مجبور به انجام آنها هستند تا اضطراب خود را تسکین دهند.^۲

۱. حیدری نراقی، علی محمد، وسواس شناخت و راههای درمان، ص ۷۱

۲. اردن، جان، دالکوسو، دانیل، مترجم: جان بزرگی، مسعود، آگاه هریس مؤگان، کتاب کار درمان وسواس، ص ۱۲.



نور روز موصل

از خاطرات آزاده سرافراز،
حاج حسن نوری



قسمت چهارم:

مسئولین آسایشگاه ها با هماهنگی قبلی پیش فرمانده اردوگاه می رفتند تا او را در جریان عید نوروز ایرانی قرار دهند و برای دید و بازدید اجازه بگیرند تا سربازان اردوگاه به تجمع و دید و بازدید گیر ندهند و ماجرای آقای احمد رضایی یزدی و محمد علی شاکر دوباره اتفاق نیفتد.

فکر می کنم عید نوروز سال ۶۴ بود که لحظه تحویل سال حدود ساعت هشت شب بود. اولین نفراتی که در این لحظه روی همدیگر را بوسیدند، این دو نفر بودند. محمد گاوی سرباز خشن عراقی، از پشت میله ها آن دورا صدا کرد و گفت روبروی هم بایستند. بعد که کاملاً روبروی هم ایستادند، دستور داد که با سیلی به صورت هم بزنند که چرا صورت هم را بوسیده اند. آنها امتناع کردند و مسئول آسایشگاه خیلی تلاش کرد که سرباز عراقی را که با عصبانیت و فریاد همه را میخکوب کرده بود، قانع کند که این لحظه، لحظه تحویل سال در ایران است. اما محمد گاوی آنها را مجبور کرد که بناگوش هم را با سیلی بنوازند. محمد علی شاکر، برادر زن احمد رضایی (سیدی) بود و این دو با هم اسیر شده بودند. به این موضوع از این زاویه هم که نگاه می کردی، دردناکتر می شد. ساعت های اول نوروز در کام همه تلخ شده بود، تا اینکه احمد رضایی با طبع شاعرانه اش شعر طنزی سرود و همه را به وجد آورد و شادی به جمع دوستان برگشت.

مسئولین آسایشگاه از بیم تکرار این مسائل باید همه چیز را با ملازم، کریم بعثی هماهنگ می کردند، با تمام جزئیات.

بعد هماهنگی دو سه روزی عراقی ها سرپرمان نمی گذاشتند تا دید و بازدید را انجام دهیم.

بعد از هر بازدیدی مسئولین آسایشگاه ها لحظاتی برای جمع صحبت می کردند و دعای ثابت این مجالس این بود:

امیدواریم هر چه زودتر اسارت تمام شود و این مجالس را با آزادی در ایران برگزار نماییم

ادامه دارد....

(برگرفته از کتاب سه هزار روز در اسارت: اردوگاه های الانبار، موصل (۱))



ایجاد وسواس می شود را کنترل می کند.

ورزش های سبک و استقامتی (هوازی)، ورزش های مناسب برای جلوگیری از بیماری وسواس است. این ورزش ها برای تاثیرگذاری باید استمرار داشته باشند و حداقل به مدت ۳۰ دقیقه در روز باشد.

مهمترین اثر ورزش این است که اراده فرد قوی شده و قدرت بی اعتنایی را پیدا می کند. به عنوان مثال فردی که در غسل کردن وسواس دارد و قادر به بیرون آمدن از زیر آب نیست علم دارد که این کار او غلط و وسواس است ولی توانایی عمل و بی اعتنایی به آن را ندارد که با ورزش کردن این قدرت را پیدا می کند. ذکر این نکته لازم است که پیاده روی و فعالیت های دیگر هر چند مفید هستند ولی جایگزین ورزش نیستند و اثر آن را برای درمان ندارند.

در نهایت باید توجه داشت که آنچه از ما خواسته شده، تعبد و بندگی خداست و این به معنای این است که به آنچه شرع از ما خواسته عمل نماییم نه آنچه به دل ما می چسبد؛ که اگر چنین کردیم نه تنها مستحق پاداش نیستیم، بلکه باید پاسخگویی اعمال و آثار آن از جمله اسراف، حق الناس و ... باشیم.

برای روشن شدن مطلب یک نمونه عملی از عمل امام خمینی (ره) که مرجع تقلید بودند، خدمتتان ارائه می گردد: ایشان قائل به طهارت اهل کتاب نیستند، با این حال وقتی درنوفل لوشاتو خانه ای کرایه کردند که قبل از ایشان فردی از اهل کتاب آنجا زندگی می کرد. بعد از ورود به خانه یکی از همراهان ایشان می خواست دمپایی سرویس بهداشتی و حمام را بشوید چون قطعاً و توسط فرد قبلی استفاده شده بود. امام اجازه نداند و فرمودند لازم نیست.

- یکی از راه های بسیار مؤثر برای درمان بسیاری از بیماری های روحی و جسمی، ورزش به مدت نیم ساعت در روز است. ورزش علاوه بر این که یکی از ابزار ارزشمند سلامتی است، رابطه نزدیکی هم با سلامت روانی و از جمله بیماری وسواس دارد. از آنجا که منشأ بروز وسواس، اضطراب و افسردگی است، با ورزش و فعالیت می توان از بروز آن جلوگیری کرد. ورزش باعث افزایش اعتماد به نفس و خود باوری فرد می شود و سبب آزاد شدن انرژی های اندوخته در سنین کودکی و نوجوانی می شود که فرد از این طریق احساس لذت و آرامش می کند.

علاوه بر این، ورزش باعث ترشح هورمون هایی در بدن فرد می شود که ویژگی ها و ناهنجاری های ذهنی فرد را که منجر به



اخبار معاونت ها

تنظیم
مریم کلایی

اخبار معاونت فرهنگی

برگزاری دوره از خود آگاهی تا خودسازی به صورت مجازی در کانال معاونت فرهنگی مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س)



مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) با اشاره به ضرورت برگزاری این دوره گفت: با توجه به شرایط کنونی و رشد و گسترش فزاینده تکنولوژی در عرصه ارتباطات، و نیز ایجاد فرصت ها و تهدید هایی در این عرصه برای کاربران، هدف ما راه اندازی کانال فرهنگی با رویکرد اخلاقی و تربیتی است. بنا است تا مطالبی با موضوعات روانشناسی با هدف شناخت بهتر خود، در راستای خودسازی و تزکیه که از مهمترین رسالت های یک طلبه است، به صورت صوت و نوشته در اختیار اعضای محترم قرار گیرد.

خانم طالبی تصریح کرد: موضوعاتی همچون: خودشناسی، من ارزشمند، هویت زنانگی، شخصیت خود را بهتر بشناسیم، بلوغ عاطفی، رهایی از تنهایی، درمان خودشیفتگی، و موضوعاتی که در عرصه اخلاق و تربیت مهم هستند، در این دوره بیان و تمریناتی در این باره گذاشته می شود. همچنین همراه با ارائه این موضوعات که خانم دکتر شاه سیاه مطرح می کنند، مباحث تطبیقی با آموزه های دینی نیز مطرح خواهیم کرد تا مباحث کامل و کاربردی باشند. این مباحث فعلا در شصت جلسه تبیین و تعریف شده است و ادامه آن منوط به استقبال مخاطبان و بازخوردهایی که می دهند، است.

برگزاری مراسم عزاداری آخرین روز ماه صفر در مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)

همزمان با فرارسیدن ایام اندوه بار آخرین روزهای ماه صفر، مجلس سوگواری شهادت پیامبر ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص)، سبط اکبر امام حسن مجتبی(ع) و هشتمین پیشوای شیعیان امام علی ابن موسی الرضا(ع) با حضور مدیر و کادر مرکز تربیت مدرس برگزار شد.



در این مراسم با پخش مداحی و نوحه خوانی، ایام عزای اهل بیت عصمت و طهارت(ع) گرامی داشته و شهادت این معصومان(ع) به پیشگاه مقدس امام عصر(عج) تسلیت عرض شد. همچنین این مراسم، همراه با بزرگداشت شهدای تازه تفص شده خاتومان و مرحوم دکتر علیپور، از اساتید مرکز تربیت مدرس که بر اثر بیماری کرونا دار فانی را وداع گفتند، بود. در پایان مراسم همه حضار میهمان سفره کریمانه امام حسن مجتبی(ع) بودند.

پیام تسلیت مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) به مناسبت ارتحال دکتر ابراهیم علیپور

انالله وانا الیه راجعون
ارتحال استاد گرامی جنای آقای دکتر علیپور، بر طالبان علم تسلیت باد. استادی که با تخلق به تواضع، خوش خلقی و همدلی، فلسفه اخلاق آموخت و با فعالیت علمی خستگی ناپذیرش، مقام علم و دانش را پاس داشت و رفتنش فنا و ناپایداری دنیا را ملموس کرد و ثابت کرد بقاء، مختص ذات باری تعالی است. زمان پر کشیدن او که در روز اربعین حسینی بود، نشانگر محبت او به اهل بیت(ع) و اوج عزای او همراه با عزاداری غریب کربلا رنگ و بوی حسینی پیدا کرد که چه زیبا مزد محبت را دادند. با تمام این معانی اما ناباورانه ما را در سوگ خود نشانند.
روحش شاد و راهش مستدام باد.

آشنایی با فوت و فن پخت خورش

قلیه ماهی

طعم خوش ماهی و سبزی

بهاره جزایری



طبق رسم همیشگی، در بخش بانوکرده به معرفی یکی از غذاهای خوشمزه و محلی یکی از شهرهای کشور عزیزمان می پردازیم. در این شماره، خانم بهاره جزایری، از طلاب عزیز شهر آبادان، طرز تهیه خورش قلیه ماهی را فرستادند که تقدیم شما خوانندگان محترم می شود. قلیه ماهی را می توان در وعده ناز یا شام سرو کرد. همچنین می توان در ماه رمضان به عنوان افطار میل کرد. امیدواریم که آن را بپزید و در کنار خانواده گرمای میل نمایید.



طرز تهیه خورش قلیه ماهی

سبزی را پاک کرده، سپس شسته و در آبکش می ریزیم تا آب آن برود؛ بعد آنرا ریز خرد می کنیم. پیاز را خرد کرده با روغن سرخ می کنیم تا طلایی شود. سیر را می کوبیم و با پیاز مخلوط می کنیم.

سبزی را نیز به آن اضافه می کنیم و اجازه می دهیم آب آن تبخیر و کمی سرخ شود. ماهی را تکه کرده با یک استکان آب و کمی نمک روی اجاق قرار می دهیم تا در حرارت ملایم بپزد.

پوست آن را می گیریم و به قطعات درشت خرد کرده در سبزی می ریزیم. تمبر هندی را با نصف لیوان آب جوش مخلوط می کنیم و در پارچه نازکی ریخته و شیره آن را می گیریم و آن را به سبزی و ماهی اضافه می کنیم؛ زردچوبه و کمی نمک به آن زده و مخلوط می نماییم.

تمام مواد را همراه با یکدیگر، کمی سرخ می کنیم؛ ۲ تا ۳ لیوان آب در آن ریخته و در حرارت ملایم قرار می دهیم تا خورش آهسته بجوشد و جا بیفتد. در اواخر طبخ ترشی و نمک آن را اندازه می کنیم.

نکات تکمیلی در مورد قلیه ماهی

قلیه ماهی جزو غذای محلی جنوب کشور مان است.

زمان آماده سازی مواد اولیه و مایحتاج آن حدودا یک ساعت و زمان پخت و انتظار آن در حدود ۳۰ دقیقه است.

مقدار مواد لازم برای ۶ نفر:

ماهی: ۲ کیلوگرم (از نوع ماهی های شیر، سنگ سر، هامور یا شوریده)
پیاز متوسط: ۳ تا ۴ عدد
گشنیز: ۱ کیلوگرم
شنبلیله: ۲۵۰ گرم
تمبر هندی: ۲۰۰ گرم
زردچوبه: ۲ قاشق مرباخوری
فلفل قرمز کوبیده شده: به مقدار کم (به نسبتی که میل داریم غذا تند باشد).
سیر: ۱ بوته
روغن: ۲۰۰ گرم

برگزاری جلسات برخط مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) با دانش پژوهان سطح سه و سطح چهار

جلسات برخط مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) با دانش پژوهان سطح سه و چهار به صورت مجزا در پیام رسان ایثا برگزار شد.

در این گفتگوها، خانم طالبی با اشاره به انتقال مدیریت استان به خوابگاه مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) تصریح کرد: جریان انتقال مدیریت استان به مکان سابق خوابگاه مرکز تربیت مدرس، به جهت صرفه جویی در بیت المال و هدرنرفتن ظرفیت بوده که امیدواریم هرچه زودتر شاهد حضور گرم طلاب در این مرکز باشیم.

شایان ذکر است در این گفت وگوهای برخط، طلاب مشکلات خود در زمینه آموزش آنلاین و سامانه مدرس، کمیسیون بررسی موضوعات پایان نامه، خوابگاه و... را مطرح کرده و خانم طالبی نیز پاسخ های خود را ارائه کردند.



بازدید معاون آموزش حوزه های علمیه خواهران کشور از مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)

معاون آموزش حوزه های علمیه خواهران کشور، حجت الاسلام والمسلمین آقای فاضل به همراه خانم ها غروی، صدر شیرازی و افشار روز چهارشنبه ۱۸ تیر ماه ضمن حضور در مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)، با مدیر و معاونان این مرکز جلسه ای ترتیب دادند.

در این جلسه، مدیر مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س)، مختصری در مورد اهداف تربیت مدرس، با اهتمام ویژه بر تربیت مدرسان موثر، در سه عرصه آموزشی، پژوهش و فرهنگی توضیحاتی ارائه داد. سپس معاونان فرهنگی و پژوهش این مرکز، گزارشی از فعالیت ها و مطالبات خود را بیان کردند.

در ادامه معاون آموزش مرکز تربیت مدرس، خانم حسینی، طی گزارشی در دو محور امور آموزشی و طرح و برنامه های مجموعه، مطالب خود را مطابق با پیوست ها ارائه کرد. از جمله درخواست های این معاونت؛ ضرورت بازنگری تخصصی سرفصل ها در راستای بهینه سازی کیفی آموزشی و تامین رویکرد مدرس و پژوهش محوری و ارائه برنامه کاربردی برای اشراپ امور پژوهشی و فرهنگی در آموزش به واسطه ایجاد زیرساخت های آن برنامه بود.



برگزاری مراسم عزاداری شهادت اباعبدالله الحسین(ع) در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س)

مراسم عزاداری شهادت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران وفادارش، با حضور مدیر و کادر مرکز تربیت مدرس و خانواده های ایشان و معاون آموزش مدیریت استان قم، در دهه اول محرم در این مرکز برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین آقای بصیر سلحشور در سخنانی به درس هایی که از واقعه عاشورا می توان گرفت، اشاره کرد و در پایان به قرأت زیارت پرفیض عاشورا و ذکر مصیبت پرداخت.

برگزاری کارگاه "راهکارهای عملی برقراری ارتباط موثر در ایام کرونا در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س)"

هم زمان با هفته ملی مهارت، کارگاه "راهکارهای عملی برقراری ارتباط موثر در ایام کرونا"، با حضور دکتر مرضیه شاهسپاه، و مدیر و کارمندان مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) برگزار شد.

در این کارگاه خانم شاهسپاه، به مقوله ارتباطات در ایام کرونا اشاره کرد و گفت: با وجود همه بحران های مختلفی که در کشور مان اتفاق افتاده، این بحران تفاوت اساسی با آنها دارد؛ در بحران های گذشته، محدودیتی برای افراد وجود نداشت، ولی الان افراد درون خانواده محدود شده اند. همه گیری بیماری کرونا تا حدی موجب شد تا متوجه شویم که با اصول ارتباطات چندان آشنا نیستیم و همین امر موجب بالا رفتن آمارهای تماس با مراکز مشاوره در این ایام بود.

مشاور مرکز تربیت مدرس، تصریح کرد: این وضعیت جدید نشان داد که ارتباطات ما از جنس ارتباطات یاری گر نبود، بلکه برخی از ارتباطات موجود، تخریب گر بودند. لذا برای داشتن ارتباط موثر باید به چند سوال مهم پاسخ داده شود. یکی اینکه آیا فرد مقابل، من را شخصی قابل اعتماد و اتکا و یا با ثبات می داند؟ سوال دیگر اینکه آیا می توانم نگرش های منفی و مثبت خود را به دیگران در وجودم انتقال دهم؟ سوال سوم، آیا قادرم خودم را بدون تضاد و بدون ابهام، آشکارا به دیگری نشان دهم. و

اینکه من آنقدر قوی هستم که استقلال عاطفی و احساسی خود را از دیگران حفظ کنم و آیا این استقلال احساسی و عاطفی را به دیگران نیز روا می دارم. ارتباطی موثر و یاری گر است که چهار مولفه داشته باشد؛ اصالت و هماهنگی، احترام نامشروط، درک و همدلی، ایجاز در گفتار. ایجاز در گفتار، شامل کاهش اضطراب، اطلاعات در موضوع، فراموش نکردن هدف گفت وگو، غلبه بر کم رویی، روشن و واضح حرف زدن و نیز داشتن فکر می شود. لذا باید سعی کرد تا با رعایت این موارد، ارتباطی سالم و صحیح با اطرافیانمان داشته باشیم.



اخبار معاونت آموزش

برگزاری ۴۶ کلاس درسی در سامانه مدرس، در ترم اول تحصیلی گذشته، برای طلاب مرکز تربیت مدرس

معاون آموزش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) در گفت وگو با واحد اطلاع رسانی گفت: قبل از آغاز ترم تحصیلی جدید، با هدف آماده سازی فضای علمی و عملی مناسب جهت بهره برداری طلاب، و نیز ارتقاء کیفی آموزش و تاکید بر رویکرد مدرسی و به ویژه رویکرد پژوهش در آموزش، جلسات هم اندیشی متعددی با اساتید در شهریور ماه برگزار شد که در این جلسات، خواسته های مرکز تربیت مدرس به ویژه معاونت آموزش، به محضر اساتید تقدیم شد و از نقطه نظرات آنان بهره مند شدیم.

خانم حسینی تصریح کرد: در روزهای آغاز ترم تحصیلی، آموزش ها در سامانه مدرس آغاز شد. در مجموع ۴۶ کلاس برگزار شد که ۲۸ کلاس مربوط به سطح چهار و ۱۸ کلاس مربوط به سطح سه بود. برای سطح چهار، ۵۵ واحد درسی در پنج گروه ورودی و در سه رشته فقه، کلام و تفسیر، در سامانه مدرس شروع به کار کرد. در ابتدای امر، مشکلاتی وجود داشت که به تدریج با پیشرفت کلاس ها و با همکاری خوب طلاب عزیز تا حدودی مرتفع شد.

وی خاطرنشان کرد: از ۴۶ کلاس برگزار شده، ۱۸ کلاس برای سطح سه، در دو رشته تربیت دینی و کلام اسلامی بود. از مجموع کلاس های برگزار شده، ۱۵ کلاس با حضور اساتید، در محل مرکز تربیت مدرس برگزار شد. علاوه بر برگزاری کلاس های این مرکز، از اساتید حوزه های شهرستان هایی مثل ساوه و کرمان نیز میزبانی کردیم تا آنها برای استفاده از امکاناتی که تربیت مدرس برای برگزاری کلاس های آنلاین دارد، استفاده کنند و کلاس های خود را برگزار نمایند.

معاون آموزش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) به پیگیری روند تحقیقات کلاسی طلاب در طول ترم اشاره کرد و افزود: در طول ترم تحصیلی، در تعامل با طلاب بودیم تا تحقیقات و پژوهش ها به شکل غیر حضوری پیگیری و انجام شود. از اواسط ترم، امکان جدید مباحثه در سامانه مدرس فراهم شد و در این باره اطلاع رسانی انجام شد و تشویق کردیم تا طلاب از این امکان فراهم شده استفاده کنند. از آن جایی که اینترنت مدرس برای طلاب رایگان است، امکان خوبی بود که دوستان بتوانند مباحثه کنند.

وی به راه اندازی کانال معاونت آموزش در پیام رسان ایثا اشاره و تصریح کرد: سعی کردیم با تشکیل کانال اطلاع رسانی معاونت آموزش در پیام رسان ایثا، راه ارتباطی جدیدی که مستقیم با تمام طلابی که در حال گذراندن آموزش هستند، داشته باشیم. اطلاعات ها گام به گام در کانال گذاشته شده و طلاب با آموزش همراه و هماهنگ هستند. برای اینکه طلاب گرامی، آراش بیشتری در امتحانات داشته باشند، راه های مختلف در هنگام بروز مشکل شرکت در امتحان از طریق پرتال طلبه، برای ایشان توضیح داده شد. برنامه ترم آینده و دعوت از اساتید نیز انجام شده و به اطلاع طلاب رسیده است.

خانم حسینی همچنین به برگزاری آزمون جامع برای طلاب سطح ۴ اشاره کرد و افزود: برای برگزاری آزمون جامع، هماهنگی لازم و درخواست از اساتید برای طراحی سوالات انجام شد و این آزمون در سه شهر دیگر و نیز این مرکز برگزار شد و نمرات شرکت کنندگان نیز اعلام شد.

وی از طرح مقاله نویسی از محتوای آموزشی ویژه طلاب سطح چهار خبر دارد و افزود: با همکاری معاونت پژوهش، و با هدف تشویق طلاب به رویکرد پژوهشی داشتن در امور آموزشی، به طلابی که تا پایان شهریور سال ۱۴۰۰ موفق به اخذ "پذیرش چاپ" برای مقاله علمی - پژوهشی با موضوعی مرتبط با یکی از واحدهای درسی یا هم سو با موضوع رساله علمی خود شوند، هدیه نقدی به مبلغ پنج میلیون ریال تعلق می گیرد.

جلسه هم اندیشی با اساتید فقه خانواده در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) برگزار شد

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، روز یکشنبه ۱۶ شهریور، نشست به منظور ارتقاء بخشی آموزش و بهینه سازی اشراپ پژوهش در دروس تخصصی رشته فقه تشکیل خانواده مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) و با حضور اساتید محترم آقایان باقری شاهرودی و فاضل در این مرکز برگزار شد.

در این جلسه، پس از توضیحات مدیر مرکز، سرکار خانم طالبی و معاون آموزش درباره وضعیت تحصیلی و شرایط خاص طلاب ورودی ۹۷ (بورسیه)، راهکارهای ارتقاء آموزشی به بحث و تبادل نظر گذاشته شد.

با توجه به لزوم انتخاب موضوع رساله در ترم جاری و نیز پیش رو داشتن آزمون جامع، اساتید بر فراهم کردن زیرساخت های علمی طلاب و رفع نواقص و ضعف های دانشی و مهارتی تاکید کردند. همچنین بر مواردی چون تقویت متن خوانی، تاکید بر برگزاری آزمون شفاهی دروس تخصص در طول ترم و یا در پایان ترم جدای از آزمون کتبی، تقویت منبع شناسی و آشنایی با مراجع تخصصی فقهی و اصولی، ارائه جزوات مکمل توسط اساتید برای فهم دقیق و عمیق برخی متون دشوار تاکید شد.



سلسله جلسات هم اندیشی با اساتید کلام برگزار شد

همزمان با آغاز نیمسال اول سال تحصیلی جدید، روز پنج شنبه ۱۳ شهریورماه، نخستین جلسه هم اندیشی با اساتید دروس تخصصی کلام مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)، ویژه طلاب سطح ۴ ورودی ۹۷، با حضور خانم طالبی، مدیر مرکز و معاونین آموزش و پژوهش برگزار شد. در این جلسه اساتید محترم آقایان امامی نیا، نادم، ذوقی و حق پرست حضور داشتند و به تبادل نظر و ارائه راهکارهایی در راستای ارتقاء آموزش پژوهش محور و نیز جهت دهی و توانمندسازی طلاب در مسئله یابی، منبع شناسی، انتخاب موضوع، نگارش مقاله علمی-پژوهشی و تدوین رساله پرداختند. در پایان طبق برنامه پیشنهادی، طلاب موظف شدند علاوه بر همراهی اساتید در آموزش پژوهش محور و انجام فعالیت های کلاسی، پس از مشاوره با اساتید و تعیین باب کلی مورد علاقه و دغدغه خود، موضوع رساله را انتخاب کنند و با راهنمایی استاد، به نگارش مقاله ای در ارتباط با آن موضوع مبادرت ورزند.

برگزاری دومین جلسه هم اندیشی با اساتید دروس تخصصی کلام مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)

روز چهارشنبه ۱۹ شهریورماه، دومین جلسه هم اندیشی با اساتید دروس تخصصی کلام مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)، ویژه طلاب سطح چهار ورودی ۹۸، با حضور خانم طالبی، مدیر مرکز و معاونین آموزش و پژوهش برگزار شد.

در این جلسه اساتید محترم آقایان صفری، شاکرین، دستیاری و غفاری درباره بهینه سازی شیوه های بهره گیری اساتید از فعالیت های پژوهشی طلاب در تدریس واحدهای آموزشی به تبادل نظر پرداختند و فراهم شدن زمینه های تعالی و بالندگی علمی بانوان حوزوی را ضرورتی دانستند که از طریق عمق بخشی معرفتی و ورود آنان به عرصه پژوهش حاصل می شود.

حاضرین در جلسه عملیاتی و نتیجه بخش بودن برنامه ای کارآمد را وابسته به عواملی چون طراحی و اجرای مرحله ای در قالب گام هایی متناسب با تعداد واحدها و مدت زمان هر نیمسال، تقویت بنیه علمی طلاب و جبران ضعف های آموزشی سابق آنها، ارتقاء مهارت تفکر و ایجاد فضای اندیشه ورزی به جای تقویت محفوظات، بیان نظام مند مسائل و پرسش های علمی هر درس توسط اساتید، نظارت و همراهی معاونت پژوهش به منظور کاربردی کردن و چاپ مقالات طلاب عنوان کردند.

در پایان، پیشنهاد «کلان طرح پژوهشی» به بحث گذاشته شد که بر اساس آن لازم است پس از هم اندیشی و مشورت اساتید، موضوعی کلی متناسب با نیازها و مطالبات علمی، اجتماعی و فرهنگی فعلی و نیز شرایط خواهران طلبه سطح چهار تعیین شود و پس از مشخص شدن ریز موضوع های مربوط، طلاب موظف شوند در طول نیمسال های آموزشی و تحت نظارت اساتید و معاونت پژوهش، آثار پژوهشی خود را در قالب کلان طرح ارائه کنند. بررسی کارشناسی و تایید نهایی طرح مذکور به جلسات بعدی موکول شد.



نخستین جلسه هم اندیشی با اساتید تفسیر در سال تحصیلی جدید برگزار شد

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، روز یکشنبه ۱۶ شهریور، نشست به منظور هم اندیشی اساتید دروس تخصصی رشته تفسیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س) و با حضور اساتید محترم آقایان بابایی، مسعودی، آخوندی، صادق نیا و مرادی در این مرکز برگزار شد.

در این جلسه پس از توضیحات مدیر مرکز، سرکار خانم طالبی و معاونین آموزش و پژوهش در ترسیم وضعیت کلی طلاب ورودی ۹۸ و ۹۷، راهبردها و راهکارهای پیشنهادی اساتید برای اشراق پژوهش در آموزش و شیوه های نوین تدریس در راستای عمق بخشی یادگیری از طریق مشارکت پژوهشی طلاب مطرح شد.

براین اساس، لازم است بستر آموزش در کلاس ها به گونه ای باشد تا با ایجاد دغدغه و انگیزه پژوهشی در طلاب و جهت دهی به فعالیت های پژوهشی، فهم عمیق و مناسب حاصل شود. همچنین در این نشست پیشنهاد شد تا اساتید محترم با معرفی مناقشه علمی و هدایت طلاب به سمت افق های نوین پژوهشی، طلاب را در انتخاب موضوع رساله یاری کنند.



اخبار معاونت پژوهش



برگزاری جلسه برخط معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) با دانش پژوهان سطح سه و چهار

معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) جلسه برخط به صورت مجزا با دانش پژوهان سطح سه و چهار در پیام رسان ایتا برگزار کرد و به سوالات طلاب پاسخ داد.

خانم لیلا صابری، با اشاره به مقوله نگارش رساله در سطح چهار، گفت: نوشتن رساله در دو بخش صورت می پذیرد؛ بخش محتوا (علمی، ساختاری) و سامانه. بخش سامانه هنوز کامل نیست و دانش پژوهان به آن دسترسی ندارند. سامانه در دسترس معاونت پژوهش است و متقاضیان نگارش رساله در نخستین گام، کاربرگ طرح اجمالی را به صورت دقیق و کامل پر می کنند و به ایمیل معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس می فرستند. سپس معاونت پژوهش طرح اجمالی را در سامانه بارگذاری می کند.

وی افزود: در نگارش کاربرگ طرح اجمالی، تمام قسمت های آن باید دقیق و کامل پر شود، در غیر این صورت سامانه نمی پذیرد و طرح شما از این قسمت عبور نمی کند. از این رو امضای استاد راهنما و مشاور در این مرحله لازم است. در خصوص معرفی استاد راهنما، شناسایی استاد راهنما به عهده معاونت پژوهش نیست. این معاونت می تواند استادان سامانه را به شما معرفی کند. چنانچه نگارنده ای متقاضی راهنمایی استادی خارج از سامانه باشد، باید رزومه و اسناد علمی و پژوهشی استاد راهنما یا مشاور را به ایمیل معاونت پژوهش بفرستد تا در کارگروه بررسی و نتیجه اعلام شود.

خانم صابری تصریح کرد: طبق آیین نامه و عملکرد برخی دوستان، متقاضی نگارش رساله می تواند استادی واجد شرایط را که نامش در سامانه نیست، برگزیند و رزومه وی و مستندات آن را به معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس بفرستد تا برای بررسی در کارگروه به مدیریت استان فرستاده شود. متقاضی می تواند یکی از شرایط استاد را، همکاری لازم در وقت مقرر لحاظ کند و با توجه به این معیار، استاد راهنما را انتخاب نماید. معاونت پژوهش هم موظف است رسیدگی به پرونده استاد پیشنهادی و مراحل اداری آن را پیگیری کند.

وی از برگزاری جلسات دفاع پایان نامه به صورت آنلاین خبر داد و افزود: با وضع موجود، شرایطی را مهیا کردیم تا جلسات دفاعیه پایان نامه ها به صورت آنلاین برگزار شود و طلاب مجبور نباشید از شهرهای دیگر به قم بیایند. معاون پژوهش تصریح کرد: برنامه های کلام ۹۷ باید با هماهنگی دبیر گروه مربوطه و پروژه باشد. در این زمینه اقدام اولیه باید از جانب دبیر گروه صورت گیرد.

معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) در پیامی ارتحال دکتر علیپور را تسلیت گفت

متن تسلیت معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری(س)

«... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

این بار در گذر زمان، در گذر بی صدای ثانیه های دنیای فانی، جرس کاروان از کوچ اسطوره ای خبر داد که دانش و فرهیختگی را پایانی نمی دید. پر کشیدن استاد فرزانه و همیشه خرم، جناب دکتر ابراهیم علیپور، استاد راهنما و عضو ثابت کارگروه فلسفه و کلام مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری(س) داغی بر دل ها نهاد که جبران بر پدر پیر فلک، ناشدنی است.

اعضای معاونت پژوهش این مرکز و شاگردان آن ارجمند، این ماتم جبران ناپذیر را به خانواده محترم آن شریف سفر کرده، تسلیت عرض نموده، آرامش روحش را زیر سایه طوبی خواهانند.



برگزاری پنجمین کمیسیون بررسی موضوعات و طرح نامه پایان نامه ها

صد و بیست و دومین و صد و بیست و سومین کمیسیون بررسی موضوعات و طرح نامه پایان نامه ها



در صد و بیست و دومین و صد و بیست و سومین جلسه کمیسیون پایان نامه ها، که در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۵ و ۶ مرداد ماه در این مرکز برگزار شد، سه موضوع در گرایش فلسفه و کلام و دو موضوع و یک طرح تفصیلی در گرایش ادبیات عرب را بررسی کردند.

صد و بیست و چهارمین و صد و بیست و پنجمین کمیسیون بررسی موضوعات و طرح نامه پایان نامه ها

در صد و بیست و چهارمین جلسه کمیسیون پایان نامه ها، که در روز دوشنبه ۴۲ شهریور برگزار شد، یک موضوع برای پایان نامه و دو طرح تفصیلی در گرایش مطالعات اسلامی زنان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین روز سه شنبه ۲۵ شهریور، صد و بیست و پنجمین جلسه کمیسیون پایان نامه ها، با حضور معاون پژوهش و همچنین اساتید محترم کمیسیون برگزار شد. در این جلسه دو طرح تفصیلی و ۳ تعیین داور در گرایش اخلاق و تربیت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت.

صد و بیست و ششمین کمیسیون بررسی موضوعات و طرح نامه پایان نامه ها

در صد و بیست و ششمین جلسه کمیسیون پایان نامه ها که در روز ۱۲ مهر ماه برگزار شد، شش موضوع و یک طرح تفصیلی در گرایش فلسفه و کلام مورد بررسی قرار گرفت.

لازم به ذکر است این اولین جلسه کمیسیون در سال جاری بدون حضور مرحوم دکتر علیپور بود. این جلسه به احترام یاد مرحوم دکتر علیپور، با تلاوت قرآن شروع شد و در ادامه، اساتید و مدیریت مرکز تربیت مدرس، خانم طالبی، در سخنانی، فقدان استاد گرانقدر جناب آقای علیپور را موجب نقصانی در جامعه علمی دانسته و از ایشان به عنوان استادی پویا، پرتلاش و خستگی ناپذیر، فروتن، آماده به خدمت، همیشه پاسخ گوی دعوت های تربیت مدرس یاد کردند. همچنین از زحمات و فعالیت های ایشان تقدیر کرده و یاد و خاطرش را گرامی داشتند.



نخستین کارگروه رساله های علمی سطح چهار رشته های فقه خانواده و تفسیر تطبیقی برگزار شد

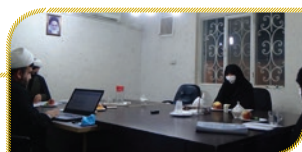
معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) با اشاره به آغاز نخستین دوره سطح چهار در بهمن ماه گفت: این دوره با دو گرایش فقه خانواده و تفسیر تطبیقی برگزار شد. واحدهای آموزشی این دوره شش نیمسال به طول انجامید. شرکت کنندگان دوره یاد شده، اساتید مدارس علمیه سراسر کشور، اعضای کادر مدارس و دانش آموختگان سطح سه بودند.

خانم لیلا صابری به امتیازات این دوره اشاره و تصریح کرد: بهره از اساتید برجسته حوزه و دانشگاه، پیوند واحدهای آموزشی با مهارت های پژوهشی، امکان مشاوره در زمینه ایده ها و موضوع های پژوهشی، بهره از دستاوردهای مؤسسات و مراکز پژوهشی، نشست ها و کارگاه های مهارت های بایسته یک پژوهشگر از جمله مزایای شرکت در این دوره ها است. دانش پژوهان این گروه هم زمان با گذراندن واحدهای آموزشی سطح چهار، به انتخاب موضوع رساله علمی و نیز مقاله علمی پژوهشی در راستای موضوع رساله پرداختند. طرح های اجمالی و تفصیلی پیشگامان این دوره در مراحل نخست، در جلسه های کارگروه مدیریت استان قم بررسی شد. این ارزیابی از پاییز امسال به معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) واگذار و نخستین جلسه کارگروه فقه خانواده و تفسیر تطبیقی در آبان دی ۹۹ تشکیل شد. در جلسه هر یک از رشته های نام برده، پنج تن از اساتید برجسته حوزه و دانشگاه با پیشینه ای فاخر در زمینه آموزش و پژوهش حضور یافتند و با دبیری معاون پژوهش مرکز یاد شده، به بررسی طرح های اجمالی و تفصیلی پرداختند.

معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) خاطرنشان کرد: سامانه رساله های سطح چهار، سامانه ای نو پا بوده و دسترسی به آن، تنها برای کاربران معاونت پژوهش ممکن است. از این رو، نام بردگان هر گونه ارتباط برای رساله را از راه ایمیل با معاونت یاد شده برقرار می کنند.

لیست پایان نامه های دفاع شده:

۱. دفاعیه پایان نامه **خانم رقیه یوسفی** با عنوان « مؤلفه های نظام عفت در اندیشه دینی » در رشته مطالعات اسلامی با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل چراغی و داوری حجت الاسلام والمسلمین، مهدی سجادی امین در روز ۳۱ شهریور دفاع شد.
۲. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم وحیده کاظمی** با عنوان « اغراض بلاغی امر و نهی در جزء یازده، دوازده و بیست و یک تائیس و چهار قرآن کریم » در رشته مطالعات اسلامی با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین علی اسدیان شمس و داوری حجت الاسلام والمسلمین، عبدالمطلب فریدی فر در روز دوشنبه ۸ دی ماه برگزار شد.
۳. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم سولماز کریمی زاد** با عنوان « تاثیر معنایی ایرادات ابن هشام در آراء زمخشری ذیل آیات باب اول غنی اللیب عن کتب الاعاریب » در رشته ادبیات عرب در روز ۲ دی ماه به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ برگزار شد. راهنمایی پایان نامه را حجت الاسلام والمسلمین محمد عظیمی و داوری آن را حجت الاسلام والمسلمین، حسین شیرافکن برعهده داشتند.
۴. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم فاطمه غلامی** با عنوان « تاثیر عمل مصدر مضاف در فهم آیات قرآن » در رشته ادبیات عرب با راهنمایی جناب آقای محمد عظیمی و داوری جناب آقای عبدالمطلب فریدی فر به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ برگزار شد.
۵. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم الهام خلیلی** با عنوان « تاثیر معانی و متعلقات حرف جر (من) در تفسیر آیات سوره مائده بر اساس تفاسیر روح المعانی و مجمع البیان » در رشته ادبیات عرب با راهنمایی آقای محمد عظیمی و داوری آقای عبدالمطلب فریدی فر به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ، روز ۲۶ آبان ماه برگزار شد.
۶. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم نیره یوسفیان پور** با عنوان « نقد و بررسی استدلال های موافقان و مخالفان تبعیض جنسیتی در رقابت های ورزشی » و پایان نامه خانم زینب زارع شاهسون با عنوان « اندیشه اخلاقی غزالی » در رشته اخلاق با راهنمایی حجت الاسلام علیرضا آل بویه و داوری آقای سید محمد حسینی سورکی روز دوشنبه ۶ آبان به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ برگزار شد که به هردو پایان نامه، نمره عالی تعلق گرفت.
۷. جلسه دفاعیه پایان نامه **خانم فاطمه جلالی** با عنوان « تصحیح و تحقیق نسخه خطی اثبات الواجب الکبیر (احمد بن ابراهیم حسینی دشتکی شیرازی) همراه با مقدمه » در رشته فلسفه اسلامی با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین محمدرسلول ملکی و داوری حجت الاسلام والمسلمین محمد سوری روز ۲۹ شهریور برگزار شد.
۸. جلسه دفاع پایان نامه **خانم راضیه ذوالفقاری** از طلاب سطح ۳ با عنوان « ارتباط قوامیت مرد با استحکام خانواده » در رشته مطالعات اسلامی روز ۲۵ شهریور برگزار شد. در این جلسه دفاعیه، حجت الاسلام والمسلمین فاضل حسامی به عنوان راهنما و حجت الاسلام والمسلمین مهدی سجادی امین به عنوان داور جلسه حضور داشتند.
۹. در دهم آبان ماه دفاعیه پایان نامه **خانم زهرا بیات** با عنوان « جلوه های بیان (تشبیه، استعاره و کنایه) در وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری » در رشته ادبیات عرب با راهنمایی آقای علی اسدیان شمس و داوری آقای حسین شیرافکن به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ برگزار شد.
۱۰. جلسه دفاع پایان نامه **خانم زهرا عبداللهی**، با عنوان « مبانی فقهی نفی خشونت علیه زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران » در رشته مطالعات اسلامی زنان، به همت معاونت پژوهش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) در سی ام دی ماه با راهنمایی آقای ابراهیم شفیعی سروستان و داوری حجت الاسلام والمسلمین مهدی سجادی امین به صورت برخط و با نرم افزار اسکایپ برگزار شد.



عکاسی خانه

عکس ازم.کد



حضور معاون آموزش مرکز
مدیریت حوزه های علمیه خاوران و جلسه
با مدیر و معاونان مرکز تربیت مدرس



جلسات هم اندیشی
اساتید با مدیر و معاون
آموزش مرکز تربیت مدرس



مراسم عزاداری دهه
اول محرم در مرکز تربیت
مدرس صدیقه کبیری (س)

